

هم عمار بودی  
و هم مالک

شہید حسین نصر اللہ

ناصر گاؤہ

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَى مُحَمَّدٍ

کتاب شهید سید حسن نصرالله\_ ناصر کاوه



کتاب شهید سید حسن نصرالله ناصر کاوه



سرشناسه :  
عنوان و نام پدیدآور :  
مشخصات نشر :  
مشخصات ظاهری :  
شابک :

وضعیت فهرست نویسی : فیبا  
یادداشت : کتابنامه.

موضوع : شهیدان - ایران - بازماندگان - خاطرات

Martyrs - Iran - Survivors - Diaries - موضوع

موضوع : جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ - خاطرات

موضوع : Personal narratives - Iran-Iraq War, ۱۹۸۰-۱۹۸۸

موضوع : شناسه افزوده:

رده بندی کنگره :

رده بندی دیویی:

شماره کتابشناسی ملی :

اطلاعات رکورد کتابشناسی:

## این کتاب تقدیم می‌شود

به ائمه معصومین (صلوات الله عليهم اجمعین) امام خمینی (ره)، شهدا از صدر اسلام تا تمامی شهدای نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و رئیس جمهور شهید و شهدای همراه و شهدای مقاومت و شهید سید حسن نصر الله

## امام خامنه ای

ما با شهدا معاصر بودیم و جهاد و ایثار و شهادت و گره‌گشایی‌ها و ایستادگی آنان در مقابل قدرتها را دیدیم اما نسل جوان، این موضوع را با وضوح و پداهتی که ما متوجه شدیم، نمی‌بیند، بنابراین هریک از علما، روشنفکران، دانشگاهیان و صاحبان مناصب دولتی، باید به تناسب جایگاه خود نقش‌آفرینی کنند. راه مقابله با جنگ شناختی، اقتصادی، سیاسی و امنیتی جبهه دشمنان انقلاب اسلامی، استمرار راه شهدا و عمل به درس آنان یعنی مجاهدت، ایستادگی و مقاومت است. عزیزان من، برادران خوب، خواهران خوب! بدانید، امروز هم پیام شهیدان اگر به گوش ما برسد، از ما خوف را و حزن را برطرف خواهد کرد. آنهایی که دچار خوفند، آنهایی که دچار حزنند، این پیام را نمی‌گیرند، نمی‌شنوند، و آلا اگر صدای شهیدان را بشنویم، خوف و حزن ما هم محو خواهد شد، به برکت صدای شهیدان...

## نام کتاب : «هم عمار بودی هم مالک»

نویسنده: ناصر کاوه

گرافیک و طراح: علی کربلایی

مشاور طرح: مهدی کاوه

حروف نگار: نرگس کاوه

روابط عمومی و پشتیبانی: فاطمه عاقلی

رسانه و فضای مجازی : لیلا عاقلی

نوبت چاپ اول: ۱۴۰۳

شمارگان: ۱۰۰۰

قیمت: ۲۰۰/۰۰۰ تومان



إِنَّا عَدَّة الْعَهْد

الشَّهِيدَ الْقَائِدَ وَالسَّيِّدَ حَسَنَ نَصْرِ اللَّهِ



إِنَّا عَدَّة الْعَهْد

الْحَقَّ الشَّهِيدَ النَّعِيمَ وَكَرِيمَ حَسَنَ نَصْرِ اللَّهِ

کتاب شهید سید حسن نصر الله\_ ناصر کاوہ



## مقدمه

«مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا» برخی از آن مؤمنان، بزرگ مردانی هستند که به عهد و پیمانی که با خدا بستند کاملاً وفا کردند، پس برخی پیمان خویش گزارندند (و بر آن عهد ایستادگی کردند تا به راه خدا شهید شدند مانند عبیده و حمزه و جعفر) و برخی به انتظار (فیض شهادت) مقاومت کرده و هیچ عهد خود را تغییر ندادند (مانند علی علیه السلام که در کوفه به محراب عبادت شهید گشت) آیه ۲۳ سوره احزاب

## فهرست

مقدمه/ ۱۱

پیام تسلیت امام خامنه ای/ ۲۰

زندگینامه شهید سید حسن نصرالله/ ۲۷

ترورهای نافرجام/ ۸۵

نگاه دیگران/ ۸۷

واکنش ها / ۸۹

آثار / ۹۱

پیام رهبری / ۱۰۱

گفتاری از شهید همدانی/ ۱۲۳

خاطرات / ۱۳۶

سید حسن نصرالله از روحانیون مبارز و مجاهد معاصر لبنان و دبیر کل جنبش حزب الله این کشور بود که سالها در مقابل تجاوزات و جنایات رژیم غاصب صهیونیستی ایستاد و از ملت مظلوم فلسطین دفاع کرد

سید حسن نصرالله در ۳۱ اگوست ۱۹۶۰ میلادی در روستای "البزوریه" در جنوب لبنان به دنیا آمد. او در نوجوانی در سال ۱۹۷۶ به نجف رفت و تحصیلات حوزوی خود را در آنجا آغاز کرد. سید حسن در سال ۱۹۷۸ به لبنان بازگشت و در مدرسه الامام المنتظر (ع)، که شهید سید عباس موسوی آن را تاسیس کرده بود، تحصیلات حوزوی خود را پی گرفت و در همان حال، به فعالیت‌های سیاسی در جنبش امل در منطقه بقاع مشغول شد

در سال ۱۹۹۲ و پس از شهادت سید عباس موسوی، دبیرکل وقت حزب الله لبنان، با اجماع شورای رهبری حزب الله سید حسن



نصرالله، دبیرکل جدید این جنبش شناخته شد. شهادت سید عباس موسوی به همراه خانواده‌اش، تاثیر بسزایی در روحیه مردم لبنان و به ویژه رزمندگان حزب‌الله گذاشت و پس از آن بود که مبارزات و حملات حزب‌الله شکل جدیدی به خود گرفت و حمایت عمومی در میان مردم لبنان از حزب‌الله رو به فزونی نهاد

در این میان، "اسرائیل" نیز در سال‌های ۱۹۹۳ و ۱۹۹۶ عملیات‌های "خوشه‌های خشم" و "تسویه حساب" را به اجرا گذاشت که با مقاومت سرسختانه حزب‌الله، که از کم‌ترین امکانات نظامی برخوردار بود، روبه‌رو شد

در ماه سپتامبر ۱۹۹۷ دو تن از رزمندگان حزب‌الله در حمله به یکی از مواضع ارتش اسرائیل در منطقه جبل‌الرفیع در جنوب لبنان به شهادت رسید و پیکر آنان به دست نیروهای اسرائیلی افتاد. تلویزیون رژیم اسرائیل بدون اطلاع از هویت این دو نفر، تصویر خون‌آلود آنان را به نمایش گذاشت، به سرعت مشخص شد که یکی از این دو تن، سید هادی، فرزند سید حسن نصرالله، دبیر کل حزب‌الله است. انتشار این خبر همانند بمبی در جامعه لبنان صدا کرد و تحول بسیار مهمی در پی داشت. در تاریخ لبنان، چه در زمان جنگ داخلی و چه در مقابله با تجاوز نظامی اسرائیل، هیچ‌گاه دیده نشد که فرزند یکی از رهبران گروه‌های سیاسی و یا شبه‌نظامیان در راه مبارزه کشته شده باشد

این واقعه، موجی از احساسات جوشان همدردی، احترام و شیفتگی را نسبت به دبیر کل حزب‌الله در میان همه طوایف مذهبی لبنان در پی داشت، به گونه‌ای که همه آحاد ملت لبنان از هر دین و

مذهبی، تحت تاثیر شدید این واقعه قرار گرفتند. رهبران سیاسی لبنان نیز یکی پس از دیگری به دیدار سید حسن نصرالله رفته و ضمن گفتن تبریک و تسلیت به مناسبت شهادت سید هادی نسبت به شخصیت مبارز و صادق دبیر کل حزب‌الله، مراتب قدردانی و احترام خود را ابراز داشتند

در سال ۲۰۰۰ میلادی و در زمانی که مذاکرات یاسر عرفات و مسئولان آمریکایی و اسرائیلی برای حل کشمکش خاورمیانه، راه به جایی نبرده بود، ارتش رژیم صهیونیستی در حرکتی یک‌جانبه و بدون گرفتن کمترین امتیازی از حزب‌الله، از اراضی اشغالی جنوب لبنان عقب‌نشینی کرد و به جز مناطق محدود مزارع شبعا، نیروهای خود را از همه مناطق تحت اشغال عقب کشید

این شکست مفتضحانه، علاوه بر استحکام بخشیدن به مواضع حزب‌الله، مبتنی بر مقاومت، باعث شد تا سید حسن نصرالله به موفقیتی بی‌سابقه در میان اعراب دست یابد، تا این که به‌عنوان مهم‌ترین شخصیت جهان عرب شناخته شود. از سوی دیگر، حزب‌الله لبنان باتکیه بر این موفقیت، توانست حضور خود را در عرصه سیاسی لبنان تقویت کند، تا جایی که علاوه بر حضور پرتعداد در پارلمان لبنان، سکان تعدادی از وزارتخانه‌ها را نیز به دست گیرد

پیروزی‌های پی در پی حزب‌الله در عرصه‌های مختلف سیاسی و نظامی، در میان فلسطینیان نیز تاثیر خود را بر جای گذاشت. مردم آواره فلسطین به‌ویژه جوانان، که سال‌ها دل به روند مذاکرات صلح خاورمیانه بسته بودند، دریافتند که مشکل فلسطینیان با

سیدحسن نصرالله روایت می کند که دیدار آخرش با شهید سلیمانی در عصرگاه روز اول ژانویه ۲۰۲۰ تا دو روز قبل از برگزاری آن بدون برنامه ریزی قبلی و غیر قطعی بود... سیدحسن نصرالله می گوید که در این دیدار شهید سلیمانی با قلبی مطمئن و مشتاق حضور داشت و تاکید می کرد که این وداع آخر است... در ادامه این فیلم یک پیام صوتی از دبیرکل حزب الله آمده است که در آن تاکید می کند که به طور معمول این گونه بود که در دیدارهایی که ما داشتیم برادران که همراه (حاج قاسم) بودند عکس می گرفتند و بعضی اوقات هم عکس گرفته نمی شد، اما در این دیدار تقریباً از همه جزئیات جلسه، گفتگوهای مان، وضو گرفتن و نماز خواندن تصاویری به ثبت رسید که آن را منتشر نکردیم





مذاکره با رژیم اشغالگر حل نمی‌شود و با این پیش‌زمینه، انتفاضه دوم مسجدالاقصی شکل گرفت؛ انتفاضه‌ای که به حماس قدرتی دیگر بخشید و با پیروزی حماس در انتخابات فلسطین وارد مرحله‌ای جدید شد؛ مرحله‌ای که دیگر با جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل پایان نمی‌یابد، چه آن که سید حسن نصرالله در پیام خود چنین ایراد کرد: «از حالا به بعد، شما جنگی تمام‌عیار خواستید، پس این هم جنگ تمام‌عیار شما. حکومت شما خواست قواعد بازی تغییر کند، پس قواعد بازی تغییر می‌کند. شما نمی‌دانید امروز با چه کسی می‌جنگید. شما با فرزندان محمد (صلی الله علیه و آله)، علی، حسن و حسین (علیهم السلام) و با اهل بیت رسول خدا (ص) و اصحاب او وارد جنگ شده‌اید. شما با قومی می‌جنگید که ایمانی فراتر و برتر از همه انسان‌های این کره خاکی دارد. شما خواستار جنگی تمام‌عیار با قومی شدید که به تاریخ و فرهنگ خود افتخار می‌کند و قدرت مادی، امکانات، مهارت، خرد، آرامش، عزم، ثبات و شجاعت دارد و به امید و یاری خدا روزهای آینده را میان ما و شما خواهیم دید.»

سید حسن به دلیل فشارهای اقتصادی جنوب لبنان به همراه خانواده به بیروت مهاجرت کرد و در حاشیه پایتخت در محله کرنیتینا سکنی گزید. خودش خاطرنشان کرده است که در کودکی شال مشکی و بلند مادر بزرگش را دور سر می‌پیچانده و به حاضران می‌گفته من روحانی هستم، پشت سرم نماز بخوانید. شخصیت سید حسن نصرالله در محله کرنیتینا شکل گرفت. سید در نوجوانی در نزد پدرش در مغازه میوه‌فروشی کار می‌کرده. سید حسن نصرالله برخلاف دوستانش که همیشه راهی زمین‌های فوتبال و سواحل

توریستی بیروت بودند، به مناطق مجاور کرنیتینا همانند، النبعه، سن الفیل و برج حمود می‌رفت تا از فضای معنوی مساجد آنها استفاده کند

سید از کودکی علاقه فراوانی به مطالعه داشت و در زمینه دین مطالعات زیادی انجام داده است. او تحصیلات ابتدایی را در مدرسه‌های کوی النجاج و سن الفیل پشت سر گذاشت و همزمان با جنگ‌های داخلی لبنان به اتفاق خانواده به بازوریه زادگاه خود بازگشت و در شهر صور دوران دبیرستان را تمام کرد جنبش‌های چپ مارکسیستی و کمونیستی در آن دوران در البازوریه بسیار فعال بودند اما وی به جنبش اسلامی امل که امام موسی صدر آن را در لبنان پایه‌ریزی کرده بود، پیوست. دیری نگذشت که سید حسن به‌عنوان نماینده امل در البازوریه فعالیت سیاسی‌اش را گسترش داد

او در مسجد صدر شهر صور با یک روحانی مدرس علوم دینی به نام سید محمد الغروی آشنا شد و با کمک او برای ادامه تحصیلات حوزوی به نجف رفت. در آنجا سید حسن نصرالله سراغ آیت‌الله سید محمد باقر صدر را گرفت اما او را به شخصی به نام سیدعباس موسوی معرفی کردند و در اولین دیدارش با موسوی در ابتدای گفت‌وگو سعی کرد از لهجه لبنانی دوری کند و با عربی فصیح صحبتش را آغاز کرد

سید حسن نصرالله تحصیلاتش را در نجف نزد موسوی و آیت‌الله صدر ادامه داد و در سال ۱۹۷۸ مقدمات را به پایان رساند. در این

پیام رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله العظمی خامنه ای علیه السلام  
به مناسبت شهادت سید حسن نصرالله، دبیرکل شهید حزب الله لبنان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

انا لله وانا اليه راجعون

ملت عزیز ایران  
امت بزرگ اسلامی

مجاهد کبیر، پرچمدار مقاومت در منطقه، عالم بافضیلت دینی، و رهبر مدبر سیاسی، جناب سید حسن نصرالله رضوان الله علیه، در حوادث دیشب لبنان به فیض شهادت نائل آمد و به ملکوت پرواز کرد. سید عزیز مقاومت پاداش دهها سال جهاد فی سبیل الله و دشواریهای آن را در خلال یک پیکار مقدس دریافت کرد. در حالی شهید شد که سرگرم طراحی برای دفاع از مردم بی پناه ضاحیه بیروت و خانه‌های ویران شده و عزیزان پرپر شده‌ی آنان بود، همچنانکه دهها سال برای دفاع از مردم ستمدیده‌ی فلسطین و شهر و روستای غصب شده و خانه‌های تخریب شده و عزیزان قتل عام شده‌ی آنان طراحی و تدبیر و جهاد کرده بود. فیض شهادت پس از اینهمه مجاهدت حق مسلم او بود. دنیای اسلام، شخصیتی با عظمت را؛ و جبهه‌ی مقاومت پرچمداری برجسته را، و حزب الله لبنان رهبری کم نظیر را از دست داد، ولی برکات تدبیر و جهاد چند ده ساله‌ی او هرگز از دست نخواهد رفت. اساسی که او در لبنان پایه گذاری کرد و به دیگر مراکز مقاومت، جهت بخشید، با فقدان او نه تنها از میان نخواهد رفت، که به برکت خون او و دیگر شهیدان این حادثه استحکام بیشتر خواهد یافت. ضربات جبهه‌ی مقاومت بر پیکر فرسوده و رو به زوال رژیم صهیونی، بحول و قوه‌ی الهی کوبنده‌تر خواهد شد. ذات پلید رژیم صهیونی در این حادثه، به پیروزی دست نیافته است. سید مقاومت، یک شخص نبود، یک راه و یک مکتب بود، و این راه همچنان ادامه خواهد یافت. خون شهید سید عباس موسوی بر زمین نماند، خون شهید سید حسن هم بر زمین نخواهد ماند.

اینجانب به پدر بزرگوار و همسر گرامی سید عزیز که پیش از او فرزندش سید هادی را نیز در راه خدا داده، و به فرزندان گرامیش و به خانواده‌های شهیدان این حادثه و به یکایک افراد حزب الله و به مردم عزیز و مقامات عالی‌ه‌ی لبنان، و به سراسر جبهه‌ی مقاومت، و به مجموع امت اسلامی، شهادت نصرالله بزرگ و یاران شهیدش را تبریک و تسلیت عرض میکنم و در ایران اسلامی پنج روز عزای عمومی اعلام مینمایم. خداوند آنان را با اولیائش محشور فرماید.

## راه و مکتب سید مقاومت ادامه خواهد یافت

ضربات جبهه‌ی مقاومت بر  
پیکر فرسوده و رو به زوال رژیم  
صهیونی کوبنده‌تر خواهد شد

والسلام علی عباد الله الصالحین  
سید علی خامنه ای  
۱۴۰۳/۷/۷

دوران در کشور عراق تحولات سیاسی و امنیتی فراگیر شده بود. در این تحولات طلاب علوم دینی حوزه نجف همواره تحت تعقیب بودند. طلبه‌های لبنانی نیز در این دوران با اتهامات مختلفی از جمله همکاری با حزب الدعوه عراق، همکاری با جنبش امل در لبنان و یا ارتباط با حزب بعث حاکم بر سوریه مواجه بودند

سید حسن به دلیل فشارهای موجود در عراق به لبنان برگشت و در حوزه علمیه بعلبک مشغول به تحصیل و تدریس شد. در کنار تحصیلات حوزوی، سید حسن نصرالله از آموزش‌های نظامی غافل نماند و دوره‌های مختلف چریکی را پشت سر گذاشت. سید حسن به دلیل توانایی در مدیریت و فرماندهی، به‌عنوان نماینده جنبش امل در دره بقاع منصوب شد

در سال ۱۹۸۲ با آغاز اشغال لبنان، جنبش امل به ۲ جریان تقسیم شد، جریان اول به رهبری نبیه بری، خواهان قرارگرفتن نیروهای جنبش در کنار جبهه نجات ملی بود و جریان دوم که سیدعباس موسوی و سیدحسن نصرالله آن را رهبری می‌کردند، خواستار حفظ نیروهای اصولگرای شیعی و سازماندهی آنها برای رویارویی با اشغالگران اسرائیلی بود

مهمترین دلیل نیروهای شیعی در ملحق نشدن به نیروهای جبهه نجات ملی وجود شخصیتی چون بشیر جمیل بود. چرا که بشیر جمیل در کنار روابطش با اسرائیل به دنبال ریاست جمهوری لبنان بود

کتاب شهید سید حسن نصرالله\_ ناصر کاوه

پیام تسلیت رهبر انقلاب به مناسبت شهادت سید حسن نصرالله

بسم الله الرحمن الرحيم

انا لله و انا اليه راجعون

ملت عزیز ایران

امت بزرگ اسلامی

مجاهد کبیر، پرچمدار مقاومت در منطقه، عالم بافضیلت دینی، و رهبر مدبر سیاسی، جناب سید حسن نصرالله رضوان الله علیه، در حوادث دیشب لبنان به فیض شهادت نائل آمد و به ملکوت پرواز کرد. سید عزیز مقاومت پاداش دهها سال جهاد فی سبیل الله و دشواریهای آن را در خلال یک پیکار مقدس دریافت کرد. در حالی شهید شد که سرگرم طرّاحی برای دفاع از مردم بی‌پناه ضاحیه بیروت و خانه‌های ویران‌شده و عزیزان پرپر شده‌ی آنان بود، همچنانکه دهها سال برای دفاع از مردم ستمدیده‌ی فلسطین و شهر و روستای غصب‌شده و خانه‌های تخریب‌شده و عزیزان قتل‌عام‌شده‌ی آنان طرّاحی و تدبیر و جهاد کرده بود. فیض شهادت پس از اینهمه مجاهدت حق مسلم او بود

دنیای اسلام، شخصیتی باعظمت را؛ و جبهه‌ی مقاومت پرچمداری برجسته را، و حزب الله لبنان رهبری کم‌نظیر را از دست داد، ولی برکات تدبیر و جهاد چند ده ساله‌ی او هرگز از دست نخواهد رفت. اساسی که او در لبنان پایه‌گذاری کرد و به دیگر مراکز مقاومت، جهت بخشید، با فقدان او نه تنها از میان نخواهد رفت، که به برکت خون او و دیگر شهیدان این حادثه استحکام بیشتر خواهد یافت. ضربات جبهه‌ی مقاومت بر پیکر فرسوده و رو به زوال رژیم صهیونی، بحول و قوه‌ی الهی کوبنده‌تر خواهد شد. ذات پلید رژیم صهیونی در این حادثه، به پیروزی دست نیافته است

سید مقاومت، یک شخص نبود، یک راه و یک مکتب بود، و این راه همچنان ادامه خواهد یافت. خون شهید سید عباس موسوی بر زمین نماند، خون شهید سید حسن هم بر زمین نخواهد ماند اینجانب به همسر گرامی سید عزیز که پیش از او فرزندش سید هادی را نیز در راه خدا داده، و به فرزندان گرامیش و به خانواده‌های شهیدان این حادثه و به یکایک افراد حزب الله و به مردم عزیز و مقامات عالی‌ه‌ی لبنان، و به سراسر جبهه‌ی مقاومت، و به مجموع امت اسلامی، شهادت نصرالله بزرگ و یاران شهیدش را تبریک و تسلیت عرض میکنم و در ایران اسلامی پنج روز عزای عمومی اعلام مینمایم. خداوند آنان را با اولیائش محشور فرماید والسلام علی عبادالله الصالحین\_سیدعلی خامنه‌ای \_ ۷/۷/۱۴۰۳



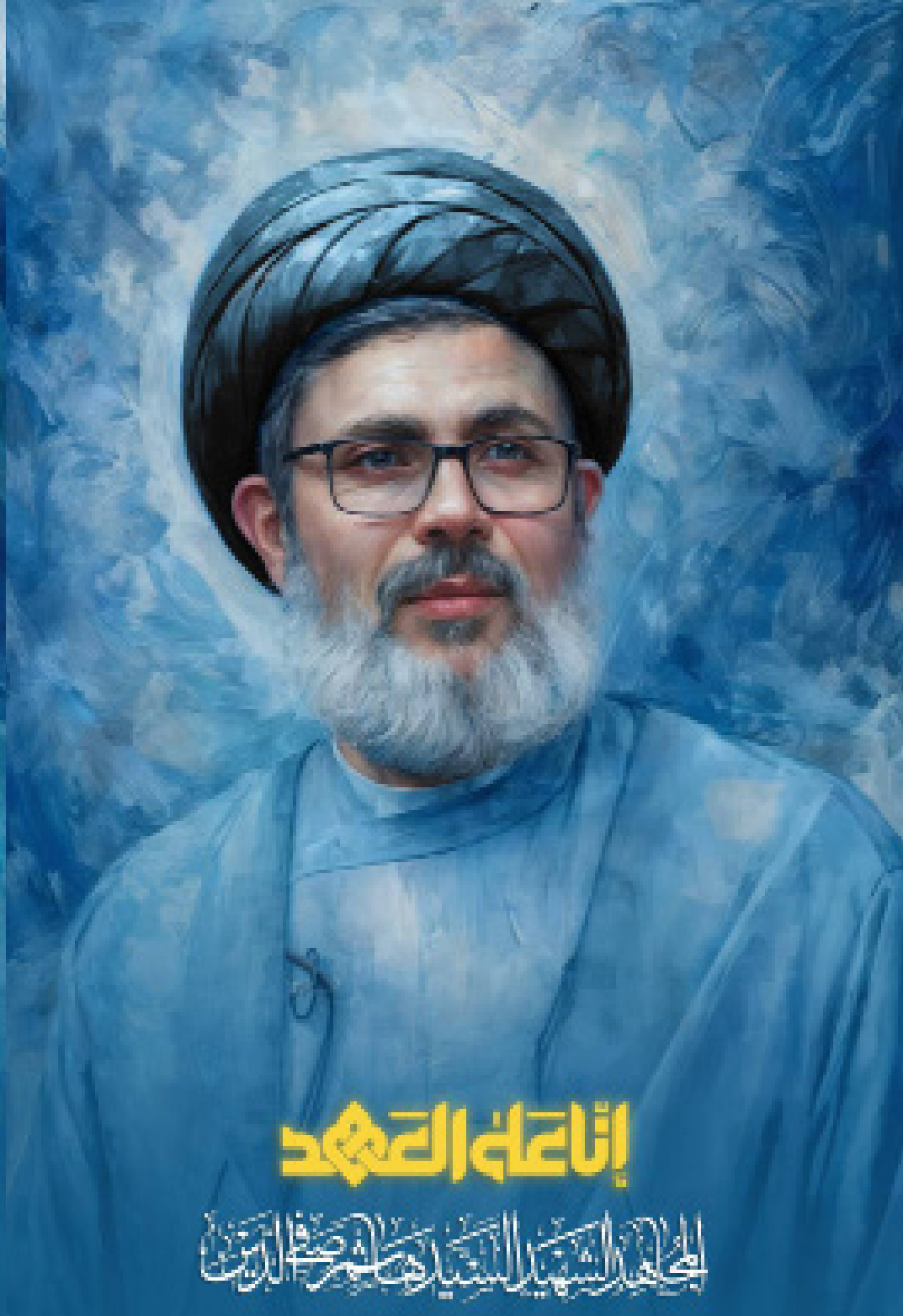
کتاب شهید سید حسن نصرالله\_ناصر کاوه



إنا لله العبد

الشهيد القائد السيد محمد باقر

www.farid.com



إنا لله العبد

الحاج الشهيد السيد محمد باقر

www.farid.com

کتاب شهید سید حسن نصرالله\_ ناصر کاوہ

چه دارد می‌شود؟ ای داد از این پاییز! نصرالله!  
خودت تکذیب کن اخبار را! برخیز! نصرالله!

خبر، از انفجار قلب‌ها و خانه‌ها دادند  
خبر، همب است و ویران کرده ما را نیز، نصرالله!

پس آن دودها ما «جاء نصرالله» می‌گفتیم  
که ما را جز قنوتی نیست دست‌آویز، نصرالله!

لبی واکن جهان مانده‌ست دلتنگ رجزهایت  
مپرس از کاسه‌ی صبری که شد لبریز، نصرالله!

بگو از مرکز فرماندهی -از آسمان- با ما  
چه خواهی کرد با اهریمن خونریز، نصرالله

حسین آمد به بالین تو این ساعت گوارایت  
تو و دیدار یار و گریه‌ی یکریز، نصرالله

خودت را سال‌ها مجبور قید زیستن کردی!  
چه شد یکسو نهادی جامه‌ی پرهیز، نصرالله!

از این پس، ضاحیه در حاشیه هرگز نخواهد ماند  
که قلب ماست بیروتِ شهادت‌خیز، نصرالله!

میلاد عرفان پور

ای سرخ تر از سرخ بخوان سبز تر از سبز  
آنسوی، درختان همه زردند، همه زرد





دلی که بر ندارد چشم از آن دلخواه، پیروز است  
قدم تا پایمردی می‌کند در راه پیروز است

زمان پلکی زد و بانگ رحیل آمد سواران را  
هر آنکس زنده شد زین فرصت کوتاه، پیروز است

به جز صبح وصال دوست، فتحی نیست در عالم  
دلت گر شعله‌ور شد در شهادتگاه پیروز است

بکش ما را، که ما را زنده‌تر کرده ست مرگ آری  
بترس از داغ غزه، اشک لبنان، آه پیروز است!

جهان روشن شد از نور شهادت، جاء نصرالله  
که باشم من؟ خدا فرمود حزب‌الله پیروز است

نغمه مستشار نظامی

....در حالی شهید شد که سرگرم طراحی برای دفاع از مردم بی‌پناه  
ضحیه‌ی بیروت و خانه‌های ویران‌شده و عزیزان پرپرشده‌ی آنان  
بود، همچنانکه دهها سال برای دفاع از مردم ستم‌دیده‌ی فلسطین  
و شهر و روستای غصب‌شده و خانه‌های تخریب‌شده و عزیزان  
قتل‌عام‌شده‌ی آنان طراحی و تدبیر و جهاد کرده بود. فیض  
شهادت پس از اینهمه مجاهدت حق مسلم او بود..

امام خامنه‌ای

۱۴۰۳/۷/۷

سید حسن نصرالله

در حالی شهید شد که سرگرم طراحی برای دفاع از مردم بی‌پناه ضحیه‌ی بیروت و خانه‌های ویران  
شده و عزیزان پرپرشده آنان بود، همچنان که دهها سال برای دفاع از مردم ستم‌دیده فلسطین  
و شهر و روستای غصب‌شده و خانه‌های تخریب‌شده و عزیزان قتل‌عام‌شده آنان طراحی و تدبیر  
و جهاد کرده بود.

کتاب شهید سید حسن نصرالله\_ ناصر کاوه

سید حسن نصرالله در ۳۱ اوت ۱۹۶۰ میلادی (نهم شهریور سال ۱۳۳۹ ش) در محله فقیرنشین کرتینا در بخش شرقی بیروت متولد شد. پدرش سید عبدالکریم اهل روستای بازوریه از توابع شهر صور در جنوب لبنان بود که به بیروت مهاجرت کرده بود و در این محله مغازه میوه فروشی داشت. سید حسن بزرگ‌ترین فرزند خانواده است او سه برادر و پنج خواهر دارد. اکنون دو برادرش حسین و محمد شغل آزاد دارند. برادر دیگرش جعفر کارمند دولت است و چهار خواهرش زینب، زکیه، امینه و سعاد متاهل و در بخش‌های خدماتی و اجتماعی حزب فعال هستند. خواهر پنجمش فاطمه هم با پدر و مادر زندگی می‌کند. [۱]

۲ - کودکی و نوجوانی

دوران کودکی و نوجوانی سید حسن در حومه بیروت گذشت. او تحصیلات ابتدایی را در مدرسه النجاح در شرق بیروت و بخشی از تحصیلات متوسطه را در دبیرستان التروییه در محله مسیحی نشین سن الفیل گذراند. او در این سالها برای کمک به مغازه پدر می‌رفت، مغازه‌ای که بر دیوارش عکس امام موسی صدر رهبر شیعیان لبنان آویزان بود. سید حسن شیفته امام موسی صدر بود و آرزو داشت روزی مانند او شود. سید مثل سایر بچه‌های محله اوقاتش را با فوتبال و شنا در دریا می‌گذراند، بلکه برای نماز جماعت به مسجد کرتینا می‌رفت و اگر چه هیچ یک از افراد خانواده اش روحانی نبودند به رعایت مسائل دینی بسیار علاقمند بود و این علاقه از محدوده انجام فرایض معمول دینی مانند نماز و روزه هم فراتر رفته بود

۲.۱ - تاثیر رفتار و سخنان امام موسی صدر

او که در سنین نوجوانی تحت تاثیر رفتار و سخنان امام موسی صدر قرار گرفته بود، به محله البرج در مرکز شهر بیروت و میدان شهدای کنونی می‌رفت تا از دست فروشها کتاب دست دوم خریداری کند. کتاب‌های اسلامی و سیاسی را می‌خرید و اگر گاهی کتاب علمی و فکری خاصی به دست می‌آورد و نمی‌توانست محتوایش را درک کند، آن را کنار می‌گذاشت تا وقتی بزرگ شد، بخواند. [۲]

امام موسی صدر اندیشه همیشه زنده در گفتمان نصرالله

۹ شهریور یادآور ناپدید شدن امام موسی صدر (در لیبی) است. باید گفت پیروزی‌ها، شکوفایی، دستاوردها و اعتماد به نفسی که امروز داریم از نتایج حضور امام موسی صدر در لبنان است و همه در کنار جنبش امل این موضوع را پیگیری می‌کنیم. سید حسن نصرالله همچنین برای سلامتی امام موسی صدر دعا کرد و آرزو کرد تا امام با بازگشتش شاهد پیروزی‌های مقاومت باشد. امام موسی صدر بنیانگذار و رئیس وقت مجلس اعلاى اسلامی شیعیان و رهبر وقت جنبش امل لبنان، در روز نهم شهریور ماه سال ۱۳۵۷ به همراه شیخ «محمد یعقوب» از علمای لبنان و «عباس بدرالدین» روزنامه نگار در جریان دیداری رسمی از لیبی که به دعوت «معمر قذافی» رهبر وقت آن کشور صورت گرفت، ربهوده و ناپدید شد و تاکنون از سرنوشت آنها اطلاع دقیقی در دست نیست. امام موسی صدر در لبنان بیش از هر چیز به دلیل نقش آفرینی در شکل دادن به هسته‌های اصلی مقاومت در برابر اشغالگری رژیم صهیونیستی و همزیستی مسالمت آمیز بین پیروان ادیان شناخته می‌شود. پس از ربهوده شدن او، «الیاس سرکیس» رئیس جمهوری وقت لبنان و «سلیم الحص» نخست وزیر وقت این کشور یک هیات رسمی



و امنیتی برای پیگیری این موضوع به طرابلس (پایتخت لیبی) اعزام کردند تا از مقامات لیبی بخواهند این مساله و ابعاد آن روشن شود. رژیم لیبی در روز ۲۶ شهریور همان سال یعنی ۱۷ روز بعد، مدعی شد که امام موسی صدر شامگاه ۹ شهریور با یک پرواز ایتالیایی، عازم آن کشور شده است. به نظر می رسد این ادعای لیبی بیش از هر چیز با هدف به بن بست کشاندن پیگیری ها و شانه خالی کردن از مسئولیت این ربایش بود. چندی پس از آن ایتالیا به طور رسمی ورود امام صدر به این کشور را تکذیب کرد. دادگاه عالی لبنان در سال ۱۳۸۷ قرار اتهامی به جرم مشارکت و تحریک در ربودن امام موسی صدر و دو همراهش علیه معمر قذافی و ۱۷ تن از مقام های لیبی صادر کرد و آن را به شورای قضایی لبنان ارجاع داد. کمیته پیگیری رسمی پرونده امام موسی صدر و دو همراهش تازه تشکیل شده بود که در زمستان ۱۳۸۹ (۲۰۱۱) دومینوی انقلاب های موسوم به «بهار عربی» به لیبی رسید و رژیم آن کشور سرنگون شد و در مهر ماه سال ۱۳۹۰ قذافی دیکتاتور لیبی به قتل رسید. کمیته پیگیری طی چندین سفر به لیبی با مسئولان مختلف و شاهدان و مظنونان این پرونده، دیدار و ساعت ها گفت و گو کرد. این کمیته از طریق برخی سرویس های اطلاعاتی کشورهای مختلف با برخی سران لیبی که پس از انقلاب به خارج از آن کشور فرار کرده بودند، ملاقات هایی داشت. با همه این اوصاف و گذشت سالها از ناپدید شدن امام موسی صدر، شیعیان همچنان منتظر شنیدن خبری دقیق از امام و بازگشت او هستند... منبع: ایرن

السلام» در شهر بعلبک شد و مقدمات علوم دینی را نزد اساتید آن حوزه فرا گرفت. مؤسس این حوزه امام موسی صدر بود که







کتاب شهید سید حسن نصرالله\_ ناصر کاوه

## دو منبع الهام!؟

امام موسی صدر را باید بی شك احیا کننده حیات سیاسی شیعه در لبنان به شمار آورد. راهی که او شروع کرد اینک در قالب فعالیت های مقاومت حزب الله و سایر گروه های شیعه ادامه پیدا کرده است. سید حسن نصرالله یکی از همان جوان های شیعه ای است که در روزگار جوانی روزهای جمعه از روستای خود به مسجدی در شهر صور می آمد و در نماز جمعه به امام موسی صدر اقتدا می کرد. مرد شماره يك حزب الله لبنان هنوز هم از لحاظ فکری و روحی خود را وامدار امام موسی صدر می داند و بر نزدیکی فکری امام موسی و دیگر روحانی تاثیرگذار شیعه یعنی امام خمینی تاکید می کند

شما چه زمانی با امام موسی صدر آشنا شدید؟

علاقه من به امام موسی به دورانی برمی گردد که هنوز او را ندیده بودم. زمانی که من بچه بودم بسیاری از اطرافیانم امام را دوست داشتند. از جمله پدر و مادرم. پدر من مغازه کوچکی داشت و عکسی از امام را به دیوار مغازه اش زده بود و من در عالم بچگی امام موسی صدر را از روی همین عکس دوست داشتم. حدود چهارده سالم بود که برای اولین بار امام را در مسجد صور دیدم. در آن زمان امام موسی صدر روزهای جمعه برای اقامه نماز جمعه به مسجدی در صور می آمد. من هم از روستایمان به صور می آمدم تا پشت سرش نماز بخوانم. تعداد حاضرین در مسجد از چهار پنج صف تجاوز نمی کرد. چون ما سمنان کم بود امام موسی صدر توجه ویژه ای به ما داشت و مقید بود که حتماً از نزدیک با ما حوالپرسی کند و ما را در آغوش بگیرد

به نظر شما امام موسی صدر در رشد جامعه شیعیان لبنان چه جایگاهی دارد؟

امام موسی صدر در بسیاری از زمینه ها در جامعه لبنان نقش مؤسس دارد. اول اینکه ما به عنوان مقاومت اسلامی لبنان امام موسی صدر را مؤسس مقاومت بر ضد اسرائیل می دانیم. اما او تنها مقاومت را تأسیس نکرد. اگر بخواهیم منصف باشیم باید بگوییم که امام موسی صدر در بسیاری از مسایل که امروز عامل رشد لبنان به طور عام و شیعیان به طور خاص شده نقش مؤسس را داشته. امام موسی صدر به مردم لبنان یاد داد چطور مؤسسات و سازمان هایی در زمینه های مختلف تربیتی، پزشکی، سیاسی و اجتماعی تأسیس کنند. ما قبل از امام موسی صدر چیزی نداشتیم. البته شخصیت های علمای بزرگی در لبنان حضور داشتند که فعالیت های ارزشمندی هم داشتند. اما کار اجتماعی و سازمانی در لبنان با امام موسی صدر آغاز شد

امام موسی صدر فضایی را ایجاد کرد که مسلمانان و مسیحیان بتوانند در کنار هم هم زیستی مسالمت آمیزی داشته باشند. قبل از امام موسی صدر فرهنگی در میان روحانیون لبنان رایج بود که باعث شده بود اغلب آن ها هر نوع ارتباط اجتماعی و فرهنگی را با مسیحیان ممنوع کنند و این مشکلاتی را ایجاد کرده بود. اما امام موسی صدر از ابتدای ورودش به لبنان در همان شهر صور تلاش کرد که با مسیحیان ساکن این شهر ارتباط برقرار کند. بعد به مرحله ای رسید که با آنان کنفرانس های فرهنگی مشترک برگزار می کرد و بعد از آن در کلیساهایشان حاضر می شد و برایشان سخنرانی می کرد

## هستی؟!

امام موسی صدر و دو همراهش برای شرکت در مراسم سالگرد به قدرت رسیدن معمر قذافی، رهبر لیبی در ۱۹۶۹، از بیروت به طرابلس سفر کردند؛ اما یک روز پیش از آغاز مراسم اعلام شد او و همراهانش به طور غیرمنتظره لیبی را به مقصد رم در ایتالیا ترک کرده‌اند. پس از آن دیگر خبری از سید موسی صدر یا همراهانش به دست نیامد و به نظر می‌رسید آن‌ها در رم ناپدید شده باشند.

چرا امام موسی صدر ربوده شد؟

دوستی می‌گفت دشمن با آن‌ها که در حال استراحت در خانه‌هایشان هستند، کاری ندارد. دشمن به دنبال سر به نیست کردن آن‌هایی است که در خط مقدم جنگ‌اند و اثرگذارند؛ یا می‌کشندشان یا اسیرشان می‌کند. بدون شک امام موسی در خط مقدم جنگ بود.

در خط مقدم هستی؟ اثرگذار هستی؟



جدا از این امام موسی صدر پایه گذار خطی بود که وقتی يك سال پس از ربوده شدن او، جهان با خورشید امام خمینی(ره) روشن شد، شیعیان لبنان بیشترین همکاری و نزدیکی را با تفکر امام خمینی(ره) و انقلاب اسلامی ایران داشتند. به بیان دیگر اگر بخواهیم به این سؤال پاسخ دهیم که چرا مردم لبنان به نسبت مردم کشورهای دیگر بیشترین همکاری را با امام خمینی(ره) و انقلاب اسلامی ایران داشته اند؟ باید بگویم که این موضوع دلایل متعددی دارد اما مهم ترین دلیلش حضور شخصیت عظیمی همچون امام موسی صدر بوده که از سال ها پیش زمینه و فرهنگ این همکاری و نزدیکی را در لبنان ایجاد کرده بود

حالا که این نکته را مطرح کردید این سؤال به ذهنم رسید که به نظر شما آیا میان تفکر حضرت امام خمینی(ره) و امام موسی صدر تفاوتی وجود دارد؟ چون این موضوع تابه حال بارها مطرح شده و حتی کتاب هایی هم در ایران با این موضوع چاپ شده

من می توانم ادعا کنم که با تفکر و نوع نگاه حضرت امام خمینی(ره) و حضرت آیت الله خامنه ای به موضوعات مختلف به طور کامل آشنایی دارم و از طرف دیگر بک کار مطالعاتی گسترده روی اندیشه ها و آثار امام موسی صدر انجام داده ام. به اعتقاد من هیچ تفاوت و اختلاف اساسی ای میان تفکر و آراء امام خمینی(ره) و امام موسی صدر وجود ندارد

در تفکر و راه امام موسی صدر، حزب الله چه جایگاهی دارد؟  
من می توانم بگویم که حزب الله مجموعه ای است که به طور

کامل و دقیق منطبق با اندیشه های امام موسی صدر است. همان طور که حامل اندیشه های امام خمینی(ره) است. چون میان این دو تفاوتی وجود ندارد

یعنی هرآن چه امام موسی صدر می گفت و انجام می داد امروز شاکله اصلی فعالیت های حزب الله را تشکیل می دهد. امام موسی صدر بر مقاومت به عنوان تنها راه آزادی سرزمین تأکید داشت، امام موسی صدر معتقد بود که باید از مقاومت فلسطین حمایت کرد، امام موسی صدر برای موضوع قدس اهمیت زیادی قائل بود، امام موسی صدر تلاش می کرد فقر و محرومیت را در لبنان از میان ببرد، امام موسی صدر همه طوائف لبنان را به احترام به هم و زندگی مسالمت آمیز تشویق می کرد، امام موسی صدر معتقد بود که مشکلات داخلی را باید با گفت و گو حل کرد.

این ها دقیقاً کارهایی است که امروز حزب الله همه را انجام می دهد. به نظر من اگر امروز آن چه امام موسی صدر انجام می داد و آن چه حزب الله انجام می دهد را مقایسه کنید می بینید که دقیقاً یکی است و این ها تطبیق لبنانی است از آن چه امام خمینی(ره) در مورد امت اسلامی می گفت

به اعتقاد شما چه زمینه هایی باعث حذف امام موسی صدر شد؟  
ببینید امام موسی صدر در آن دوران به شخصیت بسیار تأثیرگذاری در صحنه سیاسی لبنان تبدیل شده بود و این با منافع بسیاری هم خوانی نداشت. در درجه اول من فکر می کنم نسبت به هرکسی که در جهان عرب به شخصیت شاخصی تبدیل شود حساسیت دارد

## پیاده روی مثل امام موسی صدر



وقتی که امام موسی با پای پیاده از نجف به کربلا می رفت، در این سفر، حضوری عاشقانه داشت. در وقت دعا و زیارت عاشورا، از همه با حال تر بود و هنگام گریه، چشمانش از شدت گریه سرخ می شد. وقتی نوبت ذکر مصیبت و خواندن اشعار و نوحه سرایی به او می رسید، با حال جانگاهی در مصیبت اهل بیت علیهم السلام اشعار فارسی و عربی فصیحی می خواند.

هنگام کار و حمل اثاثیه سفر، وی بیش از همه کار می کرد و هنگام شوخی و مزاح، مزاح هایی بیان می کرد که بعد علمی و اخلاقی جالبی داشت.

منبع: فارس

و نمی تواند يك چنین چیزی را تحمل کند. دوم اینکه بسیاری از هم پیمانان و نزدیکان قذافی در لبنان به او گفتند که امام موسی صدر مانعی در مسیر سیطره آن ابر لبنان است. چون امام موسی صدر مخالف جنگ های داخلی و از موافقان ورود نیروهای سوریه به لبنان بود. امام موسی صدر معتقد بود که نباید يك گروه بر کل لبنان حکومت کند و با ورود ارتش سوریه جلوی این توطئه گرفته شد. این موضوع برای گروه های درگیر جنگ داخلی که هرکدام می خواستند بر کل لبنان سیطره پیدا کنند خوشایند نبود

یعنی هرآن چه امام موسی صدر می گفت و انجام می داد امروز شاکله اصلی فعالیت های حزب الله را تشکیل می دهد امام موسی صدر بر مقاومت به عنوان تنها راه آزادی سرزمین تأکید داشت امام موسی صدر معتقد بود که باید از مقاومت فلسطین حمایت کرد. از طرف دیگر اسرائیل هم نمی توانست حضور چنین شخصیتی را تحمل کند. از این جهت که امام موسی صدر تلاش داشت تمام سلاح های موجود در لبنان به جبهه جنگ با اسرائیل منتقل شود و معتقد بود باید به هر شکل از مقاومت فلسطین حمایت کرد

این مصالح و منافع چند طرف با هم جمع شد و قذافی اما را ربود. در آن زمان آن ها می گفتند که این مرد کسی دور و برش نیست و قضیه اش بعد از یکی- دو سال فراموش می شود. اما بر خلاف انتظار آن ها این موضوع بعد از بیست و شش سال هنوز برای مردم لبنان علی الخصوص شیعیان زنده است و امام موسی صدر را هیچ کش نمی تواند فراموش کند

در حال حاضر بیش از ۲۶ سال از ربوده شدن امام موسی صدر می گذرد. به نظر شما در این شرایط وظیفه چیست؟ همان طور که می بینید زمزمه هایی وجود دارد که تأکید بر این موضوع باعث اختلاف در جهان عرب می شود و فشارهایی از داخل و خارج لبنان برای بسته شدن این پرونده وجود دارد

من معتقدم قضیه امام موسی صدر باید با جدیت پی گیری شود و هیچ کس حق ندارد بر روی آن معامله ای کند. من این را به مناسبت های مختلف گفته ام و برنامه اجرایی حزب الله هم همین است. البته این موضوعی نیست که حزب الله با جنبش امل و یا هر گروه دیگری بتواند به تنهایی پی گیری کند. بلکه وظیفه اصلی برعهده دولت لبنان است. علی الخصوص که مشکل با لیبی است که هر روز حرف تازه و متفاوتی در این مورد می زند. ما معتقدیم که این قضیه از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است و باید همه برای رسیدن به نتیجه مطلوب تلاش کنند

من چند روز پیش خدمت شیخ عبدالکریم عیید بودم. ایشان می گفت که مقاومت اسلامی، با گروگان گرفتن نظامیان صهیونیست، اسرائیل را مجبور کرد تا مرا آزاد کنند. در این مورد هم لیبی باید مجبور شود که امام موسی صدر را آزاد کند

موضع اسرائیل با لیبی متفاوت است. ما با اسرائیل در جنگ هستیم. ضمن اینکه این برخوردها با نظام های عرب جواب نمی دهد. چون قذافی اهمیتی به شهروندانش نمی دهد که ما بخواهیم آن طور که با اسرائیل برخورد می کنیم با آن ها هم برخورد کنیم.

## کوه عظمت و صبر

بر اثر جوسازی‌هایی که در سطح کشور و حتی در محیط منزلان علیه موسی صدر صورت گرفته بود، در نشستی با حضور بزرگان و مقامات لبنان، تریبون را در دست گرفتم و با صراحت تمام، از حضور موسی صدر در لبنان اظهار تأسف نمودم. هیچ تعبیر نادرستی نبود که یاد داشته باشم و در آن مجلس در حق امام موسی صدر نگویم. به هر تقدیر، سخنان من پایان یافت و نوبت به امام موسی صدر رسید. او سخنانش را با تجلیل کم نظیر از من آغاز کرد!

بزرگی، سعه صدر، گذشت و تواضع امام، مرا در آن مجلس آب کرد و تمام وجودم را شرمندگی و خجالت فراگرفت. بدون هیچ تأخیر و بی‌اختیار، تریبون را در دست گرفته و گفتم: «من در برابر این کوه عظمت و صبر و اسوه تواضع و فروتنی، سرگرنش فرود می‌آورم و در حضور شما بزرگان و شخصیت‌های سیاسی، علمی و مذهبی، با او بیعت می‌کنم.»

منبع: منبرک

راوی: آیت‌الله شیخ محمد جواد مغنیه، از علمای برجسته لبنان

امام موسی صدر، رهبر شیعیان لبنان



به همین خاطر وارد این عرصه ها نمی شویم و برنامه ای برای این کار نداریم. به نظر من باید با فشار دیپلماسی و مردمی در لبنان و جهان اسلام لیبی را مجبور کنیم که سرنوشت امام موسی صدر را مشخص کند. شما در حال حاضر محبوب ترین شخصیت نه تنها در لبنان بلکه در جهان عرب هستید. جدا از این الگویی برای جوانان در کل جهان اسلام به شمار می آید. می خواستم بدانم شما چه قدر از شیوه برخوردها و روش های امام موسی صدر به طور شخصی الگو گرفته اید؟

من باید اعتراف کنم که بسیار تحت تأثیر امام موسی صدر هستم. البته اگر بخواهم دقیق تر بگویم باید بگویم که من تحت تأثیر چهار شخصیت بزرگ هستم. حضرت امام خمینی (ره)، حضرت امام موسی صدر، رهبر معظم انقلاب حضرت آیت الله خامنه ای و شهید بزرگ وار سید محمدباقر صدر. نه تنها من بلکه همه جوانان مجاهد و انقلابی لبنان تحت تأثیر این چهار شخصیت عظیم و بزرگ وار هستند...منبع: تبیان

تعبیر جالب سید حسن نصرالله درباره امام موسی صدر

دیدگاه امام موسی صدر در کنار تمام تساهل و تسامح و همزیستی مسالمت آمیز، در مورد رابطه با اسرائیل بسیار اصولی است. جمله ای مشهور از او در این زمینه وجود دارد: «صهیونیسم کیان ما را هدف قرار داده است. فرهنگ، اقتصاد، جوانان و همه ی وجود ما را مورد حمله قرار داده است، ما در مقابل اسرائیل فقط نباید به نظامی گری اکتفا کنیم. ما باید مجتمع مقاوم بسازیم.»

«امام موسی صدر و انقلاب اسلامی» در گفتگو با مهدی فیروزان





نظر امام موسی صدر در مورد اسرائیل

ما اسرائیل را شر مطلق می دانیم.

بدتر از اسرائیل در جهان وجود ندارد. اگر اسرائیل با سلطان درگیر شود، دکنار سلطان خواهیم استاد.

اگر اسرائیل صاحب درگیر شود، دکنار حب خواهیم استاد. اگر اسرائیل با راست درگیر شود، دکنار راست خواهیم استاد.

شعار اسرائیل شر مطلق است به این معناست...

رهبر شیعیان لبنان امام موسی صدر در روزهای آغازین سال ۱۹۷۵ م (۱۳۵۴ ش) ضمن خطابه‌ای پر شور که به مناسبت سالگرد عاشورای حسینی ایراد نمود، مردم لبنان را به تشکیل یک گروه مقاومت نظامی در برابر تجاوز رژیم اشغالگر قدس و توطئه‌های مزورانه دولت اسرائیل برای بیرون راندن لبنانیها از سرزمینهای خویش فرا خواند. هفت ماه بعد در یک کنفرانس مطبوعاتی به طور صریح تاسیس یک گروه مسلح را به نام افواج مقاومت لبنانی (امل) در حیات سیاسی، مذهبی کشور لبنان اعلام نمود. [۳]

در همین سال و با آغاز جنگهای داخلی لبنان، سید حسن پانزده ساله همراه خانواده به روستای بازوریه، زادگاه پدرش در جنوب لبنان کوچ کرد و تحصیلات دبیرستانی را در شهر صور ادامه داد. او در روستای بازوریه به صفوف جنبش امل پیوست. این پیوستن براساس میل قلبی او بود، چون مانند همه مردم جنوب لبنان به امام موسی صدر بنیانگذار جنبش امل علاقه فراوان داشت. روستای بازوریه در آن روزها همچون سایر مناطق لبنان، جولانگاه روشنفکران چپگرا، به ویژه هواداران حزب کمونیست لبنان یا گروههای فلسطینی بود. به هر حال دیری نپایید که سید حسن و برادرش سید حسین با آنکه جوان بودند، مسئولیت جنبش امل در روستای بازوریه را بر عهده گرفتند. [۴]

در آن ایام شوق تحصیل علوم دینی لحظه‌ای سید حسن جوان را آرام نمی‌گذاشت. او که بسیار تحت تاثیر اندیشه امام موسی صدر بود به قشر روحانیت علاقمند و وارد حوزه علمیه « امام علی علیه

آن وقت به مدیریت شهید سید عباس موسوی اداره می‌شد. در این حوزه علاوه بر سید حسن نصرالله، آقایان شهید شیخ علی کریم، شیخ حسن یاسین و شیخ محمد خاتون نیز تحصیل می‌کردند و با وی هم درس بودند [۵] در مدت حضور در جنوب لبنان با « سید محمد غروی » امام جمعه شهر شیعه نشین صور آشنا شد [۶] وی سید حسن را به تحصیل در حوزه علمیه نجف تشویق کرد و سرانجام سید عازم حوزه علمیه نجف شد

۴.۱ - معرفی به آیت‌الله سید محمد باقر صدر

سید محمد غروی یادداشتی به دست سید حسن داده بود که در آن طلبه جوان به محضر شهید و الامقام آیت‌الله سید محمد باقر صدر متفکر، عالم و مجاهد وارسته عراقی معرفی شده بود. هوش سرشار طلبه جوان و تلاش وجدیت او مورد اهتمام و عنایت شهید صدر قرار گرفت. به طوری که از شهید سید عباس موسوی خواست بر وضعیت علمی نصر الله نظارت داشته باشد و به او کمک کند. بدین ترتیب روابط دوستانه و صمیمانه میان این دو شکل گرفت. در حقیقت سید عباس نه فقط دوست و برادر بزرگ تر سید حسن، بلکه استاد و رفیق راه او نیز بود.

دیدار شهید صدر نیز برای سید حسن جوان سراسر لطف بود. عالم فرزانه‌ای که ضمن برخورداری از هوش سرشار و ظرافتها و دقتهای علمی، نوآوریهای بسیاری را در عرصه‌های گوناگون علوم دینی رقم زد و برای زدودن گرد شبهات از چهره درخشان اسلام، همت بسیار نمود. آن مرد مجاهد با همه اشتغالات علمی، هیچ گاه از مبارزه غافل نماند و در عرصه سیاسی حضوری نقش آفرین داشت

## ۵ - حزب الدعوه

تاسیس « حزب الدعوه » از تلاشهای او در این عرصه بود که زمینه خدمات و روشنگریهای بسیار را فراهم آورد. از سوی دیگر رابطه او با امام خمینی رحمةالله علیه و عبارت شور آفرین او در باره امام (ذوبوا فی الخمینی کما ذاب هو فی الاسلام، در خمینی ذوب شوید، همان گونه که او در اسلام ذوب شده است) جنبش عظیمی در عالم اسلام ایجاد کرد

سید حسن نصرالله این جلوه‌ها را در سیره شهید صدر مشاهده می‌کرد و از این رو در نجف نیز دست از مبارزه برنداشت تا اینکه در سال ۱۳۵۷ ش عراق را مخفیانه و به دور از چشم نظام بعثی صدام حسین - که در آن روزگار به طور فجیعی بر ضد حوزه‌های علمیه شوریده بود - ترک کرد.[۷]

## ۶ - بازگشت به لبنان

سید حسن نصر الله پس از بازگشت به لبنان، قبل از هر چیز علاقه داشت تحصیلات حوزوی خود را ادامه دهد. مدتی نگذشته بود که سید عباس موسوی با همکاری تعدادی از علمای دینی لبنان، حوزه علمیه امام منتظر عجل الله فرجه الشریف را در شهر بعلبک تاسیس نمود

این حوزه از جمله مراکز نمونه به شمار می‌رفت و نقش بسیار مؤثر تبلیغی در منطقه بقاع و سایر مناطق همچون بیروت و جنوب لبنان داشت. سید حسن نصرالله در این حوزه هم در سطوح بالاتر درس می‌خواند و هم به طلاب جدید درس می‌داد.[۸]

## ۷ - ازدواج و فرزندان

سید حسن نصرالله در سال ۱۹۷۸ م (۱۳۵۷ ش)، در سن ۱۸ سالگی با بانو فاطمه یاسین از روستای العباسیه واقع در شهرستان صور ازدواج کرد. یک سال بعد اولین فرزندش به دنیا آمد. پدر فرزندش را گرم در آغوش گرفت و در گوش او اذان و اقامه گفت

این نوزاد بهشتی، سید محمد هادی نصرالله بود که ۱۷ سال بعد به شهادت رسید. از آغازین روزهای کودکی، نشانه‌های نبوغ، تیزهوشی، ثبات شخصیت، مهربانی، خدمتگزاری و فروتنی در سیمای محمد هادی هویدا بود. او همواره برای برادرانش محمد جواد و محمد علی و یگانه خواهرش زینب، برادری مهربان و دوستی وفادار بود

## ۸ - دریافت حکم اجازه از امام خمینی رحمةالله علیه

پیش از ظهر روز ششم آبان ۱۳۶۰ ش یاران جنبش امل به همراه سید حسن نصرالله در جماران به حضور امام خمینی رحمةالله علیه رسیدند. همان روز سید حسن نصرالله، حکم اجازه اخذ وجوهات شرعیه را در ۲۱ سالگی از امام دریافت نمود

این در حالی بود که امام خمینی رحمةالله علیه به ندرت چنین شرایطی را برای کسی ایجاد کرده بود شیخ صبحی طفیلی از سران مقاومت، هفت سال بعد (۱۴ آبان ۱۳۶۷) و شهید سید عباس موسوی اولین دبیر کل حزب الله، نیز در ۲۰ بهمن ۱۳۶۶ اجازه تصرف در امور حسبیه و شرعیه را به امر امام پیدا کردند.[۹]



در دلِ آزادگان جا داشتی  
خود دلی مانند دریا داشتی  
ای شهید قدس، ای سید حسن  
تو لوای عشق برپا داشتی  
نه فقط لبنان، همه آزادگان  
عاشقت بودند، غوغا داشتی  
حبّ تو لله و بغض ات لله است  
هم تولا هم تبرا داشتی  
خصم غاصب از خروشت بیمناک  
همچو زینب نطق غرّا داشتی  
یا ابا عبدالله از جان، ذکر تو  
با عبیدالله دعوا داشتی  
هر بلا دیدی تو بر لب، نغمه  
مارآیت الا جمیلا داشتی  
لب گشا نصرٌ من الّهی بگو  
تو به دل نور فتحنا داشتی  
آنچه خوبان زمانه داشتند:  
نازنین سید تو تنها داشتی  
حاج قاسم دلبری کرد از تو و  
رفتی آنجایی که سکنا داشتی  
می توان قبل از شهادت شد شهید  
تو قمر گونه تجلا داشتی  
نام نصرالله می میرد مگر؟  
زنده ای تو روح اعلا داشتی  
خواستی با خانواده جان دهی  
این پیام از جدّ والا داشتی  
بی تو ما داریم یا زهرا به لب  
چون شما نسبت به زهرا داشتید  
ولی اله کلامی شاعر آیینی زنجان

۹ - متن حکم امام

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام على محمد و آله  
الطاهرين و لعنة الله على اعدائهم اجمعين

و بعد، جناب حجت الاسلام آقای سید حسن نصرالله (دامت  
افاضاته) از طرف اینجانب مجازند در تصدی امور حسبیه و اخذ  
وجوه شرعیه و مصرف مظالم عباد و زکوات و کفارات در مصارف  
مقرر شرعیه و در مورد سهمین مبارکین نیز مجازند در اخذ و صرف  
آن در مخارج خودشان به نحو اقتصاد و در مورد مازاد بر مخارج  
نیز مجازند نصف آن را در خارج سادات عظام - کثالله امثالهم - و  
ترویج شریعت مقدسه صرف نموده و نصف دیگر را ارسال دارند  
واوصیه - ایده الله تعالی - بما اوصی به السلف الصالح من ملازمه  
التقوی و التجنب عن الهوی و التمسک بعروة الاحتیاط فی امور  
الدین و الدنیا و ان لانیسانی من صالح دعواته و السلام علیه و علی  
اخواننا المؤمنین و رحمة الله و برکاته [۱۰]

روح الله الموسوی الخمينی

۱۰ - جدایی از جنبش امل

سید حسن نصرالله به موازات تحصیل در حوزه علمیه بعلبک ، به  
فعالیت سیاسی در صفوف جنبش امل ادامه داد. در سال ۱۹۸۲م به  
عضویت کمیته سیاسی این جنبش برگزیده شد و مسئولیت سیاسی  
جنبش امل در منطقه بقاع را بر عهده گرفت. در همین سال و به  
دنبال یورش ارتش رژیم صهیونیستی به لبنان، اختلافات سیاسی در  
جنبش امل بالا گرفت

این اختلافات بر سر موضع جنبش در برخورد با تحولات سیاسی و

نظامی لبنان و پیامدهای یورش اسرائیل به لبنان و اشغال بیروت به  
عنوان دومین پایتخت عربی، پس از بیت المقدس، توسط نظامیان  
این رژیم پیش آمد و نقطه عطفی برای سید حسن نصرالله و  
دوستان متدین و متعهد او در جنبش امل بود

۱۰.۱ - طرح صلح فیلیپ حبیب

در پی سقوط بیروت پنج تن از سیاستمداران لبنان به دستور  
رئیس جمهور وقت لبنان، جبهه نجات ملی را تشکیل دادند تا با  
فرستاده آمریکا و رژیم صهیونیستی مذاکره کنند. در نتیجه این  
مذاکرات طرح صلح فیلیپ حبیب فرستاده لبنانی تبار آمریکا  
پذیرفته شد. مشارکت نبیه بری، رئیس جنبش امل، در کمیته نجات  
ملی و توافق با طرح صلح انعکاس وسیعی میان شیعیان و جنبش  
امل داشت و باعث نارضایتی شدید آنان گردید، به گونه ای که  
برخی از کادرهای جنبش امل و به ویژه سید حسن نصرالله به  
مخالفت با نبیه بری برخاستند و هواداران جنبش به صورت خود  
جوش مقاومت علیه ارتش رژیم صهیونیستی را ادامه دادند

به این ترتیب مقدمات انشعاب در جنبش امل فراهم گردید. سید  
حسن نصرالله همراه با تعداد بسیاری از کادرهای درجه اول جنبش  
امل همچون سید عباس موسوی، سید حسین موسوی، شیخ صبحی  
طفیلی و سید ابراهیم الامین از این جنبش کناره گیری کردند و  
هسته اولیه حزب الله را به وجود آوردند

۱۱ - تاسیس حزب الله

تشکیلات حزب الله در سال ۱۹۸۹ م (۱۳۶۳ ش) با انتشار بیانیه  
سرگشاده ای به نام «پیام به مستضعفین جهان» موجودیت خود را

به طور رسمی اعلام کرد. به موازات فعالیتهای نظامی رزمندگان مقاومت اسلامی و پیش از صدور بیانیه رسمی اعلام موجودیت، تلاش سران و بنیانگذاران حزب الله برای سازماندهی تشکیلات خود و یافتن یک چهار چوب سیاسی که بتواند در آینده روحانیون و شخصیتهای سیاسی مبارز را هماهنگ و منظم کند، ادامه یافت در این زمینه کمیته‌ای ۹ نفره از علمای بزرگ شیعه و شخصیتهای مستقل تشکیل شد و با انتشار بیانیه‌ای تعهد خود را به ولایت فقیه و جنگ با اسرائیل اعلام کرد

#### ۱۱.۱ - ملاقات با امام خمینی رحمة الله علیه

این کمیته هیئتی پنج نفره را به نام « شورای لبنان » به ریاست شهید سید عباس موسوی تشکیل داد و آن را برای ملاقات با امام خمینی رحمة الله علیه و کسب تکلیف شرعی از محضر ایشان به تهران اعزام کرد. این هیئت در دیدار با امام اهداف و برنامه‌های خود را شرح داد و سپس با ایشان بیعت کرد. امام خمینی رحمة الله علیه به عنوان ولی امر مسلمین این شورا را تایید کردند و از اعضای آن خواستند که راهشان را ادامه دهند. در این دیدار شهید سید عباس موسوی در مورد شرایط وقت لبنان و عزم اسلام گرایان برای مقابله با ارتش اسرائیل که بخش عظیمی از لبنان را اشغال کرده بود، صحبت کرد. امام در جواب فرمودند: «مهم عمل است. شما در مرحله کربلایی قرار دارید. توقع نداشته باشید که ثمره عمل تان را در دوران حیات خود بچینید.» [۱۱]

#### ۱۱.۲ - ساماندهی اساسنامه حزب الله

شورا پس از بازگشت به بیروت کار ساماندهی و تهیه پیش نویس

اساسنامه حزب الله و هماهنگی همه بخشها و گروههای وابسته را آغاز کرد. همه فعالیتهای و برنامه‌ها در قالب حزب الله و خدمت به رزمندگان مقاومت و عملیات مسلحانه ضد صهیونیستی متمرکز شد. از ابتدای تاسیس حزب الله و آغاز مقاومت اسلامی در لبنان سید حسن نصر الله در این حزب نقش اصلی ایفا کرد. او در کنار مبارزات سیاسی به تحصیلات علمی خود در حوزه علمیه بعلبک ادامه داد و در سال ۱۹۸۵ م (۱۳۶۴ ش) به سمت مسئول حزب الله در منطقه بقاع برگزیده شد

#### ۱۱.۳ - معاون مسئول حزب در بیروت

وی پس از گذشت دو سال به بیروت انتقال یافت و به عنوان معاون مسئول حزب در آن شهر منصوب شد. او ضمن تدوین وظایف، تشکیلات و بخشهای مهم درون حزبی واحد بسیج داوطلبان شرکت در مقاومت را نیز تشکیل داد

به مرور تشکیلات حزب الله در سراسر لبنان گسترده تر و مسئولیتهای سیاسی از تشکیلات سازمانی جدا شد. در پی جداسازی برخی از بخشهای سازمانی، سید حسن بخش سیاسی حزب را انتخاب کرد. دیری نپایید که شورای اجرایی حزب تشکیل و در سال ۱۹۸۷ م (۱۳۶۶ ش) مسئولیت آن به سید حسن نصرالله واگذار شد

#### ۱۲ - حزب الله و ولایت فقیه

اصلی‌ترین ویژگی حزب الله در مقایسه با گروههای اسلام گرای جهان عرب، پذیرش کامل نظریه ولایت فقیه و رهبری امام خمینی است این حزب در کتابچه‌ای که در خصوص تاریخچه و دیدگاههای خود انتشار داد، چنین بیان داشت

«در خصوص ولایت امر ما خود را به ولایت مرجعیت رشیدی پایبندی می‌دانیم. ولایت در ولی فقیه جامع الشرایطی که عدالت، اعلی‌ت، کفایت، آگاهی به مسائل روز، مدیریت، تقوا و سایر صفات لازم در او تجلی یافته است. این ولایت فقیه و مرجعیت دینی شایستگی زعامت دینی سیاسی و رهبری مسلمانان را دارا می‌باشد. نقشی که روحانیون در ارکان مختلف حزب الله دارا هستند در هیچ یک از احزاب و سازمان‌های لبنانی سابقه ندارد از ابتدای تاسیس حزب الله تاکنون همواره اکثریت اعضای شورای حزب الله را روحانیون تشکیل می‌داده‌اند و ریاست شوراهای مهم حزب الله همچون شورای اجرایی و یا شورای جهادی همواره بر عهده یک روحانی بوده است. سخنگو، دبیر کل و معاون دبیر کل حزب الله همیشه از میان روحانیون انتخاب شده‌اند.. [۱۲]

۱۳ - عزیمت به قم

در سال ۱۹۹۰ م (۱۳۶۹ ش) با برقراری آرامش نسبی در لبنان سید حسن نصرالله که همچنان تشنه علوم و معارف اهل بیت علیهم السلام بود، توانست برادران خود را در شورای مرکزی حزب الله (بر خلاف اراده و خواست آنان) متقاعد کند که عازم شهر مقدس قم شود. او می‌دانست با فراگیری هر چه بیشتر علوم اهل بیت علیهم السلام می‌تواند قویتر و با دست پر به میدان مقاومت باز گردد تا مسئولیت خود را به نحو احسن ادامه دهد و این بار نقش بین المللی را ایفا کند

ارتباط سید حسن نصرالله با اوضاع لبنان با آمدن او به قم قطع نشد. با آنکه وی در حوزه علمیه قم حضور داشت، اما اوضاع لبنان و حزب الله را با دقت پیگیری می‌کرد. او برای کسب دانش

بیشتر و فراگیری بحث خارج فقه به قم آمد تا در کلاس درس شاگردان امام خمینی رحمه الله علیه شرکت کند و با کسب آگاهی و عرفان بیشتر بتواند جنبش مقاومت اسلامی لبنان راغنی سازد او قصد داشت دو سه سالی را با خدای خود خلوت کند. دانش و عرفان بجوید و با روحی سرشار از علم و معرفت به بیروت باز گردد، ولی برخی از اعضای شورای رهبری حزب الله در بیروت سید حسن را به حال خود نگذاشتند و به او اجازه ندادند به آرزوی دیرینه خود برسند. ویژگیها و توانمندیهای سرشاری که داشت، به مسئولان جمهوری اسلامی و حزب الله اجازه نداد از استعدادها و توانمندیهای او چشم پوشی کنند

در ماههای اول آمدن به قم او می‌خواست همه وقت خود را صرف فراگیری علم کند و با برخی از طلاب لبنانی قرار گذاشت در کلاس درس علمای مشهور شرکت کند. او تنها در کلاسهای درس فقه و علم اصول شرکت نمی‌کرد، بلکه در دروس تفسیر قرآن آیت الله جوادی آملی نیز حضور می‌یافت

او به صورت نامنظم در بیشتر درسهای بحث خارج فقه حوزه شرکت می‌کرد. از جمله کلاسهای بحث آیت الله فاضل لنکرانی رحمه الله علیه و آیت الله سید کاظم حائری. همچنین او از ابتدای پیوستن به طلبگی علاقه و صف ناپذیری به علمای عارف و سالک داشت. او در محضر بزرگانی چون آیت الله بهجت و آیت الله کشمیری رحمه الله علیه حضور می‌یافت. پس از پایان اقامت در قم و بازگشت به بیروت، هرگاه به ایران می‌آمد از برادران مسئول می‌خواست ملاقات او را با آیت الله بهجت و آقایان کشمیری رحمه الله علیه و حسن زاده آملی تدارک ببینند با علمای بزرگ دیگری که در عرفان و سلوک شهرت داشتند و

ساکن تهران و مشهد بودند، ملاقات می‌کرد و اصول عرفان عملی و سلوک الی الله را از آنان جویا می‌شد

۱۳۰۱ - اداره روابط حزب الله با جمهوری اسلامی

از اقامت سید حسن نصر الله در قم چند ماهی نگذشته بود که طبق معمول بحرانهای سیاسی لبنان دوباره آغاز شد. مسئولان حزب الله به تهران و قم آمدند و خواهان بازگرداندن او به بیروت شدند. وی در ابتدای امر با بازگشت مخالفت کرد و هنگامی که شهید سید عباس موسوی از باز گرداندن سید حسن نا امید شد، گفت: «به این شرط اجازه می‌دهم در قم بمانید که موضوع روابط حزب الله با جمهوری اسلامی ایران را اداره کنید

سید حسن نصرالله به اهمیت و حساسیت این پرونده آگاهی کامل داشت، اما جز اینکه آن را بپذیرد، چاره دیگری نداشت، لذا این دستور را بر خلاف میل درونی خود پذیرفت. پس از عهده دار شدن این مسئولیت، بیشتر اوقات خود را در تهران می‌گذراند و روابط حزب الله با ایران را پیگیری می‌کرد

او مرتب به تهران می‌رفت تا ماموریت جدید خود را ادامه دهد. در روزهای آخر اقامتش در قم، مشاغل او آنقدر زیاد شد که از درس باز ماند. برای او فرق نمی‌کرد که در قم زندگی کند یا لبنان به هر حال پس از گذشت حدود دو سال اقامت در قم، به این باور رسید که نمی‌تواند به طور منظم تحصیلات علوم دینی را ادامه دهد و در نتیجه تصمیم گرفت به لبنان باز گردد

۱۳۰۲ - منسجم کردن طلاب لبنانی و خارجی

وی در آن دو سال کوشید میان طلاب لبنانی قدیم و جدید حوزه

علمیه قم ارتباط و هماهنگی به وجود بیاورد برای آنان جلسات فرهنگی دایر کرد و از برخی شخصیت‌های ایرانی دعوت کرد برای طلاب لبنانی سخنرانی کنند در آن مرحله حجت الاسلام سید علی اکبر محتشمی پور و آیت الله مصباح یزدی دعوت شدند. او با سایر طلاب خارجی حوزه علمیه قم نیز ارتباط برقرار کرد. نظر به اینکه او یک چهره حوزوی نبود و در حقیقت میهمان حوزه محسوب می‌شد برخی از مدارس طلاب غیر ایرانی از وی دعوت می‌کردند در مناسبت‌های سیاسی سخنرانی کند

او افزون بر منسجم کردن طلاب لبنانی و طلاب کشورهای عربی، با طلاب پاکستانی و افغانی هم روابط دوستانه‌ای برقرار کرد و کوشید تجربه تاسیس حزب الله لبنان را به آنان منتقل کند. با بازگشت به لبنان حوزه علمیه قم یکی از مجاهدان بزرگ و راستین خود را از دست داد و او به پایگاه اصلی خود بازگشت. [۱۳]

۱۳۰۳ - شهید محمد هادی و محمد جواد در قم

زمانی که سید حسن نصرالله و خانواده اش در قم اقامت داشتند، دو پسرش شهید محمد هادی و محمد جواد در دبستان شاهد نور ایمان واقع در خیابان بلوار امین قم (آموزش و پرورش بخش یک قم) به تحصیل اشتغال داشتند. آقای علی حجتی آوینی از فرهنگیان با سابقه قم و مدیریت وقت آموزشگاه مذکور، در این خصوص می‌گوید: «سال تحصیلی ۶۹-۷۰ بود. من مدیریت دبستان شاهد نور ایمان را بر عهده داشتم. بهمن ماه بود. چند ماه از شروع سال تحصیلی می‌گذشت. از بنیاد شهید قم در مورد ثبت نام فرزندان آقای سید حسن نصرالله با من تماس گرفتند و هماهنگی لازم به عمل آمد



چند روز بعد آقای نصرالله همراه فرزندانش به دفتر مدرسه آمدند. معرفی نامه‌ای از بنیاد شهید داشتند. ایشان بسیار خوش برخورد و مهربان بود. پسرانش دوقلو و بسیار پر جنب و جوش و فعال بودند. آنها اصلاً فارسی بلد نبودند. آزمون اولیه‌ای از محمد هادی و محمد جواد گرفتم. بعد آنها را در پایه سوم ابتدایی ثبت نام کردم و به کلاس آقای محمد رضا رضوان طلب فرستادم. آقای رضوان طلب هم اکنون باز نشسته شده است. ایشان با کمک آقای محمد شاطر کریمی مربی پرورشی دبستان به آموزش شاگردان جدید خود همت گماشت. در اوایل محمد هادی و محمد جواد از بچه‌های مدرسه فاصله می‌گرفتند، چون فارسی بلد نبودند و نمی‌توانستند با دیگر دانش آموزان ارتباط برقرار کنند

۱۳۴ - سرود حزب الله

یک روز که در سالن مدرسه قدم می‌زدم، صدای زیبایی از نمازخانه شنیدم به زیرزمین رفتم. دوقلوها در خلوت و تنهایی با صدایی بسیار زیبا و هماهنگ مشغول خواندن سرود حزب الله به زبان عربی بودند. «فان حزب الله هم الغالبون» در همان ایام گروه سرود مدرسه مشغول تمرین سرود «ای شهید» برای شرکت در مسابقات چند گانه امور تربیتی بود. به فکر رسیدن سرود حزب الله را هم به عنوان مهمان به مسابقات ببریم. این پیشنهاد را با مربی پرورشی آموزشگاه در میان گذاشتم

خیلی خوشحال شد و استقبال کرد. باید از آقای نصرالله هم اجازه می‌گرفتم. یک روز به منزل ایشان رفتم. خودشان در را باز کردند. با هم صحبت کردیم. ایشان موافقت کردند. روز برگزاری مسابقات سرود ناحیه، سالن امور تربیتی واقع در خیابان شهیدان

فاطمی (دور شهر) قم پر از جمعیت بود گروه سرود مدرسه ما سرودای شهید را اجرا کرد. آن گاه من از دست اندر کاران و داوران مسابقات اجازه گرفتم تا پسران آقای نصرالله هم به عنوان گروه مهمان برنامه خود را اجرا کنند. آن دو در جایگاه قرار گرفتند. سرود حزب الله را بسیار زیبا در سالن اجرا کردند. اصلاً فراموش نمی‌کنم. سرود که تمام شد، جمعیت حاضر در سالن، گروههای دانش آموزی، داوران، مربیهای پرورشی یکپارچه از جابر خاستند و چند دقیقه متوالی شهید محمد هادی و برادرش محمد جواد را تشویق کردند. به لطف اجرای زیبای این دو برادر گروه سرود مدرسه ما در ناحیه اول شد و به مسابقات استانی راه یافت.»

۶ - بازگشت به لبنان

سید حسن نصرالله پس از بازگشت به لبنان، ضمن حفظ عضویت در شورای رهبری مسئولیتهای دیگری نیز بر عهده گرفت. هنگامی که سید عباس موسوی به دبیر کلی حزب الله انتخاب شد، شیخ نعیم قاسم را به عنوان معاون خود برگزید و سید حسن نصرالله به مسئولیتهای خود در شورای مرکزی حزب الله ادامه داد

۱۵ - دبیر کل حزب الله

به دنبال شهادت سید عباس موسوی، [۱۴] سید حسن نصرالله به اتفاق آرای اعضای شورای مرکزی حزب و در حالی که تنها ۳۲ سال داشت، به دبیر کلی حزب الله انتخاب شد. سید حسن زمانی که ریاست شورای اجرایی را بر عهده داشت، روابط گسترده‌ای با نیروهای مردمی و طرفداران حزب برقرار کرده بود. این روابط می‌توانست یکپارچگی حزب را پس از شهادت سید عباس موسوی حفظ کند



اگرچه تجاوز رژیم صهیونیستی فاصله ای چند ساله در تحصیلات وی ایجاد کرد اما از ۱۹۸۹ میلادی بار دیگر تحصیل را از سر گرفت و این بار راهی قم شد، اما اختلاف پیش آمده با جنبش امل، موجب رها کردن تحصیل و بازگشت به لبنان شد. سفرش به قم برای ادامه تحصیلات حوزوی سنگ بنای اتحادی مستحکم میان تهران، دمشق و حزب الله را بنا نهاد، اتحادی که بعدها در بحران تحمیلی به سوریه خود را نمایان ساخت. به همین دلیل سه روز پس از پیروزی مقاومت در ۲۰۰۰ میلادی پیامی ویژه در تشکر از شهدا، مردم، مقاومت و مقام معظم رهبری ارسال کرد. پس از آن پایه گذار معادله ای به نام موازنه ترس در قبال رژیم صهیونیستی شد. در عرصه جنگ روانی در مقابل دشمن صهیونیستی بی رقیب نشان داد و همچنان نیز بی همتاست. این تحولات به دشمن صهیونیستی فهماند که فرزندان آنها ارزشمندتر از فرزندان لبنان و مقاومت نیستند. پس از شهادت سید عباس موسوی در ۱۹۹۲ میلادی با وجود سن پایین و وجود اعضای مجرب تر به دلیل اعتمادی که به او وجود داشت، مسوولیت دبیرکلی جنبش به وی محول شد. خودش می گوید که وقتی سید عباس در قید حیات بود، مرا به عنوان نماینده اش به بسیاری از مراسم و حضور در مناسبت ها می فرستاد، وقتی به او اعتراض می کردم، می گفت که برای این برنامه ها تو مناسب تری. آن موقع معنای حرف هایش را نمی فهمیدم تا وقتی خبر شهادتش رسید و جنبش مرا به جانشینی وی انتخاب کرد. روزی که این مسوولیت بر دوشم گذاشته شد، به دلیل سن پایینم و بزرگی مسوولیت احساس ترس کردم، لذا پذیرش آن را رد کرد اما تاکید شد که این انتخاب از سوی رهبران جنبش بوده و برای دومین بار طی رای گیری برای پذیرش این مسوولیت انتخاب شدم



کشتار مردم بی دفاع در لبنان از سوئی بار دیگر خوی درندگی سگ هار صهیونیست را برای همه آشکار کرد، و از سوئی کوتاه نظری و سیاست ابلهانه‌ی سران رژیم غاصب را به اثبات رساند.

کتاب شهید سید حسن نصر الله\_ ناصر کاوه



هناك دلائل تشير على أن تحرير القدس  
بات أقرب من أي وقت مضى

السيد حسن نصر الله

دبیر کل حزب الله در تشریح احساس خود پس از این انتخاب چنین می‌گوید: «در آن روز که به دبیر کلی حزب الله انتخاب شدم، به شدت دچار اضطراب و سراسیمگی شده بودم، زیرا سن من از همه اعضای شورای مرکزی کمتر بود. پیش از انتخاب به دبیر کلی، ماموریت من صرفاً جنبه تشکیلاتی و سازمانی و درون حزبی داشت. روابط خارجی حزب الله هیچ سنخیتی با مسئولیتهای اجرایی نداشت، اما برادران شورای مرکزی پا فشاری کردند این سمت را بپذیرم. ابتدا با این پیشنهاد مخالفت کردم و اصرار داشتم که شخص دیگری را انتخاب کنند. شورای مرکزی در پی مخالفت من جلسه دیگری تشکیل داد و بار دیگر بر لزوم واگذاری دبیر کلی به من مهر تایید زد و سرانجام آن را پذیرفتم» [۱۵]

#### ۱۶ - مقاومت اسلامی لبنان

مقاومت اسلامی لبنان در زمان دبیر کلی سید حسن نصرالله، در برابر تجاوزهای مستمر رژیم صهیونیستی به حاکمیت سیاسی و تمامیت ارضی لبنان ایستادگی کرد و صحنه‌های درخشانی از شجاعت و پایداری در برابر متجاوزان را به نمایش گذاشت. جنگ تسویه حساب در ژوئیه سال ۱۹۹۳ م (۱۳۷۲ ش) و جنگ خوشه‌های خشم در آوریل سال ۱۹۹۶ (۱۳۵۷ ش) از مهمترین حمله‌های اسرائیل به لبنان بود. در جریان جنگ خوشه‌های خشم، مقاومت بی نظیر رزمندگان حزب الله به امضای تفاهم نامه آوریل منجر شد

#### ۱۶.۱ - تفاهم نامه آوریل

به موجب این تفاهم نامه، حزب الله به عنوان یک سازمان مقاومت ملی که برای آزاد سازی سرزمینهای اشغالی جنوب لبنان

می‌جنگد، به رسمیت شناخته شد. رزمندگان مقاومت اسلامی در ادامه ضربات کوبنده خود بر اشغالگران صهیونیست در روز ۲۵ مه ۲۰۰۰ (۱۳۷۹ ش) توانستند جنوب لبنان را آزاد کنند یکی دیگر از دستاوردهای حزب الله لبنان در زمان دبیر کلی سید حسن نصرالله، حضور چشمگیر حزب الله در فعالیتهای سیاسی داخلی لبنان بود

#### ۱۷ - شرکت حزب الله در انتخابات پارلمانی

حزب الله در سال ۱۹۹۲ م (۱۳۷۱ ش) برای اولین بار در انتخابات پارلمانی این کشور شرکت کرد و ۱۲ نامزد این حزب موفق شدند به مجلس لبنان راه یابند. این انتخابات نخستین انتخاباتی بود که پس از توقف جنگهای ۱۵ ساله داخلی لبنان برگزار می‌شد. نمایندگان حزب الله در پی ورود به پارلمان « فراکسیون وفاداری به مقاومت » را تشکیل دادند. [۱۶]

#### ۱۸ - شهادت فرزند

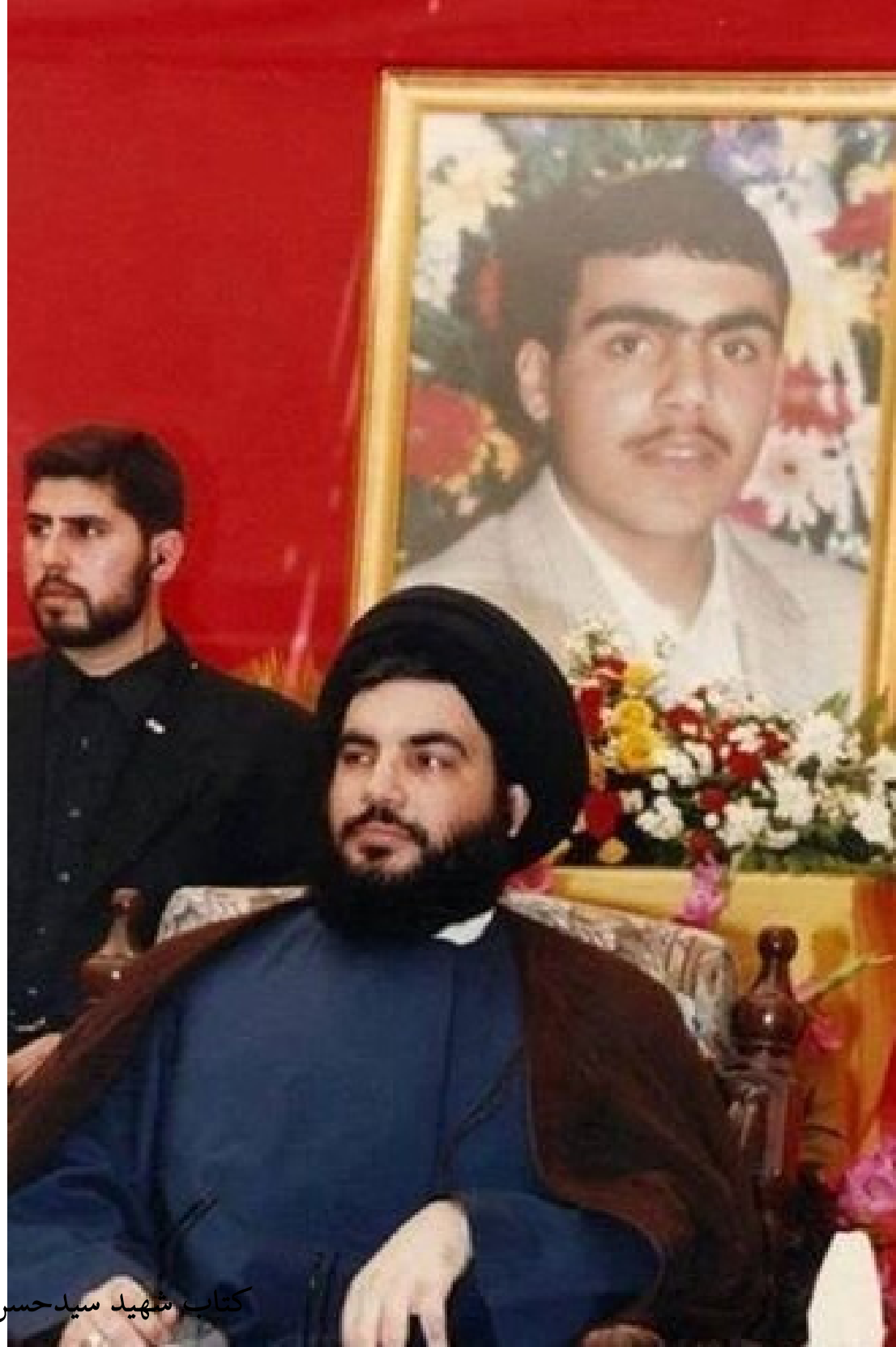
عصر روز دوازدهم سپتامبر سال ۱۹۹۷ م (۱۳۷۶ ش) نیروهای مقاومت تحرکات یک گشتی اسرائیلی را در منطقه جبل الرفیع در اقلیم التفاح شناسایی کردند که به سوی هدفی در شهرک عربصالییم در حال حرکت بود. دستور لازم به گروههایی متعدد از نیروهای مقاومت داده شد تا تحرک خود را آغاز و کمین گذاری کنند. در یکی از این گروهها فرزند بزرگ دبیر کل حزب الله سید هادی نصرالله نیز حضور داشت

این گروه با نیروهای اسرائیلی درگیر شد و ضربات قاطعانه‌ای به آنها وارد کرد و ماموریت خود را بدون آنکه صفوف رزمندگان مورد اصابت قرار گیرد، انجام داد و پس از آن افراد گروه به خطوط

سید حسن نصرالله در ۱۹۷۸ میلادی با فاطمه یاسین فرزند شیخ مصطفی یاسین از منطقه العباسیه ازدواج کرد. حاصل این ازدواج ۴ فرزند بود. سید هادی یکی از فرزندان در جریان درگیری های سپتامبر ۱۹۹۶ میلادی با نظامیان رژیم صهیونیستی در ۱۸ سالگی به شهادت رسید. نصرالله به عنوان یک پدر می گوید که مستمر سرخاک هادی می رود و از شجاعت وی الهام می گیرد و ایمان دارد که او در آسمان ها در بهترین مکان هاست و از سرنوشتش که به شهادت منتهی شد، بسیار خرسند است و می داند که روزی همدیگر را در آن دنیا ملاقات خواهند کرد

سید حسن نصرالله درباره آخرین ماموریت جهادی هادی چنین می گوید: با او وداع کردم، وی را در آغوش گرفته و بوسیدم

وقتی خبر شهادتش را به سید دادند، خدا را به خاطر اینکه خانواده اش را مشمول رحمت کرد و جزو خانواده های شهدا قرار داد، شکر کرد. اگرچه اندوهگین نشان می داد، اما صدایش همچنان با صلابت و قاطع بود. همواره تلاشش این بود، مبادا فرزند شهیدش جایگاهی والاتر از شهدای دیگر مقاومت بیابد. افرادی که آن روز در کنار وی بودند، تعریف می کنند که وقتی خبر شهادت هادی را به وی دادند، چشم هایش را بست تا ۲ قطره اشکی را که گوشه چشمانش جمع شده بود، نبینند، سپس وضو گرفت و به نماز ایستاد. هنگامی که پیکر فرزندش در عملیات تبادل با دشمن صهیونیستی به لبنان بازگشت، خود او را کفن کرد، گریست و برای شادی روحش قرآن و دعا خواند، پیشانی اش را پاک کرد، سپس او را از پیشانی بوسید و مابقی کارها را به اطرافیان سپرد..



حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیامی به مناسبت شهادت فرزند سید حسن نصرالله تأکید کردند خون این شهید و دیگر فرزندان شهید اسلام در لبنان، آتش مقاومت در برابر رژیم اشغالگر قدس را مشتعل‌تر خواهد کرد

بسمه تعالی

شهادت افتخار آمیز فرزند عزیز و جوان برومندتان را به شما و مادر گرامیاش تبریک و تسلیت می‌گوییم. این آزمایش بزرگ دیگری است که شما در راه خدا آن را با سرافرازی می‌گذرانید و فهرست آزمایش‌های دیگری را که در دوران پر رنج و پراجر جهاد و مقاومت، صبورانه طی کرده‌اید با آن زینت می‌بخشید. رژیم غاصب و متجاوز و ددمنش صهیونیستی از جنایت‌های خود که به شهادت بهترین جوانان لبنان و فلسطین، میانجامد هیچ بهره‌ئی نخواهد برد و خون هادی شهید و دیگر فرزندان شهید اسلام در لبنان، آتش

مقاومت در برابر رژیم اشغالگر فلسطین و لبنان را مشتعل تر خواهد ساخت. جهاد کنونی در برابر رژیم غاصب صهیونیست با همه‌ی نابرابری، عاقبتی جز پیروزی حق یعنی نجات سرزمین‌های غصب شده‌ی اسلامی به دنبال ندارد و گذشت زمان نمیتواند حق غصب شده‌ی ملت‌ها را به دست فراموشی بسپارد. هر خونی که در این راه ریخته میشود و هر مبارز صادق و مظلومی که به خاک می‌افتد، آن عاقبت تاریخی را قطعیت و تخلف‌ناپذیرتر می‌سازد. بار دیگر شهادت فرزند جوان و مظلوم شما را به شما والدین گرامی و دیگر بازماندگان و هم‌زمانش و به همه‌ی جوانان لبنان و فلسطین، تبریک و تسلیت می‌گوییم، و اجر الهی را برای شما و علو درجات در محضر حضرت حق متعال را برای آن عزیز مسئلت می‌کنم..

والسلام علیکم و رحمة‌الله\_ سیدعلی خامنه‌ای ۱۳۷۶/۰۶/۲۳



کتاب شهید سیدحسن نصرالله\_ ناصر کاوه

پشت جبهه نبرد عقب نشینی کردند. با این همه، آتش سنگینی که اسرائیل علیه مسیره‌های بازگشت مجاهدان ریخت منجر به شهادت سه تن از آنان شد که عبارت بودند از: سید محمد هادی فرزند دبیر کل حزب الله، علی کوثرانی و هیثم مغنیه نفر چهارم توانست به سلامت برگردد در حالی که دشمن اجساد شهیدان سه گانه را به دلیل قرار گرفتن مکان عملیات در منطقه اشغال شده با خود برد

۱۸.۱ - اثر شهادت سید هادی

شهادت سید هادی شتاب فوق العاده‌ای به مسیر حرکت حزب الله داد. او فرزند دبیر کلی بود که همه زندگی اش را در راه این حرکت وقف کرده بود و زمینه را برای فرزندش فراهم کرده بود تا انتخاب داوطلبانه خود را در پیمودن این راه نشان دهد. این اقدام تنها مشارکتی محدود در یک عملیات نبود، بلکه در هم شکستن موقعیتی خطرناک در خطوط مقدم و اول نبرد بود. معمولاً در چنین مواقعی نشانه‌ها و بیرق‌های شهادت از پیش به چشم می‌خورد. این رویداد نشانگر سازگاری و انطباق رهبری با خود و دیدگاهها و طرحهای مبارزه و اجرای عملی این اندیشه‌ها و درگیر شدن در نبرد با همه دارایی و گذشتن از همه علایق است

شهادت سید محمد هادی نشان دیگری بر سینه دبیر کل حزب الله زد که بیانگر آرامش و شجاعت او در پیگیری راه به رغم چالش‌ها و خطرهای متعدد بود. [۱۷] شهادت سید محمد هادی برای بسیاری از شخصیت‌های جهان غافلگیر کننده بود. پس از شهادت او تعدادی از نویسندگان و تحلیلگران عرب نوشتند در حالی که فرزندان بسیاری از شخصیتها و سیاستمداران عرب در بهترین دانشگاههای دنیا سرگرم تحصیل هستند و یا برای خوشگذرانی به پایتختهای گوناگون سفر

می‌کنند، فرزند دبیر کل حزب الله داوطلبانه در جبهه‌های جنگ با دشمن صهیونیستی حضور می‌یابد تا نشان دهد میان فرزند دبیر کل و فرزندان مقاوم جنوب لبنان تفاوتی نیست

۱۹ - نبرد سی و سه روزه

حزب الله مدتها بود از حمله گسترده اسرائیل اطلاع پیدا کرده بود، از این رو روز چهارشنبه بیست و یکم تیر ماه ۱۳۸۵ یک پایگاه سربازان رژیم صهیونیستی را مورد حمله قرار داد. در جریان این عملیات هفت سرباز اسرائیلی به هلاکت رسیدند و بیست و یک تن مجروح شدند. حزب الله دو سرباز اسرائیلی را نیز به اسارت در آورد. پس از آن ارتش اسرائیل حمله خود را از زمین و دریا و هوا به لبنان آغاز کرد. سید حسن نصرالله در سخنانی که از شبکه المنار پخش می‌شد، گفت: «پیروزی در نبرد همه جانبه در راه است»

به دنبال این سخنان موج موشک‌های حزب الله آسمان شمال فلسطین را پر کرد. ناوچه پیشرفته رژیم صهیونیستی در نزدیکی ساحل لبنان منهدم شد. اکثر موشک‌های حزب الله به بندر حیفا اصابت کرد و بیشتر ساکنان شهرک‌های صهیونیستی از خانه‌های خود گریختند. آمریکا و انگلیس پیش نویس قطعنامه شورای امنیت درباره آتش بس را و تو کردند

با شهادت حدود سی کودک در روستای قانا در جنوب لبنان خشم مردم دنیا برانگیخته شد. از سویی دیگر وحدت شگفتی در لبنان بر لزوم حمایت از حزب الله پدید آمد. تلاش ارتش اسرائیل برای پیاده کردن نیرو در شهر صور ناکام ماند. نیروهای این رژیم به دفعات در کمین گاه نیروهای حزب الله گرفتار و کشته و زخمی شدند. اسرائیل روزهای سختی را پشت سر می‌گذاشت..

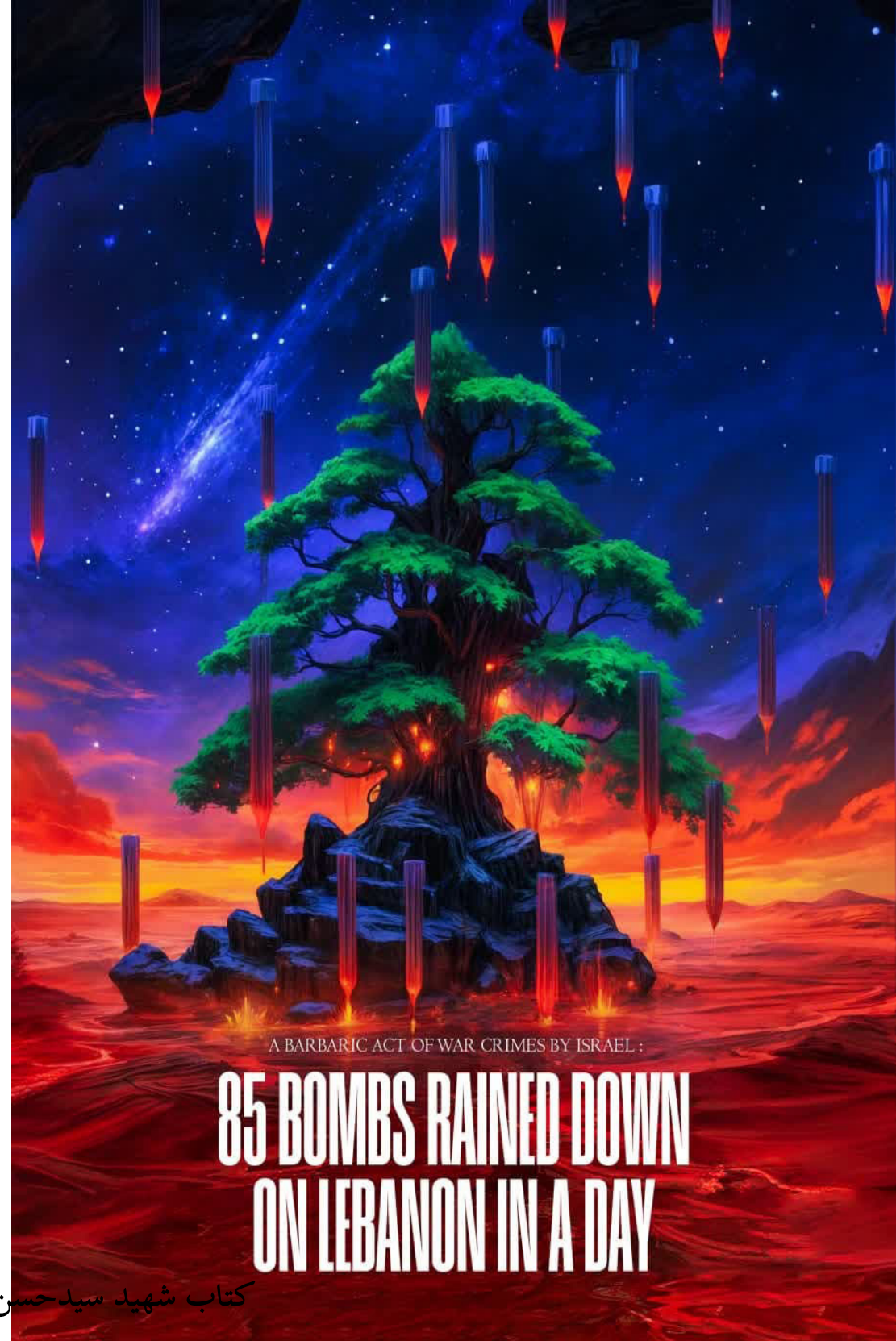
روند مهاجرت معکوس آغاز شده است

امروز حزب الله و پیروزی تاریخی اش، پشتوانه‌ی انتفاضه‌ی مردم فلسطین است، که البته پشتوانه‌ی بسیار نیرومندی است. رژیم صهیونیستی به هیچ وجه توانایی لازم برای یک رویارویی مستمر و درازمدت با فلسطین یها را ندارد. یهودیان را فریب داده و به فلسطین آورده‌اند، با این امید که اعراب با آنها نخواهند جنگید و اگر تصمیم به مقابله داشته باشند، فشار غرب مانع از ایستادگی و درازمدت آنها خواهد بود. افرادی که با این امید واهی به فلسطین آمده‌اند، آمادگی این را ندارند که هستی خود را فدای هدفهای سیاسی بنیانگذاران صهیونیسم کنند. طبق گزارشها، توریسم صهیونیستها به شدت ضربه خورده و حتی روند مهاجرت معکوس آغاز شده است. ۱۳۸۰/۰۲/۰۴

مقاومت وجدان جهانی را بیدار کرد

عدم تحمل رسانه‌های غربی و صهیونیستی و دولت‌های حامی صهیونیزم در برابر حتی طرح سؤال و تحقیق درباره هولوکاست که بهانه‌ی غصب فلسطین بود، یکی از نشانه‌های این تزلزل و ابهام است. اکنون وضع رژیم صهیونیستی از همیشه‌ی تاریخ سیاه خود در افکار عمومی جهان بدتر و پرسش از دلیل پیدایش آن جدیتر است. اعتراض بی سابقه و خودجوش جهانی از شرق آسیا تا امریکای لاتین علیه آن رژیم و تظاهرات مردمی در ۱۲۰ کشور جهان و از جمله در اروپا و در انگلیس که خاستگاه اصلی این شجره‌ی خبیثه بود، و دفاع آنان از مقاومت اسلامی غزه و از مقاومت اسلامی لبنان در جنگ ۳۳ روزه، نشان می‌دهد که یک مقاومت جهانی علیه صهیونیزم پدید آمده که در ۶۰ سال گذشته هرگز تا این حد، جدی و حجیم نبوده است. میتوان گفت مقاومت اسلامی لبنان و فلسطین توانسته است وجدان جهانی را بیدار کند. ۱۳۸۷/۱۲/۱۴

کتاب شهید سید حسن نصرالله\_ ناصر کاوه



A BARBARIC ACT OF WAR CRIMES BY ISRAEL :

**85 BOMBS RAINED DOWN  
ON LEBANON IN A DAY**



پیام مهم رهبر انقلاب اسلامی درباره قضایای اخیر لبنان

بسم الله الرحمن الرحيم

کشتار مردم بیدفاع در لبنان از سوئی بار دیگر خوی درندگی سگ هار صهیونیست را برای همه آشکار کرد، و از سوئی کوتاه نظری و سیاست ابلهانه‌ی سران رژیم غاصب را به اثبات رساند. باند ترور حاکم بر رژیم صهیونیست از جنگ جنایتکارانه‌ی یک ساله‌ی خود در غزه درس نگرفتند و نتوانستند بفهمند که کشتار دستجمعی زنان و کودکان و مردم غیر نظامی می‌تواند در ساخت مستحکم سازمان مقاومت اثر بگذارد و آن را از پا بیندازد.

اکنون همان سیاست حماقت آمیز را در لبنان می‌آزمایند. جنایتکاران صهیونیست بدانند که بسیار کوچکتر از آنند که به ساخت مستحکم حزب‌الله لبنان صدمه‌ی مهمی وارد کنند. همه‌ی نیروی مقاومت منطقه در کنار حزب‌الله و پشتیبان آن است.

سرنوشت این منطقه را نیروهای مقاومت و در رأس آنان حزب‌الله سرافراز رقم خواهد زد. مردم لبنان فراموش نکرده‌اند که در روزگاری نظامیان رژیم غاصب تا بیروت را زیر چکمه قرار میدادند این حزب‌الله بود که پای آنان را قطع کرد و لبنان را عزیز و سربلند ساخت. امروز هم لبنان به حول و قوه‌ی الهی دشمن متجاوز و خبیث و روسیاه را پشیمان خواهد کرد.

بر همه‌ی مسلمانان فرض است که با امکانات خود در کنار مردم لبنان و **حزب‌الله** سرافراز بایستند و در رویارویی با رژیم غاصب و ظالم و خبیث آن را یاری کنند.

والسلام علی عباد الله الصالحین  
سیدعلی خامنه‌ای  
۷ مهر ۱۴۰۳

پیام  
امام





فَرِحِينَ بِمَاءِ آتَاهُمْ  
اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ

1- 11 يوم الشهيد

2024 م - 1446 هـ

کتاب شهید سید حسن نصرالله - ناصر کاوه



امروز هم لبنان به حول و قوهی الهی دشمن متجاوز، خبیث و روسپاه را پشیمان خواهد کرد.  
بر همهی مسلمانان قرعش است که با امکانات خود در کنار مردم لبنان و حزبالله سرافراز بایستند  
و در زیارتی با رژیم غاصب و ظالم و خبیث آن را باری کنند.



۱۴۰۳/۷/۷

# حزب الله زنده است

و ما شهیدی دیدیم پس از شهید، مجاهدی دیدیم پس از مجاهدی دیگرانسانی دیدیم از پس انسانی دیگر، سلام و درود خدا بر او از روز تولدش تا روزی که در نزد پروردگارش روزی می خورد. الحمدلله که در زمانه‌ای زیستیم که چنین شخصی را دیدیم و درک کردیم و با او دل گرم بودیم و پس از او در فقدانش، اشک ریختیم... شهید سید حسن نصرالله



علاقه امام خامنه ای به لبنان

و اما لبنان... و ما ادراک ما لبنان... لبنان به برکت همت و شجاعت مردم خود درخشید. دشمن به غلط پنداشته بود که با حمله به لبنان، ضعیف‌ترین حلقه‌ی کشورهای منطقه را هدف قرار می‌دهد و طرح وهم‌آلود خاورمیانه‌ی دلخواه خود را کلید می‌زند. دشمن، یعنی آمریکا - اسرائیل، از صبر و هوشمندی و دلاوری ملت لبنان غافل بود؛ از توانایی بازوان سطر لبنان غافل بود؛ از سنت الهی «...کم مِّن فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَ اللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ» غافل بود

ملت لبنان و جوانان دلاور و سیاستمداران هوشمندش با سیلی سخت خود، او را از این غفلت بیرون آوردند. دشمن اکنون درصدد بریدن این بازوی توانا و کارآمد است؛ درصدد ایجاد اختلاف میان سیاستمداران است؛ درصدد پاشیدن ویروس بی‌صبری و تردید در مردم است. همه باید در برابر این سم‌پاشی‌ها بیدار باشند. به حول و قوه‌ی الهی شما در خنثی کردن توطئه‌های آنان موفق خواهید شد و پیروزی دومی به دست خواهید آورد، ان شاء الله. جهادی که اکنون در این میدان جدید، پیش روی شما است مانند جهاد فداکارانه‌ی شما در میدان نظامی، حائز اهمیت و در آن، صبر و توکل و اخلاص و تدبیر، تعیین‌کننده است به شما و دیگر برادران و دلاوران عرصه‌ی جهاد درود می‌فرستم

و دست و بازوی همه‌ی شما را میبوسم

سیدعلی خامنه‌ای

۲۵ مرداد ۱۳۸۵

رژیم اشغالگر قدس برای شهادت سید مقاومت حدود ۸۵  
مب سگرشکن یک یا دو تنی استفاده کرد؛ در حالی که  
کنوانسیون ژنو استفاده از چنین مبه‌هایی را ممنوع اعلام  
کرده است... به نقل شبکه الجزیره



## ترورهای نافرجام

سید حسن نصرالله در سال‌های مسئولیتش چندین بار مورد تهدید  
تروریستی واقع شده بود. برخی از این طرح‌های ترور عبارتند از  
ترور از طریق مسمومیت غذایی (۲۰۰۴م)

مباران برج محل اسکان وی توسط هواپیماهای اسرائیلی (۲۰۰۶م)  
دستگیری گروه تروریستی که هدفشان حمله خمپاره‌ای به خودروی  
سید حسن نصرالله بوده است (۲۰۰۶م)  
انفجار ساختمانی که تصور می‌شد سید حسن نصرالله در آن حضور  
دارد توسط هواپیماهای اسرائیلی (۲۰۱۱م)

سید حسن نصرالله به دلیل تهدیدات امنیتی در سال‌های اخیر  
کمتر در انظار عمومی حاضر می‌شد و تیم حفاظتی ویژه‌ای  
مسئولیت حفاظت وی را بر عهده داشت. ابوعلی جواد داماد سید  
حسن نصرالله مسئولیت این تیم را بر عهده داشت

سید حسن نصرالله، روز جمعه ۶ مهر سال ۱۴۰۳ ش/۲۷ سپتامبر  
۲۰۲۴م در پی منطقه شیعه‌نشین مباران ضاحیه در جنوب لبنان  
توسط رژیم صهیونیستی به شهادت رسید. ارتش این رژیم مدعی  
شده است مرکز فرماندهی و محل برگزاری جلسات حزب‌الله را  
هدف قرار داده است. [۲۳] پس از این حمله، ارتش اسرائیل از  
کشته شدن سید حسن نصرالله و برخی دیگر از فرماندهان مانند  
علی کرکی خبر داد [۲۴] و حزب‌الله در اعلامیه‌ای در ۷ مهر ۱۴۰۳ ش  
شهادت سید حسن نصرالله را اعلام و تأیید کرد. خبر شهادت او در  
حرم امام رضا (ع) نیز اعلام عمومی شد. در بیانیه حزب‌الله آمده  
است «سید مقاومت، بنده صالح سید حسن نصرالله، به عنوان  
شهیدی بزرگوار، رهبری شجاع، دلاور، حکیم، بصیر و مؤمن، به قافله  
جاویدان شهدای کربلا و جوار و رضوان الهی پیوست»..

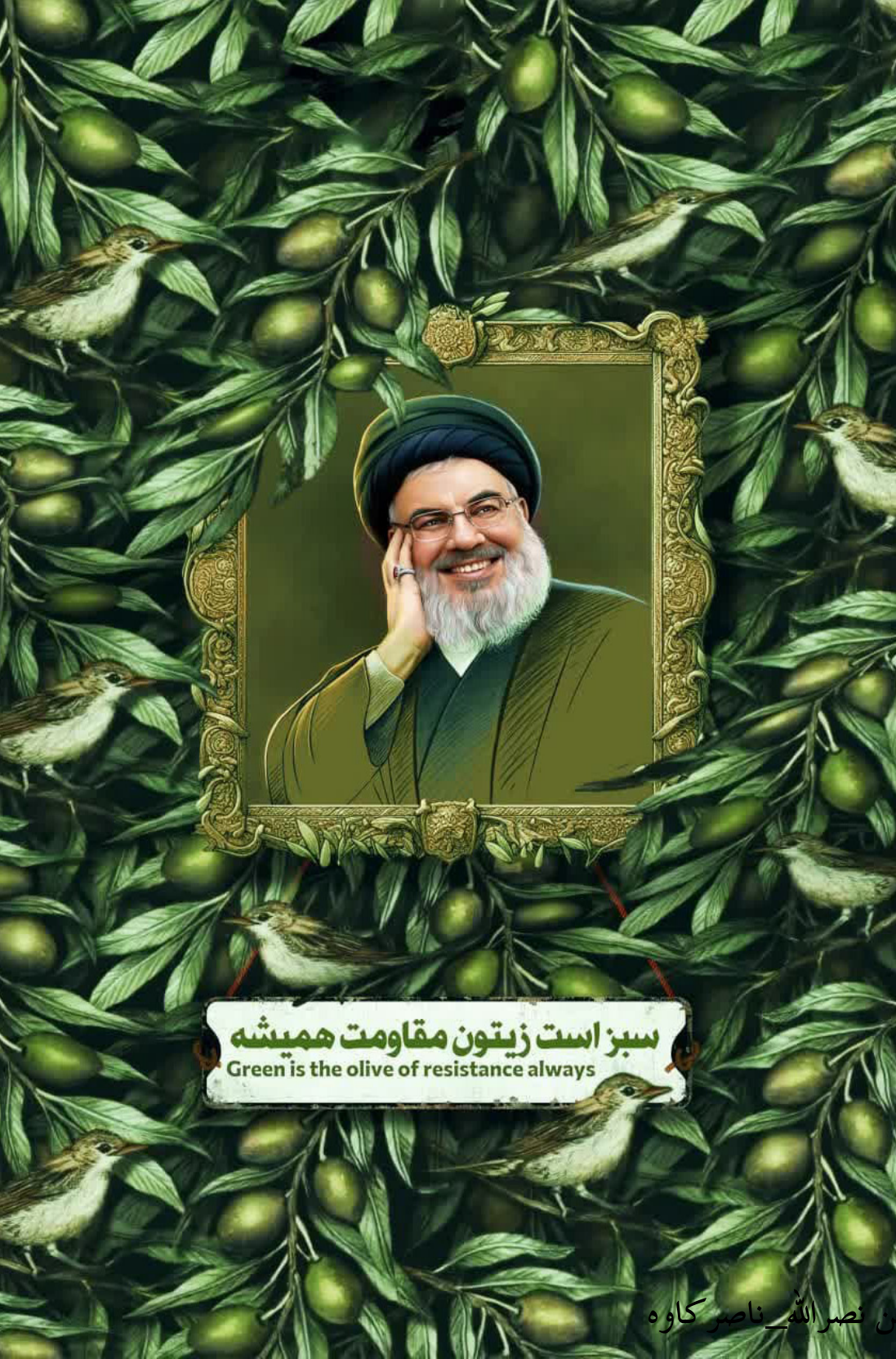


امروز  
او هم چنان میان ماست  
اندیشه اش، جانش و آرمانش...  
از بیانیه حزب الله لبنان  
پدما نسبت شهادت سید حسن نصرالله

«سید حسن نصرالله مَرِدِ لحظه‌هاست که ستاره بخت و خوش‌شانسی وی بر ویرانه‌های ساختمان‌هایی که بمب‌های اسرائیلی آنها را ویران کردند، درخشید.» روزنامه انگلیسی «تایمز»

شهید سید حسن نصرالله از دیدگاه دیگران  
روزنامه انگلیسی «دیلی تلگراف»: «نصرالله یکی از رهبران شگفتی ساز در خاورمیانه است» [۴۸]  
روزنامه انگلیسی «تایمز»: «سید حسن نصرالله مَرِدِ لحظه‌هاست که ستاره بخت و خوش‌شانسی وی بر ویرانه‌های ساختمان‌هایی که بمب‌های اسرائیلی آنها را ویران کردند، درخشید.»  
روزنامه آمریکایی «واشینگتن پست»: «نصرالله از بزرگ‌ترین اسرار حزب‌الله به‌شمار می‌رود.»  
آثار مرتبط با شهید سید حسن نصرالله  
درباره شخصیت سید حسن نصرالله آثار متعددی تولید شده است. برخی از این آثار عبارتند از  
آثار مکتوب  
کتاب سید عزیز (زندگی‌نامه خودگفته حجت‌الاسلام سید حسن نصرالله) به کوشش حمید داودآبادی. این کتاب با تقریظ آیت‌الله خامنه‌ای منتشر شده است  
کتاب آزادترین مرد جهان؛ تألیف راشد جعفرپور.  
کتاب نصرالله؛ گفت‌وگوی محمدرضا زائری با سید حسن نصرالله.  
کتاب رهبری انقلابی سید حسن نصرالله؛ تألیف آزیتا بیدقی قره‌باغ.  
فیلم و مستند  
مستند نگاهی به زندگی سید حسن نصرالله پخش‌شده از شبکه خبر. مستند منادیان آزادی (قسمت سید حسن نصرالله) پخش‌شده از شبکه خبر  
مستند نصرالله در چشم دشمنان؛ شبکه المیادین این مستند ۵۰ دقیقه‌ای را بر اساس سخنرانی‌های سید حسن نصرالله و با استفاده از تصاویر، تحلیل کارشناسان و تحلیلگران اسرائیلی تهیه کرده است

کتاب شهید سید حسن نصرالله\_ناصر کاوه



**سبز است زیتون مقاومت همیشه**  
Green is the olive of resistance always

واکنش‌ها به شهادت سید حسن نصرالله

شهادت سید حسن نصرالله واکنش‌های متعددی را در پی داشت. سید علی خامنه‌ای، رهبر انقلاب اسلامی ایران، [۲۹] و مراجع تقلید همچون سید علی سیستانی، [۳۰] ناصر مکارم شیرازی، [۳۱] حسین نوری همدانی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم پیام تسلیت صادر کردند. دولت و مقامات کشورهای مختلف همچون ایران، روسیه، عراق، یمن و گروه‌های مقاومت مانند جنبش حماس، جنبش جهاد اسلامی فلسطین، جنبش انصارالله یمن، جنبش فتح، گروه عصائب اهل الحق، جنبش امل لبنان، سید عمار حکیم، رهبر جریان حکمت ملی عراق، مقتدی صدر، رهبر جریان صدر در عراق، نیز با صدور بیانیه‌ای شهادت سید حسن را تسلیت گفتند و حملات اسرائیل را محکوم کردند

در ایران پنج روز در لبنان، سوریه [و عراق یمن سه روز عزای عمومی اعلام شد. حوزه‌های علمیه ایران روز یکشنبه تعطیل اعلام شد و طلاب و روحانیون در محکومیت جنایت‌های رژیم صهیونیستی اجتماع و راهپیمایی کردند. در ایران تمامی سالن‌های سینما و تئاتر تعطیل شد

مسعود پزشکیان، رئیس جمهور ایران، با تسلیت شهادت سید حسن نصرالله، صدور فرمان این حمله تروریستی را از آمریکا دانست و تصریح کرد که آمریکا نمی‌تواند خود را از همدستی با رژیم صهیونیستی تبرئه کند. جوانان کرانه باختری و قدس اشغالی، در اعتراض به حملات اسرائیل به لبنان و اعلام وفاداری به سید حسن نصرالله، برای شرکت در راهپیمایی خشم فراخوان دادند

آثار مرتبط با شهید سید حسن نصرالله  
درباره شخصیت سید حسن نصرالله آثار متعددی تولید شده است.  
برخی از این آثار عبارتند از

#### آثار مکتوب

کتاب سید عزیز (زندگی نامه خودگفته حجت الاسلام سید حسن نصرالله) به کوشش حمید داودآبادی. این کتاب با تقریظ آیت الله خامنه ای منتشر شده است  
کتاب آزادترین مرد جهان؛ تألیف راشد جعفرپور.  
کتاب نصرالله؛ گفت و گوی محمد رضا زائری با سید حسن نصرالله.  
کتاب رهبری انقلابی سید حسن نصرالله؛ تألیف آزیتا بیدقی قره باغ.  
کتاب آغاز نصرالله؛ تألیف ناصر کاوه.

#### فیلم و مستند

مستند نگاهی به زندگی سید حسن نصرالله پخش شده از شبکه خبر. مستند منادیان آزادی (قسمت سید حسن نصرالله) پخش شده از شبکه خبر  
مستند نصرالله در چشم دشمنان؛ شبکه المیادین این مستند ۵۰ دقیقه ای را بر اساس سخنانی های سید حسن نصرالله و با استفاده از تصاویر، تحلیل کارشناسان و تحلیلگران اسرائیلی تهیه کرده است  
مستند حکایه حسن: این مستند از شبکه العربیه پخش شد و در آن درباره چگونگی قدرت یافتن و محبوبیت سید حسن نصرالله در لبنان مطالبی بیان شده است. پخش این مستند توسط شبکه العربیه، با اعتراض دشمنان سید حسن نصرالله مواجه شد و مدیر شبکه العربیه به خاطر پخش این مستند از منصب خویش برکنار شد



## من سرباز سید علی هستم

ای خواهران و برادران! برای ما و همه مسلمین در سراسر جهان یک ولی امر وجود دارد و حال اگر بیشتر مسلمانان نمی خواهند از ایشان تبعیت کنند مشکل خودشان است چنانچه پیش تر نیز بسیاری از مردم، از پیامبر و امامان معصوم تبعیت نکردند. امام خامنه ای همان امام خمینی است. ما ولی امری داریم که نائب امام مهدی عج است. اطاعتش بر ما واجب است. خدا بر ما منت نهاده که او را به ولایت امر ما برگزیده است. انتفاضه لبنان و قدرت ما مدیون نفس گرم و خدایی آیت الله خامنه ای است.

کتاب شهید سید حسن نصرالله\_ ناصر کاوه

# الشَّهِيدُ الْقَائِدُ السَّيِّدُ حَسَنُ نَصْرِ اللَّهِ



اعتقادات و منش اخلاقی سید حسن نصرالله

درباره ارتباط سید حسن نصرالله با خانواده اش این طور گفته است که وقتی به خانه باز می گردد، عبایش را ورودی خانه از تن درآورده و تبدیل به همسر و پدری می شود با وظایفی که در این زمینه برعهده دارد. بسیار مطالعه می کند

در آن زمان (دهه ۸۰) عمده کتاب های مورد مطالعه اش خاطرات شخصیت های سیاسی از جمله شخصیت های رژیم صهیونیستی بود، خاطرات شارون و پس از آن جایی زیر آفتاب نوشته بنیامین نتانیاهو این نشان می دهد، شناخت دشمن برای وی اهمیت بسیاری دارد

کاریزما یا ویژگی رهبری که در چهره اش موج می زد. مرگ برای وی چیزی جز دروازه ورود به دنیای آخرت نبود و بهترین دروازه را شهادت می دانست. وقتی فردی به شهادت می رسد با گرانبهاترین بخشش و هدیه الهی به آسمان ها عروج می کند و به شکلی بسیار متفاوت تر مورد استقبال قرار می گیرد. چرا که به اعتقاد وی حتی ملل غیرمسلمان نیز احترام بسیاری برای افرادی قائل هستند که زندگی خود را در راه وطن و هم میهنان خود فدا می کنند.

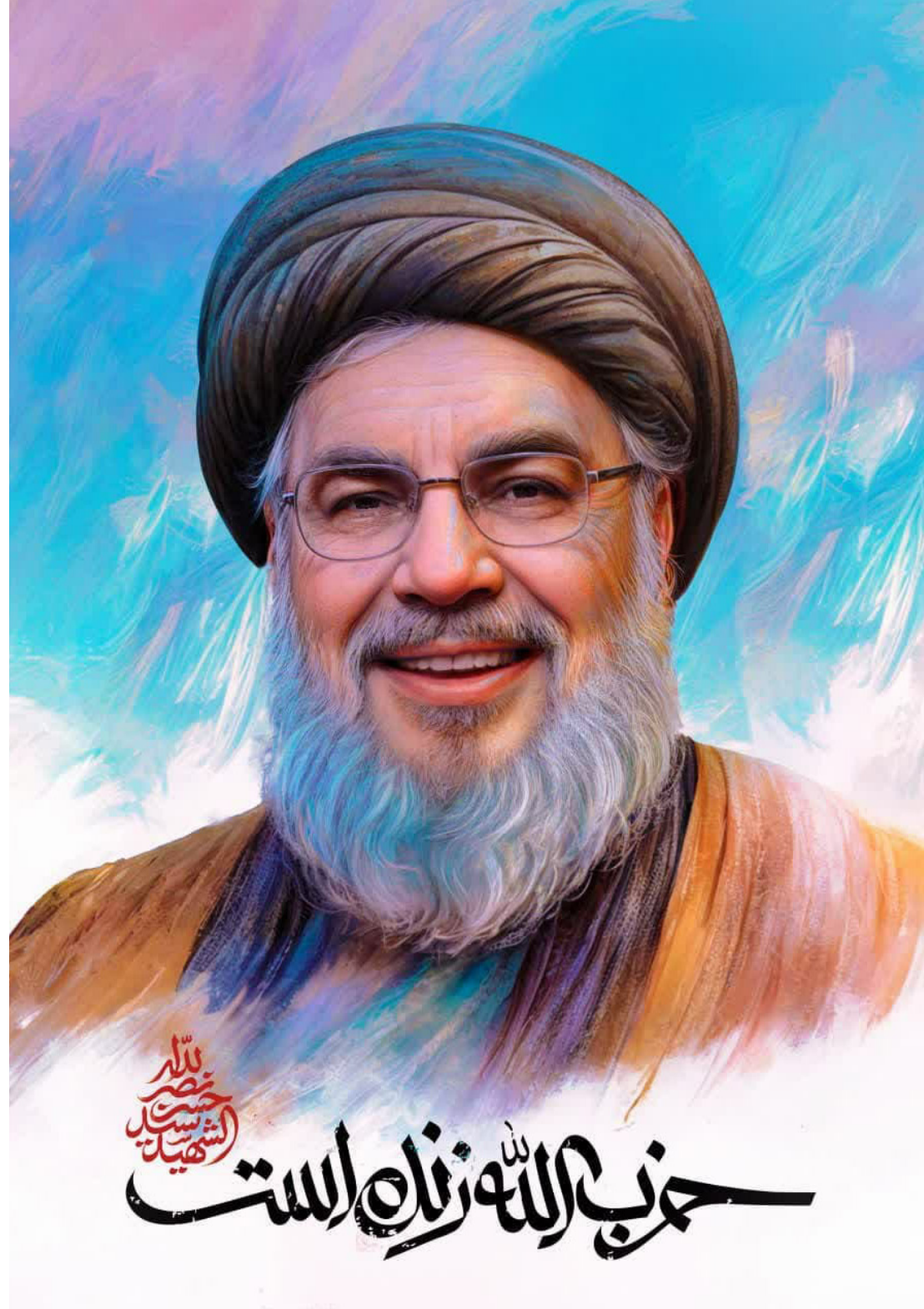
یکی از مهمترین ویژگی های شخصیتی وی صبوری در برابر نزدیکان و چشم پوشی در قبال دیگران بود، چون همیشه تاکید می کرد خود را وقف قضیه مهمتری به نام وطن، انسانیت و کرامت بشری کرده است. هیچ گاه خشم و غضب وی دیده نشده است



همواره با مسایل داخلی و خارجی با آرامش برخورد می کرد، چون باور داشت این رفتار موجب می شود، انرژی خود را صرف کارها و رفتارهای بی مایه که سودی از آنها متصور نیست، نباید کرد

یکی دیگر از شاخص های سید حسن نصرالله قدرت بیان، نفوذ کلام و بینش دقیق و سنجیده وی در خطاب قرار دادن مخاطبان بود. انیسه الامین روانشناس اجتماعی با ۲۵ سال سابقه تدریس در دانشگاه لبنان درباره این ویژگی دبیرکل حزب الله به بخش هایی از سخنرانی سید در تجاوز ۲۰۰۰ میلادی رژیم صهیونیستی اشاره می کند که در آن دبیرکل حزب الله رزمندگان مقاومت را با جمله دست هایتان را می بوسم مورد خطاب قرار می دهد. به اعتقاد این روانشناس مجرب لبنانی چنین سخنانی به مخاطبان دبیرکل حزب الله اعتماد به نفس، برحق بودن خط مشی آنها را در دفاع از وطن و یادآور کرامت انسانی آنهاست. آنچه این ویژگی را اثربخش تر می کند به روز بودن شخصیت سید، بهره مندی از منطق، عقل و جدل در کنار شخصیت دینی و مذهبی وی بود. صادق به این معنی که او نه تنها به ارزش هایی چون وفای به عهد، راستگویی و صداقت، تواضع، صبر و آرامش مزین بود، بلکه ایمان و باور داشت و همین شهامت و جرأت رویارویی با دشمن به وی ثبات در عزم و عقیده را می بخشید و موجب می شد، به هرآنچه وعده داده عمل کند. دکتر انیسه در ادامه سیمای سید حسن را اینگونه ترسیم می کند:

سید شباهت چندانی به چهره سنتی ترسیم شده از مردان ندارد، در سیمایش خشونت نمی توان یافت، چهره اش معصومیت کودکانه ای دارد. در عین حال یکی مثل همه ماست





از دیگر ویژگی های شخصیتی سید حسن نصرالله دوری از فساد و پنهان کاری، شفافیت در کار، انضباط و قانونمدی اشاره کرد که انعکاس مستقیمی بر فعالیت ها و عملکرد جنبش داشت

از طرفی دیگر، دفاع از مردم در برابر اشغالگران صهیونیست و از خودگذشتگی های بدون چشم داشت برای مردم از دیگر ویژگی های سید حسن نصرالله بود

دیدگاهی که در تمام سطوح جنبش قابل ملاحظه بود به گونه ای که تاکنون فردی به وسیله اعضای جنبش در مناطق تحت اداره اش در سرتاسر جنوب لبنان در معرض آزار و اذیت واقع نشد

می توان، تعامل با دیگران، پذیرش افکار و دیدگاه های دیگران را در شخصیت دبیرکل حزب الله نادیده گرفت، موضوعی که مشوق بروز استعدادها و توانایی های نهفته در اعضای آن است

سید حسن ایمان داشت که هر انسانی دارای استعداد و توانمندی خاص خویش است. بدون ذره ای شک و تردید کادرهای خود را نوسازی و بازسازی می کند. آنها را به همراهی با تکنولوژی های روز تشویق می کند و مهمتر از همه اینکه با تمام اعضا رابطه ای برادرانه داشت

# دیار دوست

شهر شهید سید حسن نصرالله

ویژگی دیگر، سید حسن نصر الله اهتمام به امر جوانان و توجه به نیازهای آنها بود. دیدار وی با جوانان به عنوان دیدار رییس و مسوول یک مجموعه با جمعی از اعضای این مجموعه نیست، بلکه آنها از نیازها و خواسته های خود می گویند و او نیز با تمام توان برای رفع آنها تلاش می کند

در این باره قصیر مسوول روابط عمومی حزب الله گفته بود: خوش رویی یکی از ویژگی های منحصر به فرد سید است. او در روابط عمومی و برقراری رابطه با دیگران بی همتاست. خیلی دیر موضوعی او را خشمگین می کند و اگر هم خشمگین شد، به سرعت واکنش نشان نمی دهد

سید فردی بسیار زیرک و باهوش است و قدرت خارق العاده ای در قانع کردن و راضی کردن طرف دیگر دارد، افرادی که در جلسات سید حضور یافته اند به خوبی با این ویژگی اخلاقی سید آشنا هستند

و در آخر باید گفت از مهمترین ویژگی های اجتماعی سید حسن نصرالله همنشینی با رزمندگان بود

سید حسن عاشق زندگی با مجاهدین در حال مبارزه در جبهه بود به همین دلیل در سال های ۱۹۸۵ و ۱۹۸۶ چندین بار مخفیانه و بدون اطلاع فرماندهان میدانی حزب الله راهی خط مقدم شد، حال او با یک عمر مجاهدت در راه آرمان آزادی قدس شریف به یاران و سربازان شهید خود ملحق شد



## پیام مقام معظم رهبری

نام رهبر حزب الله در بین شیرین ترین نامهاست

این جنگ سی و سه روزه، یک طرف پیروزمند داشت، یک طرف شکست خورده. خوب معلوم است طرف پیروزمند، حزب الله لبنان، مقاومت لبنان، ملت لبنان و در واقع امت اسلامی بودند. همه ی ملتها خوشحال شدند. شنیدید و واقعیت همین است که امروز نام حزب الله و رهبر آن در دنیای اسلام و کشورهای عربی و بین ملتها، جزو شیرینترین نامهاست. افرادشان جزو محبوبترین انسانهاست. در کشور خود ما هم همین طور است. در ترکیه، مصر، شمال آفریقا و در کشورهای اسلامی، همه جا همین طور است. این نشان دهنده ی این است که همه ی دنیای اسلام خودشان را در این پیروزی سهیم میدانند. خطبه های نماز جمعه ی تهران به امامت رهبر معظم انقلاب

اسلامی ۱۳۸۵/۰۷/۲۱

به گزارش العالم، روزنامه السفير لبنان این مطلب را روز چهارشنبه به نقل از کتاب «حزب الله و دولت لبنان» نوشته دکتر «حسن فضل الله» از نمایندگان پارلمان وابسته به حزب الله منتشر و تأکید کرد: «پیام امام سیدعلی خامنه ای در روزهای نخست جنگ به صورت شفاهی توسط سردار قاسم سلیمانی به سید حسن نصرالله منتقل شد»

بر اساس گزارش السفير، رهبر معظم انقلاب در این پیام خطاب به سید مقاومت فرموده اند: «از خداوند متعال می خواهم که شما را حفظ و موفق بدارد، و دست شما را بگیرد و ان شاء الله شما را پیروز گرداند. برخداوند متعال توکل کنید و ان شاء الله در دنیا هم پیروزی و هم رضایت ذات مقدس الهی را خواهید چشید. من همیشه برای پیروزی شما دعا می کنم.»



در ادامه این پیام آمده است: «به تک تک برادران سلام می رسانم. این جنگ سخت خواهد بود، اما بر خدا توکل کنید و پایداری نمایید. ما به پیروزی مقاومت یقین کامل و حتی بیش از آن، این مقاومت پیروز و به یک قدرت منطقه‌ای تبدیل خواهد شد. از اطلاعات موجود (در طول جنگ) چنین بر می‌آید که دشمن برای آن برنامه‌ریزی کرده بود تا در آغاز پاییز انجام شود، اسرائیلی‌ها با توافق آمریکا قصد داشتند تا این جنگ را بدون دلیل یا بهانه و با استفاده از عنصر غافلگیری آغاز کنند. اسرائیل برای حمله به مقاومت در لبنان برنامه داشت، و خود را برای آن آماده می‌کرد؛ اسرائیل می‌خواست شما را غافلگیر کند، برنامه آنها این بود که نیروی هوایی اسرائیل ظرف چند ساعت به همه اهداف حمله کند و بعد از آن دشمن عملیات زمینی را آغاز و بخشی از جنوب را اشغال کند و در شهرهای مختلف به شما حمله کند، سپس کار خود را برای از بین بردن حزب‌الله تکمیل نماید.»

رهبر معظم انقلاب ادامه داده‌اند: «هدف از این جنگ فقط این مرزها نبود، بلکه هدف آن تغییر منطقه بود، اما اتفاقی که در جریان عملیات اسارت نظامیان اسرائیلی از سوی حزب‌الله افتاد، دانسته یا ندانسته طرح اسرائیل برای غافلگیری را از بین برد، و طرح جنگی که برای اوایل پاییز آماده شده بود را ناکام گذاشت، شما زمان را (به اسرائیل و آمریکا) تحمیل کردید، و به این ترتیب آنها اقدامی را که برای آن زمان بندی کرده بودند الان انجام دادند، این موضوع عنصر غافلگیری را از دست دشمن گرفت، این یکی از الطاف پنهان خداوند متعال برای شما بود.»

این پیام می‌افزاید: «این جنگ به‌علت اسارت دو نظامی نیست، بلکه بخشی از یک پروژه آماده شده بود، اما وقتی شما دو نظامی



مَوْجِبَاتُ الشَّهِيدِ  
لَنْ تَذْهَبَ دِمَاءُ الشَّهِيدِ السَّيِّدِ حَسْبَنَ كَمَا دَلَّ  
عَنْهُ  
بِدَمْدَامِ السَّنِ

يَا بَعِيَّةَ اللَّهِ اغْنَا  
يَا بَعِيَّةَ اللَّهِ ادرکنا

دستخط شهید سیدحسین ناصر، رالقه  
mohajer\_mag

را گرفتید آمریکایی‌ها و اسرائیلی‌ها پیش از اینکه از لحاظ نیرو و تجهیزات برای این جنگ آماده شوند، آن را آغاز کردند. آنها خود را در میدان مبارزه دیدند و عنصر غافلگیری را از دست دادند و به این ترتیب خداوند متعال طرحی را که بسیار بزرگ‌تر از اوضاع کنونی بود، از شما و از لبنان و کل منطقه دور کرد.»

در ادامه پیام آمده است: «حزب‌الله تاکنون ۱۰ روز مقاومت کرده است، این در حالی است که دولت‌های عربی در سه روز شکست خوردند. این یک پیروزی خوب است، اما باید تلاش خود را ادامه دهید، خواست اسرائیل برای نابودی مقاومت ان‌شاء الله هرگز عملی نخواهد شد. دشمن نگران است و گرفتار مشکل بزرگی شده، و مشکل دشمن کمتر از مشکل شما نیست، بلکه بزرگ‌تر است. شما در دنیا اسطوره شدید، باید بایستید و به دنیا ثابت کنید که محاسبات آمریکا و اسرائیل اشتباه بود. این جنگ شما، جنگ سرنوشت‌سازی است، و به جنگ خندق شباهت دارد، (جنگ خندق) در آن زمان هم جنگ سخت و مشکلی بود و در آن جان‌ها به لب آمد، منافقان می‌گفتند بیایید به خانه‌هایمان برگردیم، پیروزی الهی که محمد(ص) به ما وعده داده کجا است؟ اما خداوند متعال بعد از پایداری و صبر مؤمنان، آنها را پیروز کرد.» رهبر معظم انقلاب در پایان پیام شفاهی خود تأکید کرده اند: «ما با شما هستیم و در همه حال از شما حمایت خواهیم کرد، نگران نباشید، مهم این است که صبر کنید و در برابر این دشمن بایستید. توجه زیادی به مردم داشته باشید، چرا که آنها می‌خواهند مردم را از شما دور کنند. اگر خداوند شما را پیروز گرداند به قدرتی تبدیل خواهید شد که هیچ نیرویی نمی‌تواند در برابر آن بایستد.»

منبع: روزنامه کیهان - تاریخ انتشار: ۲۱ آبان ۱۳۹۳ -

۱۹.۱ - موافقت مصلحت آمیز با قطعنامه

سید حسن نصرالله پس از حمله هوایی ارتش اسرائیل به بیروت اعلام کرد اگر اسرائیل بار دیگر به بیروت حمله کند، تل آویو را مورد حمله قرار خواهد داد. تنها راه پیش روی این رژیم فشار بر آمریکا و شورای امنیت برای تصویب قطعنامه بود. شورای امنیت قطعنامه ۱۷۰۱ را تصویب کرد که در آن بر آتش بس فوری و حضور نیروهای حافظ صلح در مرز لبنان تاکید شده بود

حزب الله بنا به مصلحت اعلام کرد در صورت موافقت دولت لبنان با این قطعنامه، آن را خواهد پذیرفت. سرانجام پس از سی و سه روز مقاومت خداوند پیروزی دیگری نصیب حزب الله کرد و نیروهای اسرائیلی با شکستی مفتضحانه خاک لبنان را ترک کردند. دبیر کل حزب الله در نطقی تلویزیونی ضمن تبریک پیروزی عظیم به مردم لبنان، اعلام کرد مرحله بعدی اقدامات حزب الله بازسازی مناطق ویران شده و بازگرداندن آوارگان به وطن خویش است. [۱۸]

۱۹.۲ - پیام مقام معظم رهبری

گزیده‌ای از پیام مقام معظم رهبری خطاب به دبیر کل حزب الله به مناسبت پیروزی در نبرد سی و سه روزه با اشغالگران صهیونیستی: برادر مجاهد و بسیار عزیز جناب آقای سید حسن نصرالله ادام الله عمره و عزه و عافیته. سلام علیکم بما صبرتم. درود بر شما و بر دیگر برادران و بر یکایک مجاهدان حزب الله

آنچه شما با جهاد و مقاومت بی نظیر خود به امت اسلامی هدیه کرده‌اید از حد توصیف این جانب بالاتر است. جهاد دلاورانه و مظلومانه شما که نصرت الهی را به شما ارزانی داشت، بار دیگر ثابت کرد که سلاح‌های مدرن و مرگبار در برابر ایمان و صبر و اخلاص

ناکار آمد هستند و ملتی که ایمان و جهاد دارد، مغلوب سیطره قدرت‌های ستمگر نمی‌شود. پیروزی شما پیروزی اسلام بود. شما توانستید به حول و قوه ی الهی ثابت کنید که برتری نظامی به ابزار و سلاح و هواپیما و ناو و تانک نیست، بلکه به قدرت ایمان و جهاد و فداکاری همراه با عقل و تدبیر است

شما برتری نظامی خود را بر رژیم صهیونیستی تحمیل و تفوق معنوی خود را در ابعاد منطقه‌ای و جهانی تثبیت کردید. افسانه ی شکست ناپذیری و هیبت دروغین ارتش صهیونیست را به مسخره گرفتید و آسیب پذیری رژیم غاصب را به نمایش گذاشتید. شما به ملت‌های عرب عزت بخشیدید و توانایی‌های آنان را که دهها سال به وسیله ی تبلیغات و سیاست‌های استکباری انکار شده بودند در صحنه ی عمل به همه نشان دادید. آنچه اتفاق افتاد حجتی از سوی خداوند بر همه ی دولت‌ها و ملت‌های اسلامی و به ویژه در منطقه خاورمیانه است..

دشمن به غلط پنداشته بود که با حمله به لبنان ضعیف‌ترین حلقه ی کشورهای منطقه را هدف قرار می‌دهد و طرح وهم آلود خاورمیانه دلخواه خود را کلید می‌زند. دشمن یعنی آمریکا و اسرائیل از صبر و هوشمندی و دلاوری ملت لبنان غافل بود از توانایی بازوان ستبر لبنان غافل بود. از سنت الهی «کم من فئة قليلة غلبت فئة كثيرة باذن الله و الله مع الصابرين» غافل بود. ملت لبنان و جوانان دلاور و سیاستمداران هوشمندش با سیلی سخت خود، او را از این غفلت بیرون آوردند

دشمن اکنون در صدد بریدن این بازوی توانا و کار آمد است در صدد ایجاد ائتلاف میان سیاستمداران است. در صدد پاشیدن ویروس بی صبری و تردید در مردم است. همه باید در برابر این



کتاب شهید سید حسن نصرالله\_ ناصر کاوہ





سمپاشی‌ها بیدار باشند. به حول و قوه الهی شما در خنثی کردن توطئه‌های آنان موفق خواهید شد. و پیروزی دومی به دست خواهید آورد. ان شاء الله جهادی که اکنون در این میدان جدید پیش روی شماست مانند جهاد فداکارانه شما در میدان نظامی حائز اهمیت و در آن صبر و توکل و اخلاص و تدبیر تعیین کننده است. به شما و دیگر برادران و دلاوران عرصه جهاد درود می‌فرستم و دست و بازوی همه شما را می‌بوسم. [۱۹] امام خامنه‌ای ۲۵ مرداد ۱۳۸۵.

۲۰ - بوسه بر دستان مقام معظم رهبری

در سال ۱۳۷۹ ش کنفرانس بین المللی فلسطین در تهران برگزار شد. بعد از سخنرانی مقام معظم رهبری، آقای سید حسن نصرالله در برابر چشم همگان و در حالی که مراسم از دهها ایستگاه تلویزیونی به طور زنده در سراسر جهان پخش می‌شد، در وسط سالن جلو آمد و متواضعانه بر دستان مقام معظم رهبری بوسه زد. بعد از آن در مصاحبه‌ای از او دلیل این حرکت را در چنین فضایی پرسیدند، وی با صراحت پاسخ داد

«هدفم این بود که اگر در پی پیروزی بزرگ و آزادی جنوب لبنان و فرار ذلیلانه صهیونیستها مرا به عنوان قهرمان و محبوب‌ترین چهره جهان عرب مطرح کردند به جهانیان نشان بدهم ما هر چه داریم نتیجه پیروی و پیوند با ولی امر مسلمین است.» [۲۰]

۲۱ - روح الله از نگاه نصرالله

«از نظر ما امام خمینی مرجع دینی، امام و رهبر به تمام معنای کلمه می‌باشد. همان گونه که هر رهبر بزرگ دینی در هر کیشی در جهان این گونه است. اما امام برای ما بیش از این است.»

ایشان سمبل و نماد انقلاب علیه طاغوت‌ها، مستکبران و نظام‌های استبدادی است. به طوری که موفق شد روح امید در جان‌های مستضعفان بدمد. ایشان نظریه اراده ملت‌ها در مقابل اراده مستکبران را احیا کرد. بدین ترتیب امام برای ما بیش از یک سمبل دینی مطرح است. نه تنها برای ما بلکه برای همه مستضعفان جهان مطرح است. این رابطه روحی و معنوی بین ما و امام حتی قبل از تجاوز نظامی اسرائیل در سال ۱۹۸۲م نیز وجود داشت. [۲۱]

۲۲ - حزب الله و دبیر کل آن در نظر دوستان

به رغم جفای برخی از شخصیت‌های مذهبی به آرمان و اهداف حزب الله اغلب شخصیت‌های جهان اسلام حزب الله را مورد ستایش قرار می‌دهند. نمونه‌هایی را مرور می‌کنیم. [۲۲][۲۳]

۲۲.۱ - علامه دکتر یوسف قرضاوی

«مقاومت شریف‌ترین پدیده در امت اسلامی است. چه در فلسطین چه در لبنان. شیعه بودن مقاومت لبنان به این مسئله اشکالی وارد نمی‌کند. شیعیان بخشی از امت اسلامی هستند.»

۲۲.۲ - علی جمعه (مفتی مصر): «مقاومت حزب الله در برابر دشمنی اسرائیل، دفاع از لبنان است. این مقاومت ترورسیم نیست.»

۲۲.۳ - محمد مهدی عاکف

(رهبر اخوان المسلمین): «ما از تحریک کنندگان به ایجاد فتنه و دعوت کنندگان به تنها گذاردن مقاومت می‌پرسیم و به آنان می‌گوییم. شما چه کار کرده‌اید؟ چگونه با انجام این کوتاهی



با ملت‌های خود روبرو می‌شوید؟ ملت‌ها می‌فهمند و درک می‌کنند که اگر همراه مقاومت نباشند در کنار دشمن صهیونیسم و آمریکایی هستند.»

۲۲.۴ - عکرمه صبری

(رئیس هیئت اعلاى اسلامى و رئیس هیئت علمای فلسطین): «مقاومت لبنان توانایی خود را اثبات کرد. زیرا بر مبنای ایمان حرکت می‌کند. حزب الله لبنان ترس را در ملت اسرائیل نفوذ داده بسیاری از مردم اسرائیل در پناهگاه‌ها زندگی می‌کنند. ما امیدواریم خداوند مقاومت لبنان و فلسطین را عزت ببخشد.»

۲۲.۵ - حجت الاسلام و المسلمین محمد حسن رحیمیان

(نماینده ولی فقیه در بنیاد شهید): «سید حسن نصرالله و تمام عناصر حزب الله پیوسته خود را مقلد و شاگرد حضرت امام رحمة الله علیه و مقام معظم رهبری دانسته‌اند و قوام و دوام و پیروزی‌های خودشان را مرهون ولایت فقیه که پر تویی از ولایت مطلقه امیرالمؤمنین و امام زمان عجل الله فرجه الشریف است، می‌دانند.»

۲۲.۶ - دکتر حسین دهقان

(رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران): «قابلیت ذهنی بسیار بالا، قدرت تجزیه و تحلیل بسیار شاخص و نبوغ در تمام زمینه‌ها از سید حسن نصرالله شخصیت جامعی ساخت و آن چه امروز شاهد آنیم، در اصل درگیری با مسائل و موضوعات لبنان است که از ایشان یک رهبر تمام عیار ساخته است که نه تنها جریان حزب الله یا مقاومت لبنان بلکه مقاومت جهان عرب و بیش از آن جهان

اسلام را در مواجهه با اسرائیل هدایت و رهبری می‌کند.»

۲۲.۷ - مصطفی دیرانی

(ازمسئولان پیشین جنبش امل): «همه اسرائیلی‌ها می‌گویند که اگر دبیر کل حزب الله سخنی بگوید به آن عمل می‌کند. این بیان گر صداقت اوست. شیوه رفتار سید حسن ثابت کرده که او انسان صادقی است و اعتماد مردم و جوانان و رزمندگان مجاهد را کسب کرده است. این رهبر فرزانه اوضاع را خوب می‌سنجد و آن چه را که در توان دارد انجام می‌دهد. مهم تر از همه این که او اراده انجام مسئولیت هایش را دارد.»

۲۲.۸ - حجت الاسلام سید علی اکبر محتشمی پور

(وزیر سابق کشور): «یکی از ویژگی‌های آقای نصرالله که این را هم از انبیاء و مرسلین و اولیای خدا به ارث برده، راستگویی و درستکاری است. چنین انسان‌هایی از هر گونه ظلم و ستمی بی‌زاری می‌جویند و از مظلومان طرفداری می‌کنند. لذا رده‌های پایین جامعه و مستضعفین کاملاً به آنها عشق می‌ورزند و علاقه دارند. دشمن به او احترام می‌گذارد زیرا در رفتارش صداقت دارد و درستی در کردار او موج می‌زند.»

۲۲.۹ - دکتر رفعت سید احمد

(رئیس مرکز پژوهش‌های راهبردی یا فا - قاهره): «تاریخ از سید حسن نصرالله به عنوان نماد عزت و کرامت در جهان یاد خواهد کرد. هر جا که عزت و کرامت در روش یا موضعگیری کسی جلوه گر شود تاریخ از او به عنوان یکی از تاریخ سازان یاد خواهد کرد.»



کتاب شهید سید حسن نصر اللہ\_ ناصر کاوہ

۲۰۱۰ - احمد جبریل

(دبیر کل جبهه خلق برای آزادی فلسطین): «سید حسن نصرالله پس از گذشت شش سال از پیروزی بزرگ آزاد سازی جنوب بار دیگر ثابت کرد که توانسته است از نظر کمی و کیفی و معنوی روحیه فداکاری و ایثار را چنان میان رزمندگان مقاومت اسلامی توانمند کند که فرماندهان و نیروهای دشمن را شگفت زده و آنان را وادار کند تا در برنامه ریزیهای نظامی خود تجدید نظر کنند و در برابر حزب الله سر تسلیم فرود آورند.»

۲۲۰۱۱ - جرج حبش

(دبیر کل پیشین جبهه خلق برای آزادی فلسطین): «به نمایندگی از سوی ملت فلسطین و لبنان و همه ملت‌های آزادیخواه عرب مقاومت دلیرانه و پیروزی غرور آفرین رزمندگان مقاومت اسلامی را به برادر ارجمند و بزرگوار جناب آقای سید حسن نصرالله دبیر کل حزب الله تبریک و تهنیت می‌گوییم.»

۲۲۰۱۲ - سپهد مصطفی طلاس

(وزیر دفاع پیشین سوریه): «وقتی سید حسن با قامتی سربلند و استوار و صدایی رسار قاطع پشت تریبون قرار می‌گیرد و به ایراد سخن می‌پردازد تا خواری و شکست را نفی کند: سرا پا گوش می‌شوم و سخنان دلنشین او را می‌شنوم و به او غبطه می‌خورم و مباحثات می‌کنم. به او می‌نگرم و در خطوط چهره اش اراده‌ای را می‌خوانم که تا آسمان هفتم صعود کرده است و ستاره‌ها را یکی پس از دیگری می‌چیند.»

پی نویس:

۱. نشریه شاهد یاران، ش ۱۱، ص ۸.
۲. نشریه شاهد یاران، ش ۱۱، ص ۹.
۳. علی حجتی کرمانی، ص ۲۷.
۴. مسیح لبنان، زندگینامه سید حسن نصرالله، ص ۹.
۵. عزت شیعه، محسن کمالیان و علی اکبر رنجبر کرمانی، ج ۲، ص ۵۸۴.
۶. عزت شیعه، محسن کمالیان و علی اکبر رنجبر کرمانی، ج ۲، ص ۵۸۴.
۷. مسیح لبنان، ص ۹-۱۱.
۸. گلشن ابرار، ج ۵، ص ۴۹۴.
۹. یک لبنان مقاومت یک اسرائیل ادعا، حامد حجازی، ص ۹۳.
۱۰. صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۳۳۸.
۱۱. جنبش حزب الله لبنان گذشته و حال، مسعود اسداللهی، ص ۱۸۱.
۱۲. جنبش حزب الله لبنان گذشته و حال، مسعود اسداللهی، ص ۱۷۴-۱۷۴.
۱۳. نشریه شاهد یاران، ص ۳۴-۳۵.
۱۴. گلشن ابرار، ج ۵، ص ۴۹۰-۵۱۲.
۱۵. شاهد یاران، ش ۱۱، ص ۱۱.
۱۶. شاهد یاران، ش ۱۱، ص ۱۱.
۱۷. حزب الله لبنان، خط مشی، گذشته و آینده آن، ص ۱۷۰-۱۷۱.
۱۸. ۳۳ روز مقاومت پیروز روزنامه جمهوری اسلامی، شهریور ۱۳۸۵.
۱۹. شاهد یاران، ص ۴.
۲۰. شاهد یاران، ص ۲۴.
۲۱. جنبش حزب الله لبنان گذشته و حال، ص ۱۷۵.
۲۲. ماهنامه سوره، ش ۲۷.
۲۳. ماهنامه شاهد یاران، ش ۱۱.
۲۴. سایت فرهیختگان تمدن شیعه، برگرفته از مقاله «سید حسن نصرالله»

حزب الله یک اتاق عملیات داشت در قلب  
ضاحیه بیروت، همه مسئولین اداره جنگ در آن  
اتاق بودند. حسن نصرالله هم داخل اتاق بود.  
ساختمان های اطراف را که زدند با عماد مغنیه  
نصرالله را بیرون آوردیم. من لباس نظامی ام  
را درآوردم لباس شخصی پوشیدم. اسرائیل را  
گول زدیم... روایت مهم و کمتر دیده از سردار  
شهید قاسم سلیمانی درمورد نحوه نجات شهید  
سیدحسن نصرالله در جنگ ۲۰۰۶

سید حسن نصرالله

کتاب شهید سید حسن نصرالله در کاوه

گفتاری از سردار شهید حسین همدانی درباره تحولات سوریه  
تلاش ناکام شرکتهای تجاری همکار با ایالات متحده برای یافتن  
راهی در مورد مهار موشکهای حزب الله، آسب پذیری اسرائیل  
از جنگ در داخل سرزمینهای اشغالی، آواره شدن نیم میلیون  
صهیونیست و استفاده دائمی یک میلیون نفر از پناهگاهها در طول  
جنگ که پس از تشکیل این رژیم بی سابقه بود، پرتاب روزانه  
۱۵۰ موشک از سوی حزب الله به فلسطین اشغالی و پوشش منطقه  
۲ میلیون نفری آن بالغ بر یک سوم اسرائیل، ضرر یک میلیارد و  
ششصد میلیون دلاری هفتگی برای تعطیلی صنایع اسرائیل، عدم  
توانایی ارتش اسرائیل در گشودن جبهه جنگ جدید با سوریه یا  
فلسطین علیرغم امکان استفاده از زمینهای استراتژیک شبعاً برای  
دور زدن حزب الله و همچنین درخواستهای مکرر آمریکا، عدم  
توفیق اسزائیل بر بسیج مردم و گروههای لبنانی بر ضد حزب  
الله در خلال جنگ، سردرگمی مقامات ارتش اسرائیل در تصمیم  
گیری در خصوص نحوه پیشروی در جنوب لبنان پس از مواجهه با  
مقاومت حزب الله، دستور گشترش عملیات نظامی توسط اوپلرت  
پس از تصویب قطعنامه شورای امنیت برای آتش بس، شکست  
اعتماد به نفس کاذب اسرائیلیها و پایان افسانه شکست ناپذیری  
ارتش آن، الگو شدن جنگ چریکی برای سایر گروههای متخاصم  
با اسرائیل به خاطر موفقیت آن در عمل، در قسمت سوم مستند  
سومین ویرانی بررسی شد. سردار شهید حسین همدانی از فرماندهان  
نظامی ایران بود که به عنوان مستشار و به دعوت دولت سوریه  
در آن کشور حضور یافته بود. وی پس از گذشت سه سال و ۹ ماه  
از آغاز ماموریتش در نهایت در تاریخ ۱۶ مهر ماه سال جاری در  
حومه حلب به شهادت رسید

سیاست‌های کلان محور مقاومت زیر نظر سیدحسن نصرالله  
... از آنجا که حضرت آقا فرموده بودند تا سیاست‌های کلان محور  
مقاومت و سوریه زیر نظر سیدحسن نصرالله باشد. لذا ایشان طبق  
فرمایشات حضرت آقا کلیه‌ی امور مربوط به سوریه را مدیریت  
می‌کرد. بر همین اساس حاج قاسم گفتند: این نقشه‌ی راه را برید  
و به سیدحسن نشان بدهید و اگر موافق بودند، کار را شروع کنید.  
ما هم رفتیم و این سند راهبردی را به ایشان دادیم و قرار شد  
ایشان یک هفته مطالعه کند و بعد جواب را بدهد. بعد از یک  
هفته به ما پیغام دادند که بیاید. ما هم از دمشق به بیروت  
رفتیم. به حضور سیدحسن نصرالله رسیدیم. نماز مغرب و عشا را  
با ایشان خواندیم و بعد از نماز جلسه شروع شد. ایشان از بنده  
خواستند تا درباره‌ی طرح، توضیحاتی بدهم. من هم درباره‌ی این  
سند مدتی صحبت کردم. بعد از من، ایشان هم صحبتی کردند و  
درباره‌ی طرح سوالاتی پرسیدند. این جلسه که بعد از نماز مغرب  
و عشا شروع شده بود، تا نماز صبح به طول انجامید و به جز  
نیم ساعت که برای غذا خوردن متوقف شد، یکسره ادامه پیدا  
کرد و برای نماز صبح پایان یافت. در آن موقع بیش از ۷۵ درصد  
کشور سوریه در اشغال مسلح بود و ۲۵ درصد از آن دست حکومت  
مرکزی مانده بود. وضعیت بسیار خطرناک بود و اصلاً کار سوریه  
تقریباً تمام شده بود. سیدحسن گفت: مهمترین اقدام راهبردی بیرون  
کشیدن سوریه از باتلاق است  
ایشان در پایان جلسه به ما گفتند: بسیار طرح خوبی است اما در  
حوزه‌ی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی نیازی به کار نیست و این طور  
برای ما مثال زدند: الان بشار و حاکمیت حزب بعث و دولتمردان  
نظام سوریه تا گردن در باتلاق غرق شده‌اند و چیزی نمانده است

فان حزب الله هم الغالبون



1959 - 2024

الشهيد المجاهد القائد

الحاج محمد عفيف النابلسي

كتاب شهيد سيد حسن نصر الله - ناصر كاوه

مكتبة

# حزب الله هو حقا طرسية

حزب الله حقا شجوي طيبه استه. حبه الله و بهر فرمان و شهيد آن ، عصارى فضائل تاريخي و هويتى لبنانند .

تمام مطبوعه





تا این‌ها از بین بروند، حالا در این شرایط شما می‌خواهید بروید کار فرهنگی بکنید؟ برای این‌ها کلاس بگذارید؟ از معنویت بگویید؟ الان اصلا موقعیت برای کار فرهنگی مناسب نیست. این‌ها دارند غرق می‌شوند. از نظر اقتصادی شما می‌خواهید برای این‌ها کت و شلوار بدوزید؟ می‌خواهید غذا بدهید؟ این‌ها غذا نمی‌خواهند، دارند غرق می‌شوند و از بین می‌روند. از نظر سیاسی می‌خواهید بحث کنید که ساختار حکومت را درست کنند. همه چیز دارد از دست می‌رود. این ۳ ماموریت در این ۵ حوزه از سند راهبردی را کنار بگذارید. فقط بحث نظامی و امنیتی در اولویت است. ابتدا باید بشار و حاکمیت سوریه را از این باتلاق بیرون آوریم. بعد به نظافت آنان می‌پردازیم و کت و شلوار تنشان می‌کنیم. غذا بهشان می‌دهیم، درسشان را می‌خوانند و عبادت می‌کنند. الان بیرون کشیدنشان از این باتلاق اولین و مهم‌ترین اقدام راهبردی شما است. خب! خیلی حرف بجایی بود. بعد از آن به ما گفتند: بروید و این قمست را اصلاح کنید و بازگردید

یک هفته به طول انجامید تا سند اصلاح شود. آن سه اقدام راهبردی مورد تذکر سیدحسین را کنار گذاشتیم و فقط در حوزه امنیتی و نظامی برنامه را تهیه کردیم. دوباره طی جلسه‌ای سند راهبردی اصلاح شده را خدمت ایشان بردیم. ایشان هم بعد از چندین ساعت بحث و بررسی موافقت خود را با این طرح اعلام کردند و گفتند: دولتمردان سوریه درک اهمیت این نقشه‌ی راه را ندارند، الان هم که به شدت درگیر بحران شده‌اند. اگر شما همه‌ی سند با اقدامات موجود در آن را یکجا به آن‌ها بدهید، آن‌ها هم آن را بایگانی می‌کنند. بهتر است در چند مرحله و در هر مرحله بخشی از این اقدام‌ها را در اختیارشان بگذارید. در سوریه، چون

همه‌ی ارتش از پادگان‌ها بیرون آمده و در شهرها درگیر بودند، سربازان اهل تسنن مانده در پادگان هم، پادگان را رها کرده و رفته بودند. البته نه اینکه به مسلحین وصل شوند، رفته بودند در روستاها و شهرهای خودشان. چون احساس می‌کردند در این درگیری‌ها بی‌خودی کشته می‌شوند. ارتش هم هرچه توان داشت وارد صحنه کرده بود و به نیروی کمکی نیاز داشت. مثل کشور ما هم نبود که پلیس و سپاه داشته باشد

سوری‌ها در ابتدا با ۳ دلیل با تشکیل بسیج مخالفت کردند زمانی که این آشفتگی را در ارتش سوریه مشاهده کردیم، یکی از اقدام‌های راهبردی ما مشارکت دادن مردم برای کمک به ارتش، جهت عبور از بحران بود. مسئولین سوری پرسیدند که معنی این اقدام چیست؟ گفتیم: یعنی تشکیل بسیج مردمی و برایشان توضیح دادیم. آن‌ها هم با سه دلیل با این اقدام مخالفت کردند اول، گفتند: ما ارتش خودمان را نمی‌توانیم پشتیبانی کنیم، شما می‌خواهید یک ارتش دیگر برای ما درست کنید؟ نه، ما با این طرح مخالفیم

دوم، شما می‌خواهید به جوانان اسلحه بدهید؟ این که برای ما خطر دارد! این‌ها می‌آیند با ما می‌جنگند. به مردم که نمی‌شود اعتماد کرد

سوم، اینکه مردم غلط کرده‌اند می‌خواهند ارتش تشکیل بدهند. آنان باید جوانانشان را جهت سربازی در اختیار ما قرار دهند. کلا با این اشکال‌های اساسی که گرفتند، با طرح مخالفت کردند.



هر هفته ۶۰۰ جوان سوری جذب بسیج سوریه می‌شدند

با خود آقای بشار صحبت کردیم و قرار شد ما جوانان را آموزش بدهیم و هر موقع نیاز شد ارتش از این‌ها استفاده کند. ارتش سوریه نیز دیگر توان آموزش نداشت و درگیر جنگ شده بود. ما جوانان را جذب و آموزش دادیم. هر هفته حدود ۶۰۰ نفر از این جوانان جذب می‌شدند. دوره‌ی آموزشی آنان نیز ۱۲ روزه بود

مسمویت با جیوه وزیر دفاع و اعضای شورای امنیت ملی توسط آشپز وزارتخانه

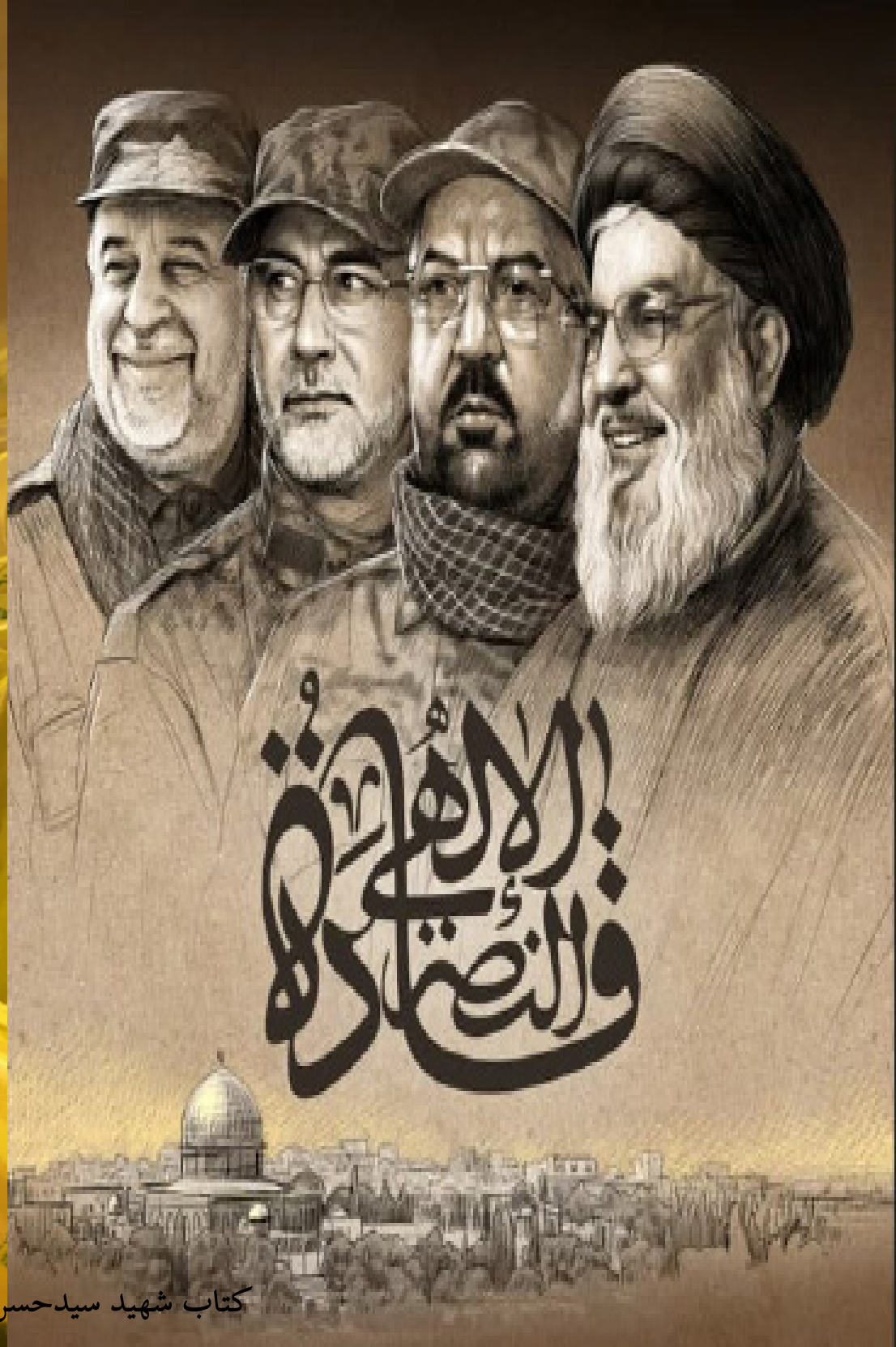
در آن وضعیت بحرانی، شورای امنیت سوریه مدام تشکیل جلسه می‌داد. یک فردی که حدود ۲۰ سال آشپز وزارت دفاع بود و برای وزیر دفاع، اعضای شورای عالی امنیت و فرماندهان ستاد ارتش سوریه غذا می‌پخت، توسط مخالفین با دریافت مبلغ زیادی پول جذب می‌شود، آن‌ها موادی به نام جیوه در اختیار او قرار می‌دهند تا در غذای این اشخاص بریزد. جیوه ضمن اینکه وارد خون می‌شود، داخل سلول‌های بدن نیز نفوذ می‌کند. نهایتاً برخی از اعضای این شورا با خوردن غذای آلوده، به شدت مسموم می‌شوند. آن آشپز هم به محض سرو این غذا به بهانه‌ی کاری از ساختمان ستاد ارتش خارج شده و توسط مخالفین مسلح به کشور اردن برده و پناهنده شده. در این عملیات تروریستی وزیر دفاع، تعدادی از اعضای شورای عالی امنیت و وزیر کشور مسموم شدند. درمان اولیه روی آن‌ها انجام شد اما جواب نداد. خونشان را هم عوض کردند اما باز بهبودی حاصل نشد. چون جیوه داخل سلول‌های آن‌ها رفته بود. نهایتاً یک تیم پزشکی از بیمارستان بقیه الله اعظم (عج) ایران به سوریه آمدند و پزشکان بسیار

مجبرب ما توانستند این مسمومین را تحت درمان قرار بدهند و از مرگ حتمی نجات دهند

آخرین پیشنهادم به بشار که سوریه را از سقوط حتمی نجات داد اسفند ۹۱ تروریست‌ها کاملاً به نقطه پیروزی نزدیک شده بودند. آن‌ها با حمایت همه جانبه عربستان، قطر، امارات و کشورهای غربی توانستند حلقه محاصره را تنگ‌تر و به کاخ ریاست جمهوری سوریه در دمشق نزدیک شوند. طوری که عنقریب کاخ را به اشغال خود درآورند. آن شب وضعیت بسیار بغرنجی پیش آمده بود. البته خانواده‌ها را فرستاده بودیم به جاهای امن. بشار اسد هم کار را تمام شده می‌دانست و دنبال رفتن به یک کشور دیگر بود

آخرین پیشنهاد آن شب به بشار اسد داده شد. گفتم: حالا که همه چیز تمام شده و کاخ ریاست جمهوری در آستانه‌ی سقوط می‌باشد، شما باید این آخرین پیشنهاد ما را عملی کنید. چه کنیم؟ گفتم: در اسلحه خانه‌ها را باز کنید و مردم را با اسلحه‌های موجود در آن مسلح کنید تا خود مردم جلوی این تروریست‌ها را بگیرند با این پیشنهاد موافقت کردند و همان شب با این اقدام سوریه از سقوط حتمی نجات پیدا کرده بود و مردم تروریست‌های تکفیری را از اطراف کاخ ریاست جمهوری و بعد هم شهرهای سوریه عقب راندند. همین نیروها، هسته اولیه تشکیلاتی به نام «دفاع وطنی» را شکل دادند که الان در سوریه با تکفیری‌ها می‌جنگند..

کتاب پیغام ماهی‌ها به قلم گلعلی بابایی  
منبع: دفاع پرس



کتاب شهید سید حسن نصرالله ناصر کاوہ

### خاطرات شخصی سیدحسن نصرالله از روزهای جنگ

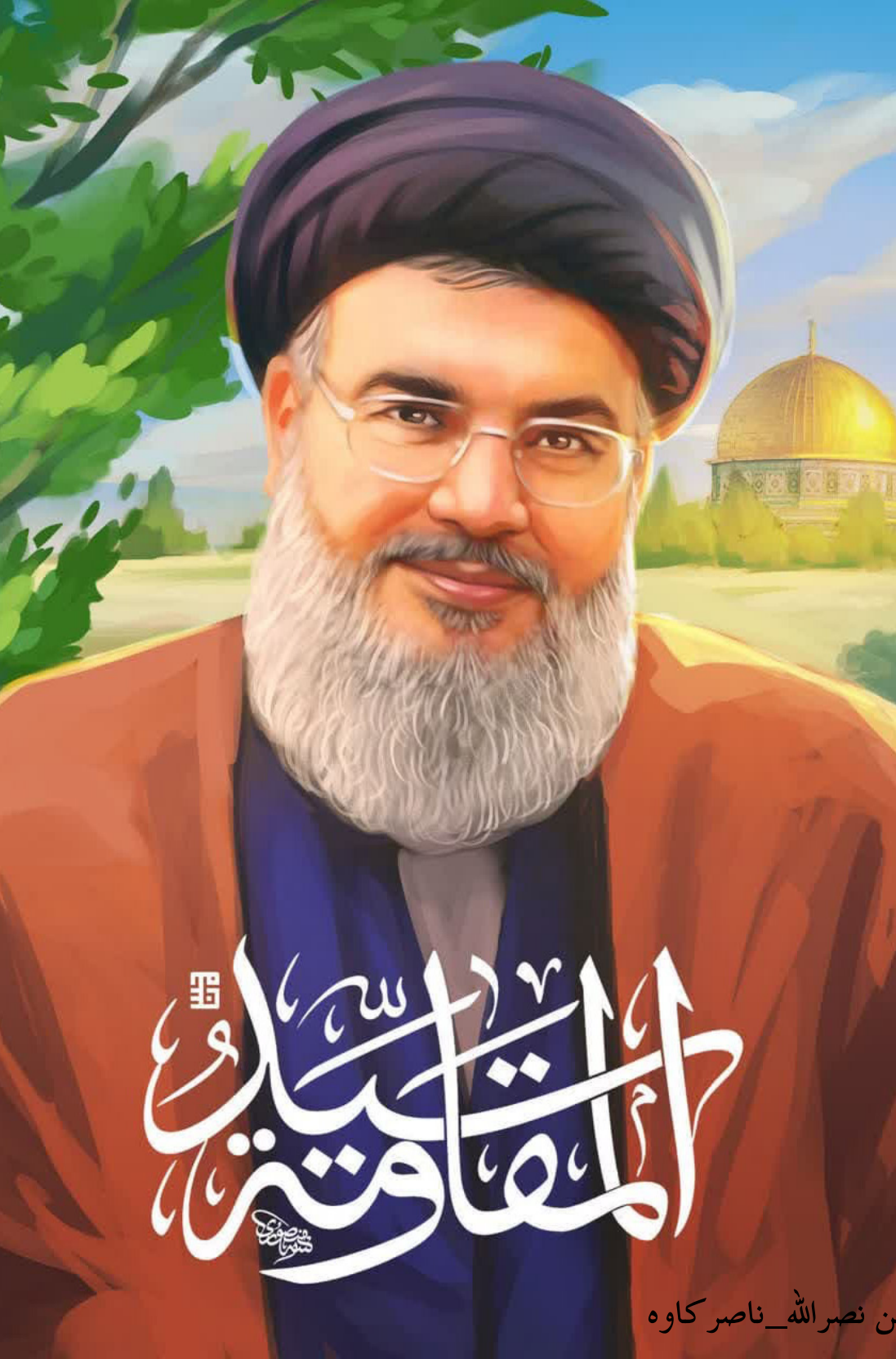
... آمریکایی‌ها با واسطه، انگلیس به طور مستقیم، سفیران این کشورها در بیروت، فرانسویان مستقیم و با واسطه، افراد بسیاری. البته با آمریکایی‌ها رابطه‌ی مستقیم وجود ندارد. بنده به یاد دارم پس از سال ۲۰۰۰ در یکی از مصاحبه‌ها شاید با خود شما بود که دیک چنی یک نفر لبنانی با تابعیت آمریکایی را فرستاد و در پوشش خبرنگار درخواست دیدار با بنده را کرد ولی بعد مشخص شد فرستاده‌ی دیک چنی بوده. بعد از سال ۲۰۰۰ و مشخصا پس از حوادث ۱۱ سپتامبر بود. پیشنهاد مفصلی را ارائه داد که میلیاردها دلار به شما پول می‌دهیم، از لیست سازمان‌های تروریستی خارج تان می‌کنیم، اجازه می‌دهیم وارد دولت شوید (چون ما خیلی وقت بود که وتو می‌شدیم)، درهای جهان را روی شما باز می‌کنیم ویزا بگیرید بروید و بیایید، روابط بین المللی برقرار کنید، جهان شما را به رسمیت خواهد شناخت، سلاحتان در اختیارتان باقی خواهد ماند، اسیران باقی‌مانده‌تان را آزاد می‌کنیم (آن وقت شیخ عبدالکریم، حاج ابو علی و بچه‌ها هنوز اسیر بودند). سلاح هم می‌ماند به شرطی که تو (یعنی این بنده‌ی فقیر) - نمی‌خواهیم علنی یا حتی کتبی باشد فقط پشت درهای بسته به صورت (شفاهی) تعهد بدهی و همه‌ی این امتیازات را به شما می‌دهیم. ما رد کردیم. نمی‌توانیم به آمریکایی‌ها، غرب و هیچ کس دیگر چنین تعهدی بدهیم. چون این سلاح دیگر چه ارزشی دارد اگر در خدمت قضیه و برای دفاع از کشور نباشد؟ بلافاصله. آن فرد گفت بنده می‌دانم شما شورای مرکزی و رهبری جمعی دارید. حد اقل نمی‌خواهی از برادرانت بپرسی؟! بنده به او گفتم این مسئله اصولا روح، ماهیت و ریشه‌ی حزب الله است. از مسائلی نیست که روی



پدرم عنایت خاصی به حضرت رقیه (س) داشتند، ایشان در زمان حضورشان در سوریه مجاهدت‌های بزرگی انجام دادند، به همین دلیل در ملاقاتی که با سیدحسن نصرالله داشتند دبیر کل حزب‌الله لبنان پرچم حرم حضرت رقیه (س) را به پدرم هدیه داد و امروز این پرچم زینت‌بخش خانه ما است...

راوی : وهب همدانی فرزند شهید حسین همدانی  
در گفت‌وگوی با خبرگزاری تسنیم





آن‌ها بحث داشته باشیم. ما وقتی سال ۱۹۸۲ این راه را انتخاب کردیم روی این مسئله اجماع کردیم، به این راه آمدیم، برگزیدگان را تقدیم آستان شهادت کردیم و ملت عزیز لبنان، خانواده، برادران و خواهران فداکاری‌های بسیاری انجام داده‌اند. در نتیجه این مسئله قابل بحث نیست.

تلاش‌های زیادی صورت گرفت. الآن می‌خواهم همه‌ی وقت را به این مسئله اختصاص دهم. ولی بنده در ابتدا به شما تأکید می‌کنم مشکل اصلی در مورد ما این است که ما یک گروه مقاومت هستیم و اصرار داریم مقاومت بمانیم

اگر همین لحظه بنده با اروپاییان تماس بگیرم یا به صورت غیر مستقیم با آمریکایی‌ها ارتباط بگیرم و بگویم ما تعهد می‌دهیم اعمال اسرائیل به ما ربطی ندارد، می‌تواند هر کار می‌خواهد بکند و ما از این معادله بیرون هستیم. آن وقت همه چیز تغییر می‌کند. دیگر آن وقت خواستار خلع سلاح ما نخواهند بود. بر عکس، آن‌ها می‌خواهند همه‌ی کشورهای عربی مسلح شوند، البته برای جنگ داخلی. آنان با اصل وجود سلاح مشکلی ندارند با جهت اسلحه مشکل دارند! و [خواهید دید] به امتیازات سیاسی و دنیایی شگرفی دست خواهیم یافت و دیگران در لبنان اندازه‌ی واقعی‌شان نزد سروران‌شان را خواهند دید. ولی این قضیه برای ما از جنس ایمان، پابندی و اعتقاد است

سخنرانی حجت‌الاسلام والمسلمین سیدحسن نصرالله در مصاحبه با غسان بن جدو در شبکه‌ی المیادین در آخرین قسمت از برنامه‌ی قوز قصه‌هـ



## سخنرانی سید حسن نصرالله در مراسم نوآوری و اجتهاد از دیدگاه آیت الله خامنه‌ای

این افتخار را دارم که کنفرانس شما را افتتاح کنم. کنفرانسی که آن را گامی ویژه که در این زمینه اول بار است صورت می‌گیرد، می‌دانم. چرا که این اولین باری است که کنفرانسی فکری و علمی خارج از ایران از چند منظر به اندیشه و شخصیت حضرت امام خامنه‌ای دام ظلّه می‌پردازد. هم‌چنین در ابتدا از تمام دست‌اندرکاران و حاضرین، مؤسسان، سازمان‌دهندگان، حضار و شرکت‌کنندگان در این جلسه، جلسه‌ی افتتاح، و کارگاه‌ها بسیار تشکر می‌کنم. و مخصوصاً از برادران و خواهرانی که رنج سفر را پذیرفتند و از خارج لبنان به این جلسه تشریف آوردند

شناخت شخصی و مستقیم و نزدیک بنده از امام خامنه‌ای به سال ۱۹۸۶ باز می‌گردد، سالی که دیدارهای متعدد و فشرده‌ای برای بنده فراهم شد و باعث شد تا با افکار، آراء، مبانی، طرز تفکر و تحلیل وقایع، روش رهبری و حکومت و تصمیم‌گیری و شاخصه‌های اخلاقی دل‌پذیر ایشان که با تواضع، نرم‌خویی، مهربانی، صبر، سعه‌ی صدر، زهد و ساده‌زیستی و... همراه بود، بیشتر آشنا شوم

بنده اکثر کتاب‌های ایشان را خوانده‌ام و می‌توانم ادعا کنم قریب به اتفاق نگاشته‌ها، گفت‌گوها و بیانات ایشان را از هنگام رحلت امام خمینی قدس سره الشریف تا کنون دنبال کرده‌ام. این‌ها را می‌گویم تا شهادتی بدهم. هم‌چنین حجم وسیعی از دروس فقهی ضبط شده‌ی ایشان، در چند باب از فقه، را گوش کرده‌ام. و پس از اطلاع از شهادت تعداد پر شماری از کسانی که ایشان را از

نزدیک می‌شناسند، حال یا فقها، متفکران، سران یا نخبگان سیاسی و فرهنگی و پس از کنکاش در سیره‌ی شخصی، علمی، فکری، جهادی و سیاسی ایشان، می‌توانم با اطمینان کامل بگویم: ما در برابر امامی هستیم در رهبری و حسن حکومت، در تقوا و زهد، در فقه و اجتهاد، در تفکر و تفکیک ساحات و نوآوری، عظیم الشان. ما در برابر امامی هستیم که نگاهی همه‌جانبه، عمیق، مستحکم و استوار دارد. نگاهی که بر مبانی زیر بنا نهاده شده  
اول: مبانی اصیل فکری و علمی.

دوم: شناخت نیازهای معاصر و مشکلات موجود.

سوم: شناخت ظرفیت‌های انسانی و مادی موجود در امت.

چهار: شناخت راه‌های مناسب و تنیده در اصول و مبانی اسلام.

به واسطه‌ی این نگاه همه‌جانبه است که می‌بینیم ایشان در تمام رخدادها، تحولات و موضوعات، روشن و عمیق وارد می‌شود. از هر زاویه‌ای و با هر تخصص و روی‌کردی که با ایشان برخورد داشته باشید، خود را در برابر رهبری خواهید یافت که موضوع را حتی با جزئیات می‌شناسد و مانند یک متخصص در این باره صحبت می‌کند، و مدام مسائلی جدید و در عین حال کاملاً مرتبط با آن زمینه طرح می‌نماید

برای مثال برخی از این زمینه‌ها را که از طریق پی‌گیری رسانه‌ای دیدارهای سید القائد دست‌گیرم شده نام می‌برم

- علما و اساتید حوزه‌های عملیه: وقتی با علما و اساتید و طلاب حوزه‌های علمیه دیدار می‌کند، هم‌چون یک فرد آگاه حوزوی از راه و روش تدریس، الگوهای تحول، حفظ اصالت و نقاط مثبت تقلید و روش تحصیل سنتی و [در عین حال] تطبیق با شرایط روز سخن می‌گوید



اساسی که او در لبنان پایه‌گذاری کرد  
و به دیگر مراکز مقاومت، جهت بخشید.  
با فقدان او نه تنها از میان نخواهد رفت، که به بکت خون  
او دیگر شهیدان این حادثه استحکام بیشتر خواهد یافت.

کتاب شهید سید حسن نصرالله\_ ناصر کاوه



- متفکران، فرهنگیان و اساتید دانش‌گاه و دانش‌جویان آن: مانند یک استاد آگاه، مطلع و چندبعدی دانش‌گاه از روش تدریس در دانش‌گاه‌ها و مشکلات و افق‌های پیش روی آن سخن می‌گوید

- فعالیت‌های زنان: در این دیدارها نگاه خود را پیرامون زن و منزلت، نقش و مسئولیتش در چالش‌های معاصر ارائه می‌کند

- اهالی اقتصاد و بنگاه‌های اقتصادی: در زمینه‌ی اقتصاد نگاه خود را بیان می‌کند و هم‌چنین سیاست‌هایی اقتصادی را که نظام اسلامی را به التزام به آن‌ها فرا می‌خواند

- مدیران و معلمان مدارس، پزشکان، مهندسان و کشاورزان: چندی پیش ایشان دیداری با صنعت‌گران داشت و سخنانی طولانی در این باره ایراد کرد

- با اهالی سینما: از فیلم، فیلم‌سازی، اهداف، تحول و پیشرفت آن سخن می‌گوید

- با هنرمندان: سخنانی در زمینه‌ی شعر، موسیقی، نقاشی و چاپ.

- با حافظان و قاریان قرآن، مداحان پیام‌بر و اهل بیت ایشان.

- در مسائل روز.

- و هم‌چنین سران سیاسی و حتی در زمینه‌ی نظامی. بنده به صورت اتفاقی در یکی از جلساتی که ایشان در زمینه‌ی نظامی صحبت می‌کرد حاضر بودم و دریافتم ایشان انواع سلاح، استراتژی‌های نظامی و حتی روش‌های جنگ و کاربرد اسلحه را نیز می‌دانند

حقیقت آن است که ما در برابر شخصیتی عظیم و استثنائی هستیم. ولی می‌بینیم بسیاری در این امت از ایشان چیز زیادی نمی‌دانند. و احساس می‌کنیم که این امام و این ره‌بر چه قدر در امت خویش و حتی، با پوزش از برادران ایرانی، در ایران مظلوم و تنها است؛ حتی در جنبه‌ی آشکار و روشن شخصیتش یعنی جنبه‌ی ره‌بری و سیاسی که در قالب ره‌بری بیست و دو ساله‌ی امت تجلی یافته. شما در حقیقت در برابر شخصیتی قرار دارید که، به معنای واقعی کلمه، دشمنان وی را محاصره کرده‌اند و دوستان حقش را ادا نمی‌کنند. دشمنان محاصره‌اش کرده‌اند و مانع رسیدن حقیقت و نور وی به جهان و امت می‌شوند، دوستان هم که حقش را ادا نمی‌کنند

مسئولیت ماست که این امام عظیم را به امت بشناسانیم تا از برکات وجود این‌چنین ره‌بر، فقیه و متفکری بهره‌مند شود. متفکری که به خیر امروز و فردا و دنیا و آخرت امت می‌اندیشد. کسی که در تمام سطوح با چالش‌هایی پنجه در پنجه می‌اندازد که در هیچ یک از دهه‌ها و قرون اخیر سابقه نداشته. این است هدف پر اهمیت و حساس این کنفرانس

در زمان موجود دوست دارم سریعاً شواهدی از جنبه‌ی ره‌بری و سیاسی شخصیت امام ارائه کنم. شواهدی برگرفته از برخوردهای مستقیم و تجربه‌های شخصی بنده از ایشان که دامنه‌ی اشراف، دقت، عمق، صحت تحلیل‌ها و انتظارات و در نتیجه صحت مواضع حکیمانه و شجاعانه‌ای که ایشان در مورد برخی اتفاقات خاورمیانه و به خصوص منطقه‌مان اتخاذ کرده‌اند و می‌کنند را نمایان می‌سازد



## خون عماد

سهیونست های خونخوار و جنایت کار بدانند که خون مطهر شهیدانی همچون عماد مغنیه، سدها عماد مغنیه می آفریند و مقاومت در برابر ظلم و فساد و ظغیان را دوچندان می کند.



کتاب شهید سید حسن نصرالله\_ ناصر کاوه



## حزب الله زنده است

نیروهای مقاومت در منطقه با حزب الله هستند و از آن حمایت می کنند، سرنوشت این منطقه توسط نیروهای مقاومت به رهبری حزب الله رقم خواهد خورد.

مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

بنده تنها بعضی از آن‌ها را نام خواهم برد. در حالی که از این شواهد بسیار [در ذهن] دارم. ولی به واسطه‌ی ضیق وقت و با در نظر داشتن ملاحظات و شرایط سیاسی، تعداد کمی از آن‌ها را بیان خواهم کرد. و تا جایی پیش خواهم رفت که وارد محذوریت‌ها نشوم. هم‌چنین شرایط سیاسی لبنان و منطقه را در نظر خواهم داشت. در حقیقت بنده شواهدی از منطقه برگزیده‌ام که در آن‌ها فقیهی، متفکری اسلامی یا ره‌بری در ایران با دقت و روشنی با اتفاقات منطقه‌مان رو به رو می‌شود. که این بسیار مهم و نشانی از تفاوت است. ما از فردی که در لبنان، سوریه، فلسطین، مصر یا اردن، یعنی در میادین رویارویی مستقیم، زندگی می‌کند، حرف می‌زنیم. اتفاقاتی را هم انتخاب کرده‌ام که یک اشاره‌ام به آن‌ها [برای یادآوری شما] کافی است. و اتفاقاتی است که همگی در دو دهه‌ی پیش در آن‌ها زندگی کرده‌ایم

از کنفرانس مادرید ۱۹۹۱ آغاز می‌کنم. همگی به یاد داریم زمانی را که آمریکا پس از جنگ دوم خلیج فارس آمد و معادلات منطقه و جهان را تغییر داد، بقیه را کنار زد و شد تنها ابرقدرت. [پیام رهبر انقلاب به مناسبت برگزاری کنفرانس مادرید را از اینجا بخوانید] اولین بار بود که گروه‌هایی عربی از تمام حکومت‌های عرب حتی لبنان و سوریه پشت یک میز می‌نشستند. آن زمان نتیجه این شد که معادلات بین‌المللی تغییر کرده و تغییرات بزرگی در جهان و منطقه روی داده. از سوی دیگر دولت آمریکا تصمیمش را برای اجرای آنچه خود صلح عادلانه و فراگیر می‌نامید و ما آن را سازشی تحمیلی می‌خواندیم، اعلام کرد. این اعتقاد در بسیاری پیدا شد و اجماع یا چیزی شبیه اجماع در منطقه‌مان صورت گرفت، که

می‌گفت: سازش به یک قدمی ما رسیده و چاره‌ای جز پذیرش آن نیست. چرا که آمریکایی‌ها سازش را به تک‌تک دولت‌های مرتبط با این مسئله [نهایتاً به روش لازم] تحمیل خواهند کرد. به یاد دارم آن روز امام خامنه‌ای نظری متفاوت با این اجماع یا شبه اجماع داشت. در دیگر شواهدی که از آن‌ها یادخواهم کرد نیز خواهید دید که چنین است

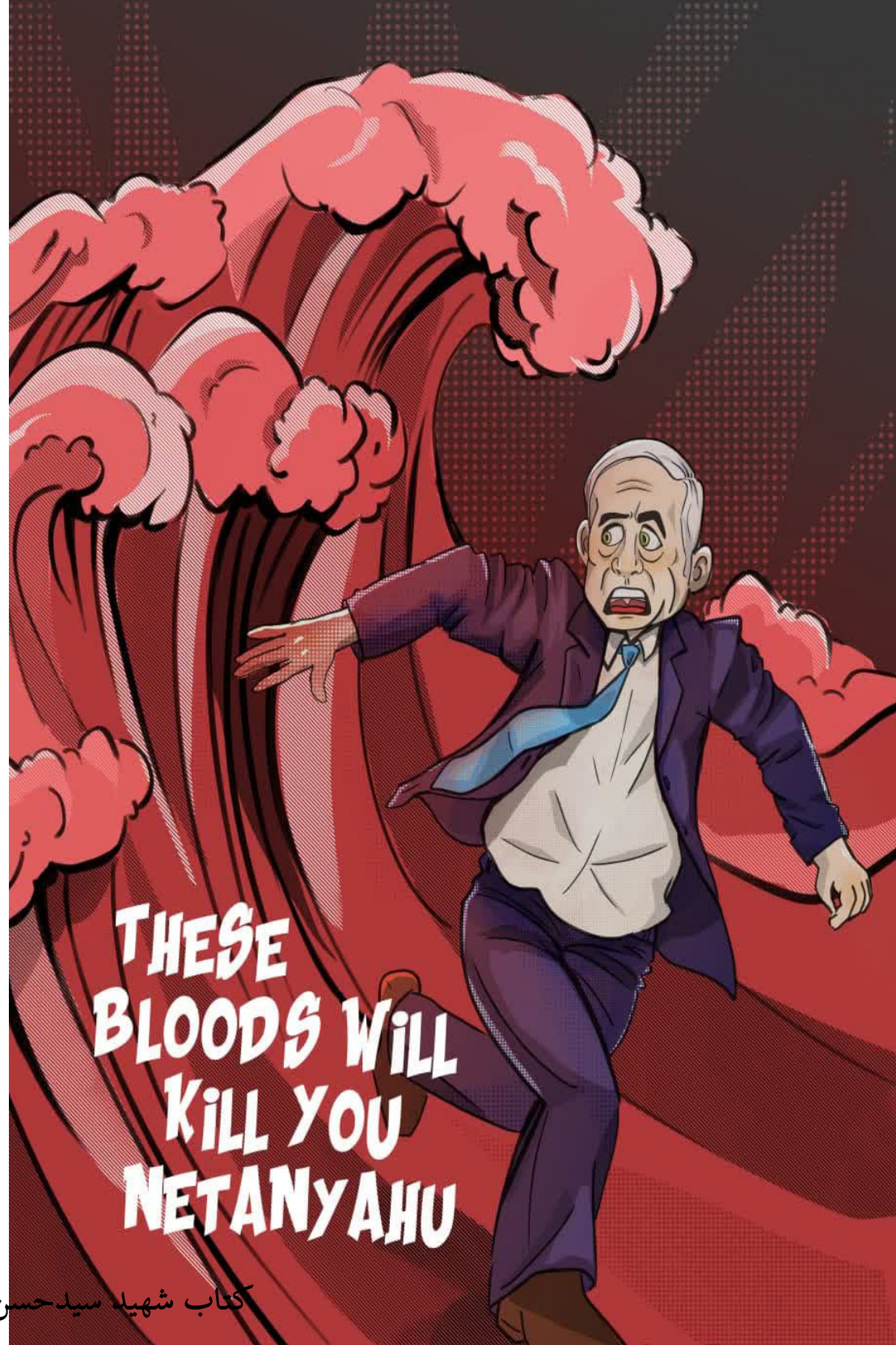
ایشان گفت: این کنفرانس به نتیجه نخواهد رسید و سازشی رخ نخواهد داد. قطعاً آمریکا نمی‌تواند سازشی به دولت‌ها و ملت‌های منطقه تحمیل کند امروز و پس از نزدیک بیست سال، از طرف‌های مذاکره و برخی شخصیت‌هایی که در کنفرانس مادرید حضور داشتند و مذاکرات را ادامه دادند می‌شنویم که از دو دهه ناکامی، هدر دادن وقت، سرگردانی و تباهی سخن می‌گویند که نتیجه‌ی هم‌آن چیزی است که آن را مذاکره می‌نامیدند

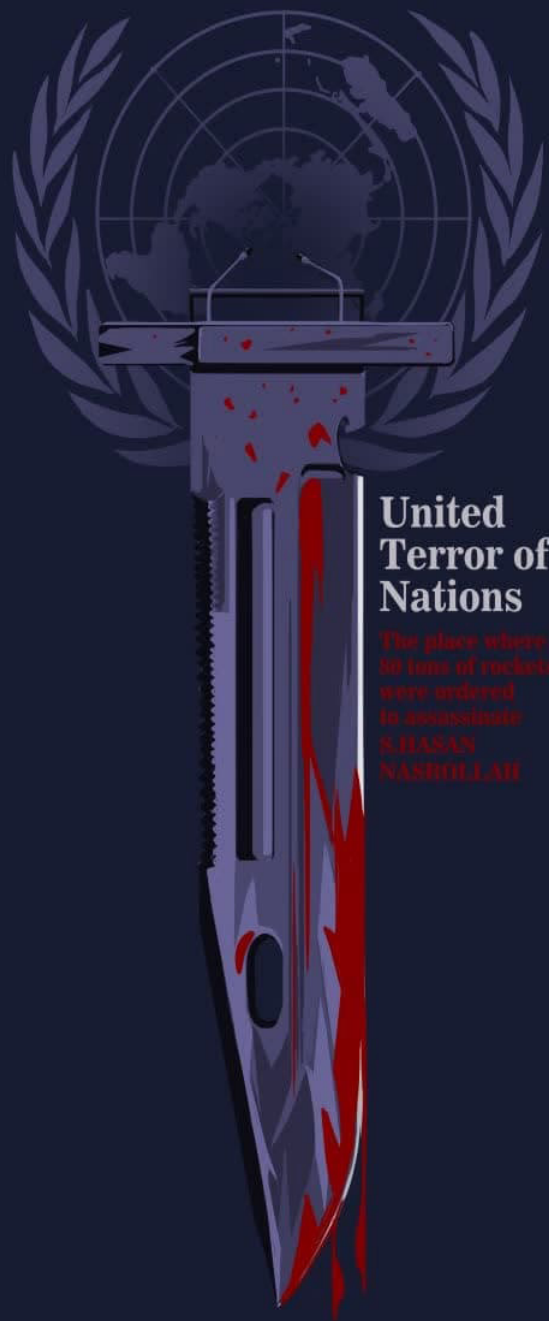
همگی تحول و خلل بزرگی را که در مذاکرات اسرائیل-سوریه در سال ۱۹۹۶ رخ داد، به یاد می‌آورید و آن‌چه «ودیع‌هی رابین» نامیده می‌شد و آمادگی اسحاق رابین را، چنان که می‌گفت، برای عقب نشینی به مرزهای چهار ژوئن ۱۹۶۷ یعنی عقب‌نشینی از منطقه‌ی اشغال‌شده‌ی جولان سوریه تا خط چهار ژوئن ۱۹۶۷. [آن زمان] حالتی در منطقه‌مان، در لبنان، سوریه، فلسطین، اردن، مصر و تمام این مناطق به وجود آمده بوده که همه می‌گفتند: سازش صورت خواهد پذیرفت چرا که در ۱۹۹۳ در پیمان اسلو [برای تشکیل دولت‌های خودگران] زمان‌بندی تعیین شده بود و

فلسطین هم‌چنان در حال مذاکره بود. کار مصر که تمام شده، اردن هم پیمان وادی عربی [=پیمان صلح اسرائیل با اردن] را امضا کرده، حکومت‌های فلسطین هم که پیمان اسلو را بستند و می‌ماند لبنان و سوریه. پذیرش بازگشت به خطوط چهار ژوئن توسط اسرائیل شرط اساسی تحقق سازش میان اسرائیل و سوریه بود. این را خود اسحاق رابین گفته بود. کارها تمام شده بود و آنچه مانده بود تنها مقداری جزئیات بود که می‌شد طی چند مذاکره حل شود

بنده به یاد دارم آن زمان شرایط این بود. هر کس نزد ما می‌آمد -و می‌دانید که مقاومت در سال ۱۹۹۶ رو به رشد بود- می‌گفت خودتان را خسته نکنید، کار تمام شده و دیگر مجالی برای خون‌دادن و شهید دادن، جنگ، فداکاری و نبرد نیست. عده‌ای از ما می‌خواستند کم‌کم کارها را طوری سامان دهیم که گویی سازش صورت پذیرفته است و طبیعتاً می‌گفتند نه تنها در ماهیت‌مان به عنوان حرکتی مقاومتی که حتی در نام، وجهه و سخنانی‌ها و برنامه‌های سیاسی‌مان نیز تجدید نظر کنیم. و با فرض این که همه چیز تمام شده، برای سلاح و تجهیزات فراوان نظامی‌مان در آن دوره، فکری کنیم

طبعاً هر پیش‌بینی اشتباهی در آن دوره، آثار مخربی در پی داشت. چرا که اگر مقاومت به کار خود پایان می‌داد یا افق‌هایش دچار خلل می‌شد از ۱۹۹۶ به بعد دیگر پیروزی رخ نمی‌داد، چیزی نبود که پیروزی سال ۲۰۰۰ را بیافریند. بیرون از این اجماع موجود در لبنان -و بنده به شما می‌گویم این تحلیل بسیاری از مسئولین در ایران در سطوح بالا هم بود- هنگامی که بنده و تعدادی از





## United Terror of Nations

The place where  
50 tons of rockets  
were ordered  
to assassinate  
SHASAN  
NABOLLAH

برادران رفتیم خدمت حضرت امام خامنه‌ای دام ظلّه؛ و این نگاه را شرح دادیم و گفتیم این نگاه در منطقه موجود و مطرح است، حضرت امام خامنه‌ای به وضوح گفتند: «بنده معتقدم این امر محقق نخواهد شد و معتقدم سازشی میان اسرائیل و سوریه و پس از آن لبنان صورت نخواهد گرفت. بنده به شما پیش‌نهاد می‌دهم...» و این از ادب حضرت سید القائد است که همیشه این گونه سخن می‌گویند «...بنده به شما پیش‌نهاد می‌دهم کار و تلاش در راه مقاومت را پی بگیرید بلکه این کار و تلاش را گسترش دهید تا پیروزی صورت پذیرد. هوش و گوش خود را هم با هیچ یک از این فرضیه‌ها، احتمالات و پیش‌نهادات پر نکنید.» طبعاً در آن زمان، این حرفی بود که ما آن را با هر تحلیل، اطلاعات و روش‌های مرسوم در لبنان و منطقه، بی‌گانه می‌یافتیم

بنده به یاد دارم پس از دو یا سه هفته پس از آن دیدار، نه بیشتر، اسحاق رابین در تل‌آویو سخن‌رانی می‌کرد که یک صهیونیست افراطی، که البته همه‌ی آن‌ها افراطی هستند، جلو آمد و بر وی آتش گشود و وی کشته شد و شیمون پرز جای‌گزین او شد

و در حالی که مشخصاً حماس و جهاد اسلامی ضربه‌های بسیار سختی خورده بودند، به گونه‌ای که برخی فکر کردند دیگر مقاومت فلسطین هیچ‌گونه توانی برای اجرای عملیات ندارد، عملیات‌های استشهادی در قدس و تل‌آویو صورت گرفت که، هم‌آن‌طور که به یاد می‌آورید، در آن روزها دژ اسرائیل را لرزاند و پس از آن [نیز] ناآرامی‌های جنوب لبنان پیش آمد. نشست شرم‌الشیخ برگزار شد و سران جهان را در ۱۹۹۶ برای دفاع از اسرائیل و

فلسطین هم‌چنان در حال مذاکره بود. کار مصر که تمام شده، اردن هم پیمان وادی عربی [=پیمان صلح اسرائیل با اردن] را امضا کرده، حکومت‌های فلسطین هم که پیمان اسلو را بستند و می‌ماند لبنان و سوریه. پذیرش بازگشت به خطوط چهار ژوئن توسط اسرائیل شرط اساسی تحقق سازش میان اسرائیل و سوریه بود. این را خود اسحاق رابین گفته بود. کارها تمام شده بود و آن‌چه مانده بود تنها مقداری جزئیات بود که می‌شد طی چند مذاکره حل شود

بنده به یاد دارم آن زمان شرایط این بود. هر کس نزد ما می‌آمد - و می‌دانید که مقاومت در سال ۱۹۹۶ رو به رشد بود - می‌گفت خودتان را خسته نکنید، کار تمام شده و دیگر مجالی برای خون‌دادن و شهید دادن، جنگ، فداکاری و نبرد نیست. عده‌ای از ما می‌خواستند کم‌کم کارها را طوری سامان دهیم که گویی سازش صورت پذیرفته است و طبیعتاً می‌گفتند نه تنها در ماهیت‌مان به عنوان حرکتی مقاومتی که حتی در نام، وجهه و سخنرانی‌ها و برنامه‌های سیاسی‌مان نیز تجدید نظر کنیم. و با فرض این که همه چیز تمام شده، برای سلاح و تجهیزات فراوان نظامی‌مان در آن دوره، فکری کنیم

طبعاً هر پیش‌بینی اشتباهی در آن دوره، آثار مخربی در پی داشت. چرا که اگر مقاومت به کار خود پایان می‌داد یا افق‌هایش دچار خلل می‌شد از ۱۹۹۶ به بعد دیگر پیروزی رخ نمی‌داد، چیزی نبود که پیروزی سال ۲۰۰۰ را بیافریند. بیرون از این اجماع موجود در لبنان - و بنده به شما می‌گویم این تحلیل بسیاری از مسئولین در ایران در سطوح بالا هم بود - هنگامی که بنده و تعدادی از

محکوم ساختن آن‌چه تروریسم نامیده می‌شد، جمع‌آورد. مشخصاً از حماس، حرکت جهاد اسلامی و حزب الله نام برده شد. تهدیدهایی صورت گرفت و تصمیم‌هایی برای تحریم، منع پشتیبانی‌های مالی و فشار بر، به زعم آن‌ها، گروه‌های تروریستی گرفته شد. پس از آن نبرد خوشه‌های خشم در آوریل ۱۹۹۶ صورت گرفت و بعد از آن شیمون پرز در انتخابات شکست خورد و نتیناهو آمد. و برگشتند به نقطه‌ی شروع، خانه‌ی اول. امام خامنه‌ای از کجا به چنین نتیجه و اعتقاد روشن و جازمی رسیده بود؟ آن هم در زمانی که تمام اهالی، تحلیل‌گران و سران سیاسی منطقه اوضاع را در حال حرکت در جهت مخالف می‌دیدند. این شاهد دوم

شاهد سوم. [می‌دانید امروز] سخنان درباره‌ی مقاومت لبنان همیشه حول پیروزی می‌گردد. ولی ایشان پیش از سال ۲۰۰۰ بدون این که به زمان بندی پردازد، از عامل پیروزی صحبت می‌کرد و به ما می‌گفت به واسطه‌ی فهم عقیدتی‌اش از سخن خداوند متعال که «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ» - اگر خداوند را یاری کنید، خداوند هم شما را یاری می‌کند - سوره‌ی مبارکه‌ی محمد آیه‌ی ۷» به پیروزی مقاومت ایمان دارد. و برای اولین بار بنده شنیدم که کسی به ما گفت: «خداوند چرا باید شوخی کند؟ خداوند شوخی نمی‌کند!» به همین سادگی. خداوند با ما جدی صحبت می‌کند و می‌گوید: «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ» این مقاومت خدا را یاری می‌کند و خداوند نیز حتماً آن را یاری خواهد کرد. پس از ۱۹۹۶ می‌گفت اسرائیل مانند کسی است که در باتلاق است. نه می‌تواند پیش بیاید و دوباره در لبنان جولان دهد و نه، به واسطه‌ی خطرات این عقب‌نشینی بدون قید و شرط، می‌تواند به

# با مرگ زندگی می سازیم...

من به کسانی که مقاومت لبنان و فلسطین و همه جنبشهای مقاوم را سرزنش میکنند و میگویند آنها فرهنگی به جز فرهنگ مرگ ندارند، میگویم این ما هستیم که صاحب فرهنگ زیستن و حیاتیم و شما هستید که به جز فرهنگ مرگ فرهنگی ندارید زیرا ملتی که به مقدساتش توهین شود و آرام در جای خود بنشیند ملتی که به نوامیسش اهانت شود و آب از آب تکان نخورد ملتی مرده است؛ حتی اگر بخورد و بیاشامد ما با مرگ زندگی می سازیم و حیات را معنا می بخشیم. (نقل از کتاب زیور مقاومت، دیدگاه های شهید حجت الاسلام سید حسن نصرالله رحمه الله ص ۱۳۹)



اِنَّ اللّٰهَ وَاَنَا الْيَوْمَ بِالْحَجَّةِ



اِنَّ اللّٰهَ وَاَنَا الْيَوْمَ بِالْحَجَّةِ

## راه و مکتب سید مقاومت ادامه خواهد یافت

مجاهد کبیر، پرچمدار مقاومت در منطقه، عالم بافضیلت دینی و رهبر مدبر سیاسی جناب سید حسن نصرالله رحمته الله علیه، به فیض شهادت نائل آمد و به ملکوت پرواز کرد. سید عزیز مقاومت پاداش دهها سال جهاد فی سبیل الله و دشواریهای آن را در خلال یک پیکار مقدس دریافت کرد. فیض شهادت پس از این همه مجاهدت حق مسلم او بود. سید مقاومت، یک شخص نبود، یک راه و یک مکتب بود و این راه همچنان ادامه خواهد یافت. خون شهید سید حسن بر زمین نخواهد ماند.

مقام معظم رهبری رحمته الله علیه

فلسطین عقب‌نشینی کند و نه می‌تواند در جای خود بماند! پس در باتلاق مانده و شدیداً در تنگ‌ناست. باید منتظر باشیم و ببینیم اسرائیل با این وضع چه خواهد کرد. ولی طبیعتاً این مسئله نیاز دارد به ادامه‌ی مقاومت

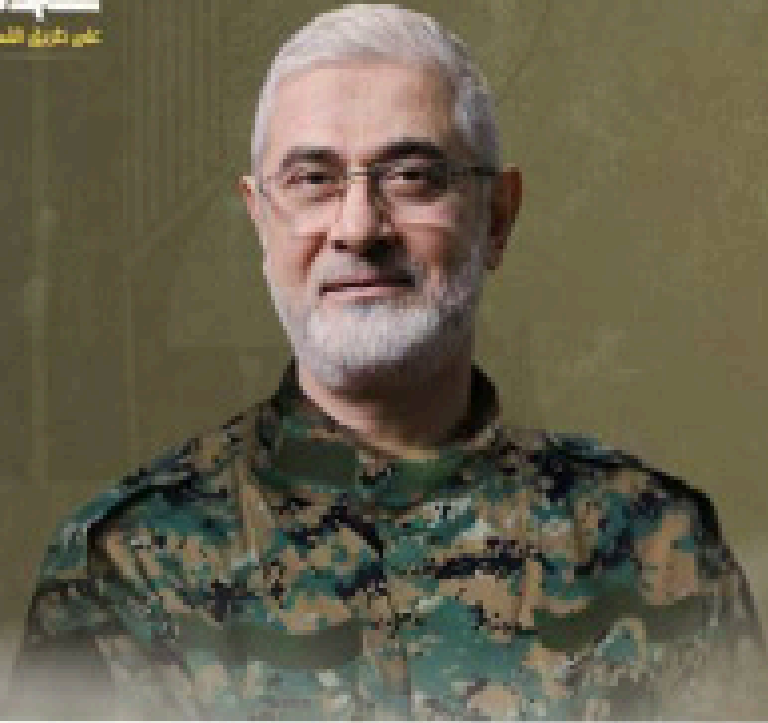
در اواخر سال ۱۹۹۹ در دژ اسرائیل انتخابات نخست‌وزیری صورت گرفت. رقابت میان ایهود باراک و نتیناهو بود، هر دو نیز وعده داده بودند اگر پیروز شوند از لبنان عقب‌نشینی خواهند کرد. ایهود باراک زمان هم مشخص کرده بود و گفته بود ۷ جولای ۲۰۰۰. هفته‌ها و ماه‌ها می‌گذشت. جو حاکم بر لبنان، سوریه و منطقه چه بود؟ این بود که به موعده می‌رسیم و اسرائیل از مرزهای فعلی سرزمین‌های اشغالی عقب‌نشینی نخواهد کرد. باراک از طریق آمریکاییان، اروپاییان و برخی حکومت‌های جهان سعی می‌کرد به برنامه‌ها یا توافقاتی امنیتی با دولت لبنان یا مرحوم حافظ اسد دست پیدا کند که شکست خورد. جو این بود که ارتش اسرائیل عقب‌نشینی نمی‌کند و وقتی هم زمان معین‌شده برسد، برای باراک کاری ندارد زیر قولش بزند و به مردمش بگوید: «من وعده‌ی عقب‌نشینی در ۷ تموز را داده بودم ولی از آن جا که هیچ ضمانت، برنامه یا شروط امنیتی در دست نداریم، عقب‌نشینی خطرناک و به منزله‌ی اشتباهی استراتژیک است و بنده چنین نخواهم کرد.» و بنده از شما پنهان نمی‌کنم که حتی اوضاع ما در حزب الله در سطح سیاسی و جهادی مانند دیگر نیروهای سیاسی کشور و منطقه بود و این گونه به موضوع نگاه می‌کردیم

این‌جا نیز سفری داشتیم به جمهوری اسلامی و دیداری با حضرت امام خامنه‌ای. دیدگاهمان را درباره‌ی اتفاقات و انتظارات را شرح دادیم. ولی حضرت امام خامنه‌ای نظری مخالف و تعجب برانگیز داشتند. ایشان گفتند، برخی برادران هم حضور داشتند، که: «پیروزی شما در لبنان بسیار نزدیک است، بسیار نزدیک‌تر از آن چیزی که انتظارش را دارید و این را با چشم خود خواهید دید.» و این مخالف تمام تحلیل‌ها، اطلاعات، اسناد و مدارک بود. در آن برهه هیچ‌گونه نشانه‌ای از آغاز تدارک اسرائیل برای عقب‌نشینی از جنوب لبنان وجود نداشت. ایشان به برادران گفتند: «به لبنان که بر می‌گردید، خود را برای این پیروزی آماده کنید که سخن‌رانی سیاسی‌تان چه باشد و هنگام عقب‌نشینی دشمن اسرائیلی به مرزها چه کارهایی انجام دهید.»

ما با یک دید رفتیم، با دید دیگری برگشتیم. به همین خاطر بود که از عقب‌نشینی ناگهانی ۲۵ می شگفت‌زده نشدیم. ما خود را برای مواجه شدن با مناطق مرزی و ساکنین و کسبه‌ی آن و رفتارمان را هنگام رسیدن‌مان به مرزها، به خوبی آماده کرده بودیم در جنگ سی و سه روزه که جنگی بود جهانی از حیث تصمیم‌گیری، عربی از حیث پشتیبانی و اسرائیلی از حیث اجرا -عربی یعنی برخی دولت‌های عربی که در تصمیم‌گیری جنگ شریک بودند- و جنگی بود که عنوان آن نابودی مقاومت لبنان بود. و همگی قدرت و شدت هجوم اسرائیل را، مخصوصاً در روزهای اول، دیدید. به گونه‌ای که هر حرفی درباره‌ی پیروزی و بل‌که نجات و خروج سالم از این جنگ شبیه جنون بود. چرا که [سرنوشت] حرکتی مقاومتی با امکانات معین، در کشوری کوچک [که] جهان علیه‌ش توطئه کرده و چنین جنگ وحشی و سختی را به راه انداخته [معلوم است]



شهداء  
عن طريق القدس



القائد الجهادي الكبير

إبراهيم محمد عقيل

(الحاج عبد القادر)

2024 - 1962



شهداء  
عن طريق القدس

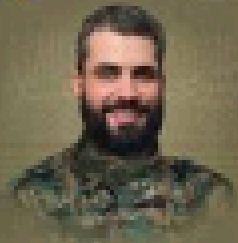


شهادة فديوة  
أحمد محمود وهبي

(الحاج أبو حسين سمير)



شهداء  
عن طريق القدس



شهادة فديوة  
عارف أحمد الز



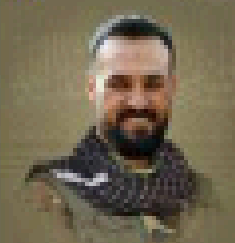
شهداء  
عن طريق القدس



شهادة فديوة  
مهن أحمد دحرج



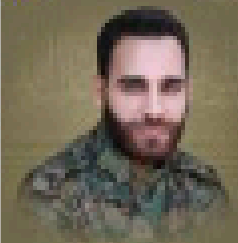
شهداء  
عن طريق القدس



شهادة فديوة  
عبدالله عباس حجازي



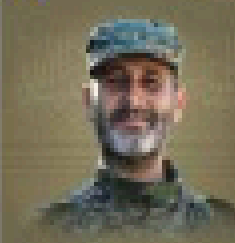
شهداء  
عن طريق القدس



شهادة فديوة  
أحمد سمير حيا



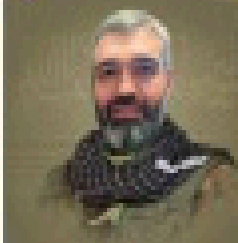
شهداء  
عن طريق القدس



شهادة فديوة  
محمد قاسم المطار



شهداء  
عن طريق القدس



شهادة فديوة  
فهدى منعم دعول



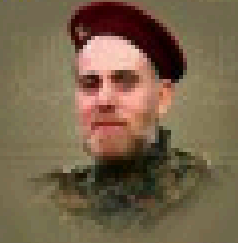
شهداء  
عن طريق القدس



شهادة فديوة  
عباس سامي معلفاني



شهداء  
عن طريق القدس



شهادة فديوة  
حسن علي حعين



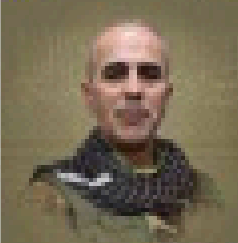
شهداء  
عن طريق القدس



شهادة فديوة  
محمد أحمد رفا



شهداء  
عن طريق القدس



شهادة فديوة  
محمد حسين العلي



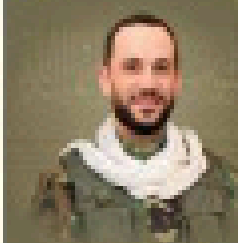
شهداء  
عن طريق القدس



شهادة فديوة  
محمد عبد الحكيم دعول



شهداء  
عن طريق القدس



شهادة فديوة  
محمود ياسين دعول



شهداء  
عن طريق القدس



شهادة فديوة  
حسن يوسف عبد الساتر

(باتر)

كتاب شهيد سيد حسن نصر الله - ناصر كاوه

این را اولین بار است که می‌گوییم. نامه‌ای شفاهی از طریق یکی از برادران به بنده، در ضاحیه‌ی جنوبی، رسید. در حالی که ساختمان‌ها تحت بمباران اسرائیل فرو می‌ریختند. نامه‌ای شفاهی که چند صفحه بود ولی بنده به برخی جملات مرتبط با موضوع بسنده می‌کنم. ایشان در آن نامه‌ی شفاهی می‌گویند: برادرانم. این جنگ هم‌چون جنگ خندق است، جنگ احزاب، که قریش، یهود مدینه، عشایر و قبایل با تمام نیرو گرد آمدند و رسول الله صلی الله علیه و آله و اصحابش را محاصره کردند و تصمیم گرفتند این جمعیت مؤمن را ریشه‌کن کنند. این جنگ این طور است.

پس جان‌ها به گلو خواهد رسید «وَبَلَّغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ وَتَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونًا» و جان‌ها به گلو رسید، و به خدا آن گمان‌ها را می‌بردید. - احزاب ۱۰» ولی به خدا توکل کنید، بنده به شما می‌گویم که شما پیروز هستید، حتما.» و این در روزهای اول بود. «شما پیروز هستید، حتما. حتی بیش‌تر از این. بنده به شما می‌گویم: وقتی این جنگ با پیروزی شما به پایان برسد، به قدرتی تبدیل خواهید شد که قدرت دیگری جلودارش نیست.» چه کسی می‌توانست چنین برداشتی داشته باشد؟ آن هم در روزهای اول جنگ؟

شاهد پیش از آخر. چرا که می‌خواهم در پایان درباره‌ی فلسطین صحبت کنم. پس از رخدادهای ۱۱ سپتامبر و تصمیم آمریکا برای حمله به افغانستان. این همان اوایل و طلوعه‌ی امر است، در اوایل جنگ افغانستان که نیروی دریایی و نیروهای آمریکا می‌رسیدند و حرف از اشغال عراق، پس از افغانستان هم بود

به یاد دارید که آن روزها عقل‌ها، قلب‌ها و جان‌ها می‌لرزید. بسیاری باور کرده بودند که منطقه‌مان وارد عصر آمریکا و سلطه و سیطره‌ی مستقیم آمریکا شده و این سلطه‌ی آمریکایی برای یکی دو صده خواهد ماند. برخی نیز جنگ‌های جدید آمریکا را به جنگ‌های صلیبی تشبیه و اشغال‌ها را با آن زمان مقایسه می‌کردند و از صد یا دویست سال حرف می‌زدند

بنده در سفری به جمهوری اسلامی به دیدار امام خامنه‌ای مشرف شدم و از ایشان نظرشان را پرسیدم

صحبت درباره‌ی ایران است، از انسانی که در ایران زندگی می‌کند و رهبر و مسئولی ایرانی است. در حالی که آمریکاییان آمده‌اند برای هجوم به افغانستان و عراق در هم‌سایگی این کشور و نیروهای دریایی و گردان‌های نظامی از هر سو این کشور را در بر گرفته‌اند. ما از تحلیل‌گر، متفکر یا محقق در حوزه‌ی سیاست یا مرکزی پژوهشی چنین سؤالی نکردیم. ما با رهبری صحبت می‌کردیم که بر اساس دیدگاهش می‌خواست تصمیم بگیرد و سیاست وضع کند. ایشان به ما چیزی گفت مخالف تمام آن‌چه که در منطقه شایع بود

آن روز بسیاری حکومت‌ها و قدرت‌های سیاسی شروع کرده‌بودند به تحقیق که چه‌گونه می‌توانند کارهای خود را با آمریکایی‌ها سامان دهند و چه‌گونه با ایشان وارد گفت‌وگو شوند و راه‌حلی بیابند. حتی برخی مسئولین جمهوری اسلامی، و این سخن سید القائد است در ماه رمضان، و اگر ایشان این را نمی‌گفتند بنده



فَرِحْنَا بِكَ يَا اِبْنِ اَبِي قُرَيْشٍ  
وَرَفَعْنَا لَكَ رُفْعًا  
وَرَفَعْنَا لَكَ رُفْعًا

کتاب شهید سید حسن نصر اللہ صحر کا وہ

کوچک‌تر از آن بودم که بگویم. حتی برخی مسئولین جمهوری اسلامی نزد حضرت سید القائد رفتند و به ایشان گفتند: آن‌چه رخ می‌دهد جدید [و بی سابقه] است باید راه‌های فرار و گفت‌وگو و برخی سازش‌ها را با دولت آمریکا بیابیم. ولی ایشان بر پایه‌ی نگاه استراتژیک‌شان به اتفاقات امروز و آینده، این [پیشنهاد] را رد کردند. آن روز ایشان در جواب سخن بنده که گفتم: نوعی نگرانی در منطقه وجود دارد که طبیعی هم هست و حتی ما هم نگرانیم. به بنده گفتند: «به برادران بگو نگران نباشند. ایالات متحده‌ی آمریکا به قله رسیده و این آغاز افول است.» دستشان را این‌طور گرفتند. «آن‌ها با آمدن به افغانستان و عراق به چاه سقوط می‌کنند. این‌ها شروع افول ایالات متحده و پروژه‌ی آمریکا در منطقه‌ی ماست و باید بر اساس این [نگاه] رفتار کنید.» طبعاً این سخن مبتنی بر مطالعه و مدارک بود

با این حال بنده پرسیدم: سیدنا، آخر چه گونه می‌شود؟ یعنی چیز دیگری نیز برای تبیین بگویید

گفتند: «وقتی پروژه‌ی آمریکا یا ایالات متحده ناتوان شده و نمی‌تواند منافعش را از طریق نظام‌های دنباله‌رواش در منطقه کسب کند و ارتش‌ها، کادرها و نیروهای دریایی موجود در منطقه برایش کافی نیست و مجبور می‌شود از تمام جهان کادر نظامی و نیروی دریایی‌اش را به این منطقه بیاورد، این دلیل عجز است، نه دلیل قدرت. ثانیاً این بر جهل دولت‌مردان و صاحب تصمیمان آمریکا درباره‌ی ملت‌های این منطقه صحنه می‌گذارد. ملت‌هایی که اشغال‌ها، سلطه‌ها و سیطره‌ها را بر نمی‌تابند و به فرهنگ

و تاریخ جهاد و مقاومت تعلق دارند. به همین خاطر وقتی آمریکایی‌ها می‌آیند، در باتلاق‌ها فروخواهند رفت و به دنبال راه فرار خواهند گشت. پس این‌ها باعث نگرانی نیست بلکه موجب ایجاد آرزوی رسیدن برهه‌ای است که در آن امت از یوغ مستکبرین آزاد خواهد شد.»

این جاست که انسان متوجه جنبه‌ی روشن و پراهمیت رهبری این امام می‌شود، جنبه‌ای که بسیاری آن را نمی‌شناسند. می‌توانم بگویم در دهه‌ی گذشته، امت و منطقه‌ی ما شاید خطرناک‌ترین جنگ تاریخش را به خود دید. ایالات متحده‌ی آمریکا و هم‌پیمانان غربی‌اش، سروران جهان، با تمام نیروی نظامی، امنیتی، اطلاعاتی، امکانات رسانه‌ای، فنی، مالی و اقتصادی‌شان و جنگ‌های روانی‌شان، با هر چه داشتند آمدند تا بر این منطقه سیطره پیدا کنند، کشورهايمان را اشغال و باقی‌مانده‌ی حکومت‌های بازدارنده و حرکات مقاومت را سرنگون کنند. و این پروژه‌ی آشکار جورج بوش بود. و تا خاورمیانه‌ای جدید بنا کنند. امام خامنه‌ای ره‌بر این خطرناک‌ترین، سنگین‌ترین و سخت‌ترین جنگ بود. جنگی که به عقل، حکمت، درایت و شجاعت مضاعفی نیاز داشت. ولی حتی امروز نیز نمی‌شود بر ابعاد مختلف نقشی که این ره‌بر عظیم بازی کرد، احاطه پیدا کرد با شاهد پایانی، موضوع اسرائیل، سخن را خاتمه می‌دهم.

حضرت امام خامنه‌ای معتقدند -و سخن بنده از جلسات داخلی است نه از سخنرانی‌ها، البته این را ایشان در سخنرانی‌ها هم می‌گویند- که اسرائیل، این دژ، رو به نابودی است. ایشان کاملاً به این معتقد هستند

قطع  
بیت  
خواهیم  
ش  
بها حلت نناح  
WE WILL WIN  
قطع سننصر



و اعتقاد دارند نابودی اسرائیل دور نیست، به عبارتی در آینده‌ای دور نیست، ایشان آن را نزدیک می‌بینند و معتقدند این سازش به جایی نمی‌رسد

تمام آنچه امروز اطراف ما در فلسطین و در منطقه‌مان رخ می‌دهد، حال در زمینه‌ی مذاکرات، یا دست‌آوردها و پیروزی‌های حرکات مقاومت لبنان و فلسطین، یا طوفان اخیر ملت فلسطینی ساکن خارج اراضی اشغالی ثابت می‌کند که [این ملت] اراده‌ی مستحکمی برای مقاومت دارد. به عبارتی ۶۰ سال، دردها، مصائب و عذاب‌هایی که به این ملت چشاندند آن‌ها را به یاس و سرخوردگی دچار نکرده، سرخوردگان، سران سیاسی هستند، و این نسل جوانی که «نکبة» و «نکسة» را شنیده اما «عصر پیروزی‌ها» را دیده، این نسل تایید می‌کند که ما در برابر نسل‌هایی از ملت فلسطین هستیم که سخت امیدوارانه زندگی می‌کنند و شتابشان در مسیر بازگشت به سرزمین‌شان بسیار زیاد است

وقتی رکود قدرت آمریکا در منطقه و سلطه‌ی آن را در جهان در نظر می‌آوریم، ظهور تحولاتی در جهت منافع مقاومت و بازدارندگی در منطقه را مشاهده می‌کنیم، ناامیدی از راه مذاکره و این آمادگی برای فداکاری را در چشمان جوانان فلسطینی، عرب و مسلمان می‌بینیم. هم‌چنین در اسرائیل، سستی، ضعف و عدم حضور زمام‌داران و سرانی تاریخی را مشاهده می‌کنیم. و تجربه‌ی جنگ سی و سه روزه و غزه را در ارزیابی لحاظ می‌کنیم. می‌توانیم آنچه را امام خامنه‌ای درباره‌ی اسرائیل می‌گویند، به سادگی بفهمیم. و ما هم با ایشان هم‌عقیده خواهیم شد که اسرائیل در زمانی بسیار نزدیک نابود خواهد شد، ان شاء الله

# وصیت شهید سید حسن نصرالله

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اوصیکم بان یکون ایمانکم بتیاده  
سماحة الامام الخميني دام ظلہ محمدا  
وتوباً من اهل غیر دنیاکم و آخرتکم

نصرالله

سوال ۱۴۳۰ هـ ق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

برای خیر دنیا و آخرت تان به شما  
وصیت می‌کنم که ایمان تان به رهبری  
حضرت امام خامنه‌ای (که سایه‌اش  
مستدام باد) قوی و محکم باشد.

نصرالله

انگیزه‌های این دولت را به نمایش بگذارد و تا تاکید کند بر التزام مطلق آن به اسرائیل. چنان که اواما و کنگره‌ی آمریکایی که چند روز پیش برای نتیناهو کف زده بودند نیز گفتند. دولت آمریکا موضع می‌گیرد و می‌گوید آنچه دیروز در مرزها رخ داد، یک دفاع مشروع از خویشتن بود. و این یعنی عدم محکومیت، ملامت و یا چیز دیگر. یعنی به اسرائیل گفتند: خدا خیرت دهد!

این است آمریکایی که از حقوق بشر، کرامت و آزادی برای ما سخن رانی می‌کند. این خون‌های پاکی که دیروز ریخته شد شاهد جدیدی بود از فزونی هش‌یاری سیاسی و تاریخی که امام خمینی قدس سره الشریف آن را به وجود آورد و پیش برد و پس از ایشان حضرت امام خامنه‌ای آن را ادامه داد. این بود شواهدی از یکی از ابعاد شخصیت این امام. پس وقتی از رهبری حکمت‌دان، شجاع، مدیر و تدبیرگر صحبت می‌کنیم، به واسطه‌ی این شواهد است، شواهدی که در برابر آنچه می‌دانیم و [هنوز] امکان بیانش نیست، اندکند. امید دارم کنفرانس شما بتواند، در زمانه‌ی فتنه‌های عظیم، بخشی از وظیفه‌ی علما، متخصصان، متفکران و اهالی فرهنگ را در معرفی نشانه‌ها و رهبران این امت ادا کند. والسلام علیکم ورحمت الله وبرکاته. ۴ خرداد، سالروز پیروزی حزب‌الله لبنان و عقب‌نشینی اسرائیل از جنوب این کشور است. امام خامنه‌ای در سال ۱۳۷۹ در پیامی این پیروزی را به ملت و دولت و حزب‌الله لبنان تبریک گفتند. به همین مناسبت پایگاه اطلاع‌رسانی KHAMENEI.IR اقدام به انتشار بخشی از فیلم سخنرانی حجت‌الاسلام سیدحسن نصرالله در مراسم «نوآوری و اجتهاد از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای» می‌کند. در این فیلم، روایت وی از پیش‌بینی آیت‌الله خامنه‌ای از این عقب‌نشینی به نمایش آمده است



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
 اوصیکم بان یکون ایمانکم بقیاده  
 سواحه الامام الحسنی و امام فطحه کمالی  
 و توباً من اهل خیر و برائکم و آفرینکم  
 نصرانی

سوال ۱۳۳۰ هـ. ق.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
 به شفا وصیت میکنم که ایمانتان به رهبری حضرت امام خاتمه ای (دام ظلّه)  
 معنکم و قوی باشد که خیر دنیا و آخرتتان در این است.

سید حسن نصرالله  
 طویل ۱۳۳۰ هـ. ق.



## نمیدانند سید حسن نصرالله یعنی چه!

اینکه می بینید فلان مدّعی روشنفکری مثلاً فرض بفرمایید در مورد حزب الله لبنان یا سید حسن نصرالله... ابراز شبهه میکند، این بر اثر شناختن محیط است... خوشبینانه اش این است که نمیدانند در منطقه چه خبر است، نمیدانند سید حسن نصرالله یعنی چه، حزب الله یعنی چه ارتباطش با ایران چه تأثیراتی در سرنوشت کشور و سرنوشت انقلاب دارد.

رهبرانقلاب اسلام  
 ۱۳۹۵/۰۴/۱۲



کتاب شهید سید حسن نصرالله ناصر کاوه

## «لبیک یا حسین» را سید حسن نصرالله اینگونه معنا می کند

نَحْنُ سَوْفَ نَبْقَى هُنَا (ما اینجا خواهیم ماند)

وَسَوْفَ يَبْقَى نِدَائُنَا (و ندای ما خواهد ماند)

أَنْ يَفْهَمَهُ الْإِمْرَكِيُّونَ (که آمریکاییها آنرا بفهمند)

أَمْرَكِيِّونَ لَا يَعْرِفُونَ مَاذَا يَعْنِي لَبِيكَ يَا حُسَيْنَ

(آمریکاییها نمی دانند لبیک یا حسین یعنی چه)

لَبِيكَ يَا حُسَيْنَ يَعْنِي أَنَّكَ تَكُونُ حَاضِرًا فِي الْمَعْرَكَةِ

(لبیک یا حسین یعنی اینکه در معرکه جنگ حاضر باشی)

وَلَوْ كُنْتَ وَحْدَهُ (هر چند تنها باشی)

وَلَوْ تَرَكَكَ النَّاسَ (وهر چند مردم تو را رها کرده باشند)

وَأَتَّهَمَكَ النَّاسَ (و تو را متهم کرده باشند)

وَخَذَلَكَ النَّاسَ (و تو را بی یاور گذاشته باشند)

لَبِيكَ يَا حُسَيْنَ يَعْنِي أَنْ تَكُونَ أَنْتَ وَ مَالِكَ وَ أَهْلِكَ وَ أَوْلَادِكَ

فِي هَذِهِ الْمَعْرَكَةِ

[لبیک یا حسین یعنی تو و مالت و زن و فرزندان در این معرکه

جنگ باشید]

لَبِيكَ يَا حُسَيْنَ يَعْنِي أَنْ تَدْفَعَ الْأُمَّ بِوَلَدِهَا لِيُقَاتَلَ

(لبیک یا حسین یعنی مادر فرزندش را به میدان جنگ بفرستد)

فَإِذَا اسْتَشْهِدَ وَ احْتَزَّ رَأْسَهُ وَ أَلْقَى بِهِ إِلَى أُمِّهِ

[و هنگامی که فرزندش شهید شد و سرش بریده شد و به سوی

مادرش انداخته شد]

وَضَعَتْهُ فِي حِجْرِهَا وَ مَسَحَتْ الدَّمَ وَ التُّرَابَ عَنِ وَجْهِهِ وَ قَالَتْ لَهُ

رَاضِيَةً مُحْتَسِبَةً بِيَضِّ اللّٰهِ وَجْهَكَ يَا بُنْتَى كَمَا بِيَضَّتْ وَجْهِي عِنْدَ

فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

[مادرش آنرا به خانه برده، خاک و خون را از آن پاک کرده به او

بگوید: از تورا می هستم خداوند رو سفیدت کند همانطور که مرا

برای روز قیامت و نزد فاطمه زهرا رو سفید کردی]

هَذَا يَعْنِي لَبِيكَ يَا حُسَيْنَ

(این است معنای لبیک یا حسین)

لَبِيكَ يَا حُسَيْنَ يَعْنِي أَنْ تَأْتِيَ الْأُمَّ وَ الْأُخْتُ وَ الزَّوْجَةَ لِتُلْبِسَ زَوْجَهَا

أَوْ أَخَاهَا أَوْ ابْنَهَا جَامَةَ الْحَرْبِ وَ تَدْفَعَهُ إِلَى الْجِهَادِ

[لبیک یا حسین یعنی مادرو خواهر و زن می آید تا شوهر یا برادر

یا فرزندش را لباس رزم بپوشاند و او را راهی میدان جنگ کند]

لَبِيكَ يَا حُسَيْنَ يَعْنِي أَنْ تُقَدِّمَ زَيْنَبُ لِأَخِيهَا الْحُسَيْنَ جَوَّازَ الْمَنِيَّةِ وَ

الشَّهَادَةِ هَذَا يَعْنِي لَبِيكَ يَا حُسَيْنَ

[لبیک یا حسین یعنی زینب جواز مرگ و شهادت را به برادرش

حسین تقدیم کند این یعنی لبیک یا حسین]

وَ بِهِ نَخْتُمُ لِيَسْمَعَهُ الْعَالَمُ

[و با این کلام سخن را خاتمه می دهیم تا جهانیان آنرا بشنوند]

الْعَمَلُ الْعَمَلُ إِذَا احتاجوا إلينا في ساحةٍ أُخْرَى

[هر جای دنیا که به ما نیاز باشد ما حاضریم]

لَنْ نَكُونَ حَمَلَةَ الْأَكْفَانِ فَفَطَّ وَ إِهْمَا سَنَكُونُ حَمَلَةَ الْأَكْفَانِ وَ السَّلَاحِ

(و اینگونه نیست که فقط کفن پوش باشیم، بلکه ما کفن پوش

و سلاح به دست خواهیم بود)



# لیبک یا حسین

یعنی در معرکه حاضر باشی، هر چند تنها بمانی  
 و مردم تو را بی یاور گذاشته باشند و تو را متهم و خوار شمارند  
 لیبک یا حسین یعنی تو و مالت و زن و فرزندانت در این معرکه حاضر باشند  
 لیبک یا حسین یعنی مادری فرزندش را به میدان دفاع می فرستد و آنگاه که فرزندش شهید شد و سر بریده اش به مادر داده شد  
 مادر سر را به خانه برده و خاک و خون آن را پاک کرده و به سر بگوید که از تو راضی هستم پروردگار چهره ات را روشن بدارد - همانطور که نزد فاطمه زهراء (سلام الله علیها ) مرا در قیامت رو سپید کردی  
 و این معنی لیبک یا حسین است...

بزرگوار حسین زین العابدین علیه السلام

والله هي اوهن من بيت العنكبوت...

إنّ إسرائيل هذه التي تملك أسلحة نووية وأقوى سلاح جوّ في المنطقة، والله هي اوهن من بيت العنكبوت. ای برادران و عزیزان ما در فلسطین به شما می گویم: این اسرائیلی که سلاح هسته ای و قوی ترین نیروی هوایی در منطقه را در اختیار دارد به خدا سوگند از خانه عنكبوت سست تر است. (از بیانات شهید سید حسن نصرالله در تاریخ ۲۶ می ۲۰۰۰ به نقل از کتاب زبور مقاومت ص ۱۳۱)

فقط برای او ...

به همه آنها میگویم به همه کسانی که در این جهان ما را تهدید میکنند ما اینجا هستیم و در اینجا باقی میمانیم در اینجا ثابت قدم و پایدار می مانیم و تا ابد عاشق شهادت میمانیم خداوند متعال به ما وعده پیروزی داده است و از کارهای ما آگاه است و میدانند در قلبهای ما نه حب مقام و قدرت جایی دارد و نه جاه طلبی او می داند که ما به ویرانه های این دنیای فانی دل نبسته ایم و اینجا هستیم فقط برای خشنودی او و تقرب به درگاهش؛ فقط برای بندگی او و رضوان او و جهاد در سبیل او. (زبور مقاومت دیدگاه های شهید سید حسن نصرالله ص ۱۵۲ و ۱۵۳)

دکتر می شوم

همیشه جزو شاگرد اول ها بودم؛ به خصوص در دروس ریاضیات، شیمی، جبر و هندسه درسم خوب بود. یادم نمی آید نمره های درسی ام چند بود اما در کلاس همیشه نفر اول یا دوم یا سوم بودم... از کودکی هر گاه در محضر برخی مشایخ می نشستم برای مدتی طولانی به عمامه ی آنها نگاه می کردم، یعنی به خود

عمامه و چین و پیچش آن... پدرم که سید موسی صدر را دوست می داشت عکس هایی از او را به خانه آورد. من می نشستم و زمانی طولانی به عکس سید موسی خیره می شدم...

پدر و مادرم با ورود من به حوزه موافق نبودند. مادرم به روحانیت خوشبین نبود. تا آن روز جریان پدربزرگم (پدر مادرم) را نمی دانستم که روحانی بوده و عمامه را کنار گذاشته است! البته دلیل آن، تنها مسائل خانوادگی بود و نه از روی قصدی خاص یا از نظر سیاسی یا چیز دیگر. مادرم می گفت:

«اگر به نجف بروی یک نفر به گدایان افزوده میشود!» در لبنان روحانیان را گدا میدانستند. به گمان آنان روحانی کسی بود که با آنچه مردم به او میدهند زندگی را می گذراند. تلاش من برای راضی کردن پدر و مادرم به نتیجه نرسید و آنان تن به طلبگی من نمیدادند و من مجبور شدم نقشه ای بکشم. به آنان گفتم در لبنان شغل چندانی وجود ندارد و اوضاع خوب نیست. اگر اینجا بمانم جنبش امل مرا برای جنگ میبرد؛ ولی اگر به نجف بروم در دبیرستان درس می خوانم و در کنار آن هم درس طلبگی میخوانم و بعد از تمام کردن دبیرستان وارد دانشگاه بغداد می شوم و در دوره دکترا متخصص می شوم و این شد که پدر و مادرم با رفتن من به عراق موافقت کردند.

هرچند به نجف که رسیدم اصلا به دبیرستان فکر نکردم و چند روز بعد هم عمامه به سر گذاشتم و عکس معمم ام را برای آنها فرستادم؛ این یعنی من روحانی شده ام و دیگر کار تمام شده است! (نقل از کتاب سید عزیز، مجموعه مصاحبه هایی با شهید حجت الاسلام سید حسن نصرالله، ص ۱۶ تا ۲۵)

# بِمَا أَنْصَرْنَاكَ مِنْهُ



شہید سید ناصر علی

شہید ماسم صنف الدین

نه ساخت کلاشنیکوف است و نه دکتریوف...

در لبنان و فلسطین، این تنها سلاحی است که در اختیار داریم که البته ساخت داخل هم هست و برگرفته از همین وطن، مردم، سرزمین و پیشینه و تاریخ است. بر روی این سلاح نه حک شده است Made in USA نه نوشته است ساخت روسیه و نه هیچ کشور دیگری. این سلاح نه ساخت کلاشنیکوف است نه دکتریوف. این سلاح ساخت فکر است. ساخت مدینه منوره است. این سلاح را محمد بن عبدالله عربی هاشمی قریشی صلی الله و علیه وآله و سلم ساخته است. پیامبری که رحمة للعالمین است؛ سلاحی که به ما می آموزد خون خود و فرزندان و عزیزان خود را فدای مقدرات امت اهل و مردم خود کنیم تا آنها با عزت و کرامت و شرافت زندگی کنند این سلاح سلاح عشق به شهادت است. سلاح فداکاری، سلاح آمادگی برای مرگ، هیچ کس نمیتواند آن را از ما جدا کند، میتواند از راه دریایی و هوایی ما را محاصره کنند و مانع شوند که تسلیحات به ما و فلسطینی ها برسد می توانند حکومتها و دولتها را تحت فشار قرار دهند میتوانند منابع مالی را بلوکه کنند میتوانند همه رسانه های گروهی سران دولتها و دستگاههای امنیتی شان را در اختیار خود بگیرند میتوانند هر چیزی را از ما بگیرند اما نمیتوانند ایمان و فرهنگی را از ما بگیرند که در اعماق جان هایمان رسوخ کرده است. فرهنگ شهادت طلبی نیرومندترین سلاح است. آنچه امروز یک فلسطینی در اختیار دارد این سلاح است که هیچ کس نمیتواند آن را از او بگیرد و یا بر آن چیره شود این سلاح وارداتی نیست و برای استفاده از آن نیازمند کارشناسان و مستشاران خارجی نیستیم ما خود کارشناسان و مستشاران و در واقع عارفان این سلاح هستیم. ما فرزندان این سلاح هستیم و آن را نسل به

نسل به ارث برده ایم و در حقیقت راز قدرت ما همین جاست. (به نقل از کتاب زبور مقاومت دیدگاه های شهید سید حسن نصر الله ص ۱۴۰ و ۱۴۱)

به امید دیدار!؟

سیدحسن نصرالله در آخرین بخش از سخنرانی خود در مراسم تشییع حاج فؤاد شکر از فرماندهان حزب الله لبنان بیان کرد: «به شهیدمان نمی‌گوییم خداحافظ، بلکه می‌گوییم به امید دیدار، به امید دیدار با پیروزی خون بر شمشیر، به امید دیدار با شهادت، به امید دیدار در کنار محبوبان.» و بالاخره این دیدار برای سید مقاومت که خود را فرزند و شاگرد امام موسی صدر می‌دانست با شهادت محقق شد. به امید پیروزی خون بر شمشیر در آینده‌ای نزدیک..

با شبه اجماع مثلا نود درصدی...

سید حسن نصرالله ادامه میدهد که نمی تواند پنهان کند که حزب الله از لحاظ ایدئولوژی و نظری آرزوی برپایی جمهوری اسلامی را در سر می پروراند زیرا حزب الهی ها عقیده دارند فقط حکومت اسلامی است که میتواند مشکلات جامعه را حل کند؛ حتی اگر این جامعه جامعه ای چند صدایی و دربردارنده اقلیت های گوناگون باشد؛ اما بی درنگ توضیح میدهد تحمیل جمهوری اسلامی با زور و اکراه در عقیده حزب الله جایی ندارد و این مردم هستند که باید حاکمیت را انتخاب کنند آن هم نه با اکثریت ۵۱ درصدی بلکه با شبه اجماع مثلا نود درصد آرا. بنابراین ایجاد جمهوری اسلامی در زمان کنونی اصلا مورد بحث نیست. (زبور مقاومت، دیدگاه های شهید حجت الاسلام سید حسن نصر الله، ص ۴۲)

## با شبه اجماع مثلا نود درصدی...

سید حسن نصرالله ادامه میدهد که نمی تواند پنهان کند که حزب الله از لحاظ ایدئولوژی و نظری آرزوی برپایی جمهوری اسلامی را در سر می پروراند زیرا حزب اللهی ها عقیده دارند فقط حکومت اسلامی است که میتواند مشکلات جامعه را حل کند؛ حتی اگر این جامعه جامعه ای چند صدایی و دربردارنده اقلیت های گوناگون باشد؛ اما بی درنگ توضیح میدهد تحمیل جمهوری اسلامی با زور و اکراه در عقیده حزب الله جایی ندارد و این مردم هستند که باید حاکمیت را انتخاب کنند آن هم نه با اکثریت ۵۱ درصدی بلکه با شبه اجماع مثلا نود درصد آرا. بنابراین ایجاد جمهوری اسلامی در زمان کنونی اصلا مورد بحث نیست. (زبور مقاومت، دیدگاه های شهید حجت الاسلام سید حسن نصرالله، ص ۴۲)

دستگیری می کنند...

اصلا انتظار نداشتم شهید سید محمد باقر صدر با آن جایگاه و عظمتی که دارد به نوجوانی که از لبنان آمده است این گونه توجه کند. تقریباً نیم ساعت با هم بودیم و او از من درباره ی سید موسی صدر و نیز حرکت المحرومین ، فعالیت های دینی در جنوب، درباره ی سید محمد غروی، جوانان لبنان، فرهنگ و گرایشهای سیاسی پرسید. من به تک تک سوالات پاسخ میدادم و او با پاسخهای دقیقی که دادم غافلگیر شد؛ چرا که من در تشکیلات سیاسی و نیز در فعالیتهای فرهنگی بودم و از کودکی توجه و اهتمام به اوضاع حقیقی لبنان داشتم. پس از این پرسش و پاسخها، سید صدر به سید عباس گفت:

«شما را پشتیبان ایشان قرار میدهم و تو مسئول او هستی» و در حالی که از اتاق خارج میشد رو به من گفت: پول داری؟ گفتم نه. فقط هزینه ی بلیط و سفر تا نجف را همراه داشتم؛ خانواده ام تنگدست هستند و چیزی در اختیار ندارند. سید صدر چند دینار عراقی از زیر تشک بیرون آورد و به سید عباس داد: گفت: «با این پول برای او یک عمامه میخری با این پول هم برایش یک پیراهن سفید میخری با این پول هم برایش یک قبا و با این پول هم برایش برخی از کتابهای لازم را میخری این پول هم برای مصارف شخصی اش. پول را که تقسیم کرد به سید عباس گفت: «اتاقی را برایش انتخاب میکنی و خود تو هم مسئول اوضاع و احوال و هم مسئول تحصیل او میشوی»...

در نجف به طلبه ای که معمم نباشد حجره نمیدادند و من هم از خدا خواسته نزد آیت الله سید محمد باقر صدر معمم شدم. هیچ کس از من نخواستند بود که پیش سید صدر معمم شوم و من

خودم این تصمیم را گرفته بودم. به من گفتند ضد اطلاعات عراق به خاطر این کار دستگیری میکند و اذیتت می کنند که البته برای من اصلاً مهم نبود. وقتی که پیش ایشان رفتم محاسن نداشتم و نوجوان بودم یک هفته یا ده روز بود که به نجف رسیده بودم. وقتی وارد شدیم تعدادی از طلاب معمم میشدند.

او مرا با اسم صدا کرد. از این که اسمم را نیز به خاطر داشت شگفت زده شدم. سید صدر خیلی دلنشین و لطیف بود. لباس روحانیت را که پوشیدم از خوشحالی در جایم بند نبودم برای این که از کودکی منتظر چنین لحظه ای بودم. اما واقعا احساس سنگینی کردم میدانستم که دیگر نباید هر کاری را انجام دهم و مواظب رفتارها و گفتارهایم باشم

(سید عزیز مصاحبه های شهید حجت الاسلام سید حسن نصرالله با حمید داودآبادی، ص ۲۶ تا ۲۸)

با مرگ زندگی می سازیم...

من به کسانی که مقاومت لبنان و فلسطین و همه جنبشهای مقاوم را سرزنش میکنند و میگویند آنها فرهنگی به جز فرهنگ مرگ ندارند میگویم این ما هستیم که صاحب فرهنگ زیستن و حیاتیم و شما هستید که به جز فرهنگ مرگ فرهنگی ندارید زیرا ملتی که به مقدساتش توهین شود و آرام در جای خود بنشیند ملتی که به نوامیسش اهانت شود و آب از آب تکان نخورد ملتی مرده است؛ حتی اگر بخورد و بیاشامد ما با مرگ زندگی می سازیم و حیات را معنا می بخشیم

(نقل از کتاب زبور مقاومت، دیدگاه های شهید سید حسن نصرالله ص ۱۳۹)



## شهدای بزرگو چهره‌های نورانی

آن کسانی که با این جنایت‌های مدعی حقوق بشرند انسانهای بزرگی، چهره‌های نورانی‌ای مثل سید حسن نصرالله را، مثل همتیه را، مثل سلیمانی را مثل بقیه‌ی شهدای بزرگ را تروریست میخوانند و مینامند در حالی که باند تروریستی، خودشان هستند، باند جنایت‌کار خودشان هستند؛ این را امروز دنیا دارد میفهمد و بحمدالله دانسته‌اند، فهمیده‌اند.

مستحق این شهریه نیستی...

من از سیدخویی، سید صدر و امام خمینی (قدس الله سره) شهریه می گرفتم. شهید صدر دو دینار شهریه می داد؛ شهریه سیدخویی تا ده دینار رسید و امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه) پنج تا ده دینار شهریه می داد. بیت سید حکیم هم پنج دینار به طلبه ها شهریه می پرداخت که به من نمی دادند.

مسئول پرداخت وجوه به صراحت به من گفت چون تو مقلد سید محمد باقر صدر هستی مستحق این شهریه نیستی. در مجموع ماهیانه بیست دینار شهریه می گرفتم که وقتی از نجف خارج شدم پانزده دینار بود. جریان جالبی را برایتان بگویم در نزدیکی حرم امیرمؤمنان (علیه السلام) بازار بزرگی وجود داشت

در این بازار چند غذاخوری بود که یکی از آنها غذاخوری «شمس» بود که مشرف به خیابان امام زین العابدین (علیه السلام) بود. این غذاخوری دو بخش داشت بخشی مشرف به خیابان بود که کبابی بود و بخش دیگری که مشرف بر داخل بازار بود و در آن غذا پخته می شد

وقتی شهریه را می گرفتیم سه روز به این کبابی می رفتیم و سه روز هم به قسمت طبخ غذا.

بدین ترتیب هفته ی اول می گذشت و هفته ی دوم و سوم را در مدرسه می گذراندیم و تمام این دو هفته را سیب زمینی آب پز یا خلال سیب زمینی و روغن و البته پنیر و چای می خوردیم.

هفته ی آخر هم در لشکرکشی و حمله بودیم؛ یعنی به خانه طلبه های متاهل می رفتیم یا هر وقت که می دانستیم خانواده ی یکی از طلاب برایش کمک هایی از لبنان فرستاده است هجوم می بردیم به آن خانه چون چیزی برای خوردن نداشتیم این از

نعمتهای خداوند عزوجل به من بود که حاج مصطفی یاسین به فرزنداناش که در مدرسه ی ما بودند بسیار توجه داشت و برایشان هرچه می خواستند می فرستاد حتی برایشان از لبنان خوراکی هایی مثل ماست پنیر و زیتون می فرستاد.

من به این دو شیخ به شوخی می گفتم می خواهم دامادتان باشم آنها هم ما را که سن و سال چندانی نداشتیم در طعام خود شریک می کردند و این طوری ایام را میگذراندیم حرف من فقط از روی شوخی بود؛ چون من اصلا خواهرشان را که بعدها همسر من شد، نمی شناختم.

خانواده ی من برایم پولی نمی فرستادند؛ زیرا پدرم چیزی برای سیر کردن شکم مادر و برادران و خواهرانم نداشت من هم کلا به شهریه ی ماهانه ای که در نجف می گرفتم تکیه داشتم.

(سید عزیز، مصاحبه های شهید حجت الاسلام سید حسن نصرالله با حمید داودآبادی، ص ۳۰ و ۳۱)



## نه ساخت کلاشنیکوف است و نه دکتر یوف...

در لبنان و فلسطین، این تنها سلاحی است که در اختیار داریم که البته ساخت داخل هم هست و برگرفته از همین وطن، مردم، سرزمین و پیشینه و تاریخ است. بر روی این سلاح نه حک شده است Made in USA نه نوشته است ساخت روسیه و نه هیچ کشور دیگری. این سلاح نه ساخت کلاشنیکوف است نه دکتر یوف. این سلاح ساخت فکر است. ساخت مدینه منوره است. این سلاح را محمد بن عبدالله عربی هاشمی قریشی صلی الله و علیه وآله و سلم ساخته است. پیامبری که رحمة للعالمین است؛ سلاحی که به ما می آموزد خون خود و فرزندان و عزیزان خود را فدای مقنسات است اهل و مردم خود کنیم تا آنها با عزت و کرامت و شرافت زندگی کنند این سلاح سلاح عشق به شهادت است. سلاح فداکاری، سلاح آمادگی برای مرگ، هیچ کس نمیتواند آن را از ما جدا کند، میتوانستند از راه دریایی و هوایی ما را محاصره کنند و مانع شوند که تسلیحات به ما و فلسطینی ها برسد می توانستند حکومتها و دولتها را تحت فشار قرار دهند میتوانستند منابع مالی را بلوکه کنند میتوانستند همه رسانه های گروهی سران دولتها و دستگاههای امنیتی شان را در اختیار بگیرند میتوانستند هر چیزی را از ما بگیرند اما نمیتوانستند ایمان و فرهنگی را از ما بگیرند که در اعماق جان هایمان رسوخ کرده است. فرهنگ شهادت طلبی نیر و مندترین سلاح است. آنچه امروز یک فلسطینی در اختیار دارد این سلاح است که هیچ کس نمیتواند آن را از او بگیرد و بابر آن چیره شود این سلاح وارداتی نیست و برای استفاده از آن نیازمند کارشناسان و مستشاران خارجی نیستیم ما خود کارشناسان و مستشاران و در واقع عارفان این سلاح هستیم. ما فرزندان این سلاح هستیم و آن را نسل به نسل به ارث برده ایم و در حقیقت راز قدرت ما همین جاست. (به نقل از کتاب زبور مقاومت دیدگاه های شهید

حجت الاسلام سید حسن نصر الله رحمه الله ص ۱۴۰ و ۱۴۱)

فی دانستیم کدام روز هفته است...

شهید صدر به سیدعباس گفت: «شما را پشتیبان ایشان قرار میدهم و تو مسئول او هستی» و در حالی که از اتاق خارج میشد رو به من گفت: پول داری؟ گفتم نه. فقط هزینه ی بلیط و سفر تا نجف را همراه داشتم؛ خانواده ام تنگدست هستند و چیزی در اختیار ندارند. سید صدر چند دینار عراقی از زیر تشک بیرون آورد و به سید عباس داد و گفت:

«با این پول برای او یک عمامه میخری با این پول هم برایش یک پیراهن سفید میخری با این پول هم برایش یک قبا و با این پول هم برایش برخی از کتابهای لازم را میخری این پول هم برای مصارف شخصی اش. پول را که تقسیم کرد به سید عباس گفت: «اتاقی را برایش انتخاب میکنی و خود تو هم مسئول اوضاع و احوال و هم مسئول تحصیل او میشوی»... از آن روز به بعد تحت نظر و حمایت سیدعباس موسوی قرار گرفتم و حقیقتاً از آن لحظه بود که محبت و دلبستگی به سیدعباس بسیار بیشتر از یک شاگرد به استاد و یا یک برادر به برادر خود در من رشد کرد و واقعاً برای من همانند یک پدر بود. من سن کمی داشتم و او در نجف از من قدیمی تر بود و چنان به من توجه میکرد که یک پدر با فرزند خویش می کند. به راستی وقتی که در نجف بودیم او به من بیش از خانواده اش توجه داشت.

سیدعباس برای من حجره ای در مدرسه ی ازریه در نجف اشرف گرفت که نزدیک منزلش بود در این مدرسه گروهی از طلاب لبنانی بودند که تقریباً هم دوره ی با من یعنی طلاب جدید این حوزه بودند.... از ما گروهی شکل گرفت که از جمله ی آنان شیخ علی کریم شیخ محمد خاتون و شیخ حسن یاسین بودند ما در قالب

همین، گروه نزد سیدعباس درس می خواندیم سیدعباس برای ما در قالب همین گروه نزد سیدعباس درس می خواندیم سیدعباس برای ما خیلی برتر از یک مدرس بود ناظر و مراقب این گروه نیز بود ایشان در میان این گروه توجه خاصی به من داشت حالا این توجه یا به دلیل انگیزه ی شخصی بود یا بنا بر توصیه های سید محمد باقر صدر. همت اصلی این گروه در نجف اشرف کسب علم بود. تقریباً یک سال و نیم در نجف ماندیم که تمام این مدت را در تحصیل و درس گذراندیم حتی در روزهای ماه مبارک رمضان، محرم و تعطیلات مذهبی هم درس می خواندیم سال تحصیلی ما تقریباً سیصد و پنجاه روز بود سیدعباس حتی در دو روز پنجشنبه و جمعه نیز به ما درس میداد؛ به گونه ای که ماهها گذشت و ما نمیدانستیم که مثلاً امروز کدام روز هفته است. گروه ما به صورتی متفاوت از نجف درس میخواند.

در حالی که دروس معمولی حوزه از جمله صرف و نحو و منطق و بلاغت و فقه را میخواندیم دروسی درباره ی ایمان، تفسیر، اخلاق، سیره و کتابهای اقتصادنا و فلسفتنا را که تالیف سید صدر (رضوان الله تعالی علیه) هستند نیز میخواندیم. سیدعباس برای گروه آزمونهای ماهانه ای ترتیب میداد و وقتی کتاب را تمام میکردیم باید حتماً امتحان میدادیم. ما آماده بودیم که هر روز قبل از آغاز درس جدید هر سؤالی از درس گذشته را پاسخ دهیم. او هر گاه پی می برد که طلاب در درس پیش با هم برابر نیستند به درس قبلی برگشت بنابراین ما همیشه در تکاپوی این بودیم که نکند در پرسشهای او از درس گذشته در بمانیم (و عقبگرد داشته باشیم) (سید عزیز مصاحبه های شهید حجت الاسلام سید حسن نصرالله با حمید داودآبادی، ص ۲۶ تا ۲۹)



صَالِحٌ بَعْدَ صَالِحٍ

کتاب شهید سید حسن نصرالله\_ ناصر کاوہ



## دکتر می شوم...

همیشه جزو شاگرد اول ها بودم؛ به خصوص در دروس ریاضیات، شیمی، جبر و هندسه درسم خوب بود. یادم نمی آید نمره های درسی ام چند بود اما در کلاس همیشه نفر اول یا دوم یا سوم بودم... از کودکی هر گاه در محضر برخی مشایخ می نشستم برای مدتی طولانی به عمامه ی آنها نگاه می کردم، یعنی به خود عمامه و چین و پیچش آن... پدرم که سید موسی صدر را دوست می داشت عکس هایی از او را به خانه آورد. من می نشستم و زمانی طولانی به عکس سید موسی خیره می شدم... پدر و مادرم با ورود من به حوزه موافق نبودند. مادرم به روحانیت خوشبین نبود. تا آن روز جریان پدر بزرگم (پدر مادرم) را نمیدانستم که روحانی بوده و عمامه را کنار گذاشته است! البته دلیل آن، تنها مسائل خانوادگی بود و نه از روی قصدی خاص یا از نظر سیاسی یا چیز دیگر. مادرم می گفت: «اگر به نجف بروی یک نفر به گدایان افزوده میشود!» در لبنان روحانیان را گدا میدانستند. به گمان آنان روحانی کسی بود که با آنچه مردم به او میدهند زندگی را می گذراند. تلاش من برای راضی کردن پدر و مادرم به نتیجه نرسید و آنان تن به طلبگی من نمیدادند و من مجبور شدم نقشه ای بکشم. به آنان گفتم: در لبنان شغل چندانی وجود ندارد و اوضاع خوب نیست. اگر اینجا بمانم جنبش امل مرا برای جنگ میبرد؛ ولی اگر به نجف بروم در دبیرستان درس می خوانم و در کنار آن هم درس طلبگی میخوانم و بعد از تمام کردن دبیرستان وارد دانشگاه بغداد می شوم و در دوره دکتری متخصص می شوم و این شد که پدر و مادرم با رفتن من به عراق موافقت کردند. هر چند به نجف که رسیدم اصلاً به دبیرستان فکر نکردم و چند روز بعد هم عمامه به سر گذاشتم و عکس معمم ام را برای آنها فرستادم؛ این یعنی من روحانی شده ام و دیگر کار تمام شده است! (نقل از کتاب سید عزیز، مجموعه مصاحبه هایی با شهید حجت الاسلام سید

حسن نصرالله، ص ۱۶ تا ۲۵)





شهید  
سید حسن  
نصرالله

سید مقاومت، یک شخص نبود، یک راه و یک مکتب بود، و این راه همچنان ادامه خواهد یافت.

امام خامنه ای



برای خیر دنیا و آخرت تان به شما وصیت می‌کنم که ایمان تان به رهبری حضرت امام خامنه‌ای دام‌الله قوی و محکم باشد.

شهید سید حسن نصرالله

کتاب شهید سید حسن نصرالله\_ ناصر کاوه

## مستحق این شهریه نیستی...

من از سید خوبی سید صدر و امام خمینی (قدس الله سره) شهریه می گرفتم. شهید صدر دو دینار شهریه می داد؛ شهریه سید خوبی تا ده دینار رسید و امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه) پنج تا ده دینار شهریه می داد. بیت سید حکیم هم پنج دینار به طلبه ها شهریه می پرداخت که به من نمی دادند. مسئول پرداخت وجوه به صراحت به من گفت چون تو مقلد سید محمد باقر صدر هستی و مستحق این شهریه نیستی. در مجموع ماهیانه بیست دینار شهریه می گرفتم که وقتی از نجف خارج شدم پانزده دینار بود. جریان جالبی را برایتان بگویم در نزدیکی حرم امیر مؤمنان (علیه السلام) بازار بزرگی وجود داشت. در این بازار چند غذاخوری بود که یکی از آنها غذاخوری «شمس» بود که مشرف به خیابان امام زین العابدین (علیه السلام) بود. این غذاخوری دو بخش داشت بخشی مشرف به خیابان بود که کبابی بود و بخش دیگری که مشرف بر داخل بازار بود و در آن غذا پخته می شد. وقتی شهریه را می گرفتم سه روز به این کبابی می رفتم و سه روز هم به قسمت طبخ غذا. بدین ترتیب هفته ی اول می گذشت و هفته ی دوم و سوم را در مدرسه می گذرانیدیم و تمام این دو هفته را سیب زمینی آب پز یا خلال سیب زمینی و روغن و البته پنیر و جای می خوردیم. هفته ی آخر هم در لشکرکشی و حمله بودیم؛ یعنی به خانه طلبه های متاهل می رفتم یا هر وقت که می دانستیم خانواده ی یکی از طلاب برایش کمکهایی از لبنان فرستاده است هجوم می بردیم به آن خانه چون چیزی برای خوردن نداشتیم این از نعمتهای خداوند عزوجل به من بود که حاج مصطفی یاسین به فرزندانم که در مدرسه ی ما بودند بسیار توجه داشت و برایشان هر چه می خواستند می فرستاد حتی برایشان از لبنان خوراکیهایی مثل ماست پنیر و زیتون می فرستاد. من به این دو شیخ به شوخی میگویم می خواهم دامادتان باشم آنها هم ما را که سن و سال چندانی نداشتیم در طعام خود شریک می کردند و این طوری ایام را میگذرانیدیم حرف من فقط از روی شوخی بود؛ چون من اصلاً خواهرشان را - که بعدها همسر من شد - نمی شناختم. خانواده ی من برایم پولی نمی فرستادند؛ زیرا پدرم چیزی برای سیر کردن شکم مادر و برادران و خواهرانم نداشت من هم کلاً به شهریه ی ماهانه ای که در نجف می گرفتم تکیه داشتیم. (سید عزیز، مصاحبه های شهید حجت الاسلام سید حسن نصرالله با حمید داود آبادی، ص ۳۰ و ۳۱)



حزب الله، نداء الاست  
فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ

مائدة آیه ۵۶

کتاب شهید سید حسن نصرالله\_ ناصر کاوه



آرامش چشمان تو

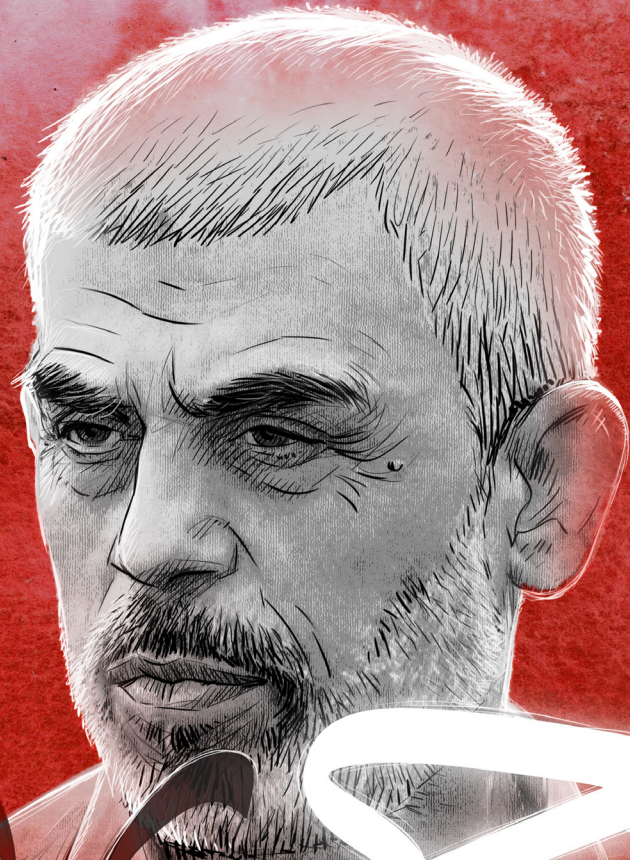
کوهیم و به دل آتشی از غم داریم  
با یاد غم تو اشک نم نم داریم  
سردار عزیز و آسمانی برگرد  
آرامش چشمان تو را کم داریم

محمد تقی عارفیان

## دستگیری می‌کنند...

اصلاً انتظار نداشتم شهید سید محمدباقر صدر با آن جایگاه و عظمتی که دارد به نوجوانی که از لبنان آمده است این گونه توجه کند. تقریباً نیم ساعت با هم بودیم و او از من درباره‌ی سید موسی صدر و نیز حرکت المحرومین، فعالیت‌های دینی در جنوب، درباره‌ی سید محمد غروی، جوانان لبنان، فرهنگ و گرایشهای سیاسی پرسید. من به تک تک سوالات پاسخ میدادم و او با پاسخهای دقیقی که دادم غافلگیر شد؛ چرا که من در تشکیلات سیاسی و نیز در فعالیتهای فرهنگی بودم و از کودکی توجه و اهتمام به اوضاع حقیقی لبنان داشتم. پس از این پرسش و پاسخها، سیدصدر به سیدعباس گفت: «شما را پشتیبان ایشان قرار میدهم و تو مسئول او هستی» و در حالی که از اتاق خارج میشد رو به من گفت: بول داری؟ گفتم نه. فقط هزینه‌ی بلیط و سفر تا نجف را همراه داشتم؛ خانواده ام تنگدست هستند و چیزی در اختیار ندارند. سید صدر چند دینار عراقی از زیر تشک بیرون آورد و به سید عباس داد: گفت: «با این پول برای او یک عمامه میخری با این پول هم برایش یک پیراهن سفید میخری با این پول هم برایش یک قبا و با این پول هم برایش برخی از کتابهای لازم را میخری این پول هم برای مصارف شخصی اش. پول را که تقسیم کرد به سید عباس گفت: «اتاقی را برایش انتخاب میکنی و خود تو هم مسئول اوضاع و احوال و هم مسئول تحصیل او میشوی» از آن روز به بعد تحت نظر و حمایت سید عباس موسوی قرار گرفتیم.... در نجف به طلبه‌ای که معمم نباشد حجه نمیدادند و من هم از خدا خواسته نزد آیت الله سید محمد باقر صدر معمم شدم. هیچ کس از من نخواست بود که پیش سیدصدر معمم شوم و من خودم این تصمیم را گرفته بودم. به من گفتند ضد اطلاعات عراق به خاطر این کار دستگیری میکنند و اذیت می‌کنند که البته برای من اصلاً مهم نبود. وقتی که پیش ایشان رفتم محاسن نداشتم و نوجوان بودم یک هفته یا ده روز بود که به نجف رسیده بودم. وقتی وارد شدیم تعدادی از طلاب معمم میشدند. او مرا با اسم صدا کرد. از این که اسمم را نیز به خاطر داشت شگفت زده شدم. سید صدر خیلی دلنشین و لطیف بود. لباس روحانیت را که پوشیدم از خوشحالی در جامم بند نبودم برای این که از کودکی منتظر چنین لحظه‌ای بودم. اما واقعا احساس سنگینی کردم میدانستم که دیگر نباید هر کاری را انجام دهم و مواظب رفتارها و گفتارهایم باشم. (سید عزیز مصاحبه‌های شهید حجت الاسلام سید حسن نصرالله با حمید داودآبادی، ص ۲۶ تا ۲۸)





# کتاب

ملتهای مسلمان! جوانان غیور منطقه!

مجاهد قهرمان، فرمانده یحیی السنوار، به یاران شهیدش پیوست....

کسی چون او که عمری را به مبارزه با دشمن غاصب و ظالم گذرانده است، سرانجامی جز شهادت شایسته‌ی او نیست. فقدان او برای جبهه‌ی مقاومت البته دردناک است، ولی این جبهه با شهادت برجستگانی چون شیخ احمد یاسین، فتحی شفاقی، زنتیسی و اسماعیل هنیئه از پیشروی باز نماند، و با شهادت سنوار هم کمترین توقفی نخواهد داشت؛ باذن الله، حماس زنده است و زنده خواهد ماند.

سیدعلی خامنه‌ای؛ ۲۸ مهر ۱۴۰۳



کتاب شهید سیدحسن نصرالله\_ناصر کاوه



# سید مقاومت

سید مقاومت، یک شخص نبود، یک راه و یک مکتب بود، و این راه همچنان ادامه خواهد یافت. خون شهید سید عباس موسوی بر زمین نماند، خون شهید سید حسن هم بر زمین نخواهد ماند.

رهبر معظم انقلاب اسلامی

## فقط برای او ...

به همه آنها میگوئیم به همه کسانی که در این جهان ما را تهدید میکنند ما اینجا هستیم و در اینجا باقی میمانیم در اینجا ثابت قدم و پایدار می مانیم و تا ابد عاشق شهادت میمانیم خداوند متعال به ما وعده پیروزی داده است و از کارهای ما آگاه است و میدانند در قلبهای ما نه حب مقام و قدرت جایی دارد و نه جاه طلبی او می داند که ما به ویرانه های این دنیای فانی دل نبسته ایم و اینجا هستیم فقط برای خشنودی او و تقرب به درگاهش؛ فقط برای بندگی او و رضوان او و جهاد در سبیل او. (از بیانات حضرت حجت الاسلام شهید سید حسن نصرالله رحمه الله نقل از کتاب زیور مقامت ص ۱۵۲ و ۱۵۳)



# شهید و شهیدان



سروان شهید و اندوخته، سردار سرلشکر عباس ایلخانی، در حمله‌های زنجیره‌ای شهید شهید و شهیدان بی‌شمار، به لطف خدا، بی‌گناه، بی‌گناه و بی‌گناه و اولادش، بر این مجاهدین، سبیل الله باد. شهیدان در راه خدا برای او که عمری را در جهاد برای برافراشتن پرچم اسلام گذرانده است، بی‌گناه است. پیام: هر انقلابی که در این عرصه سرانجام نگیرد، شکست خورده است. سرلشکر پاسدار عباس ایلخانی و خانواده (۱۳۸۳/۹/۲۷)



# روح سید حسن زنده است

روح سید حسن نصرالله زنده است، روح سنوار زنده است، شهادت، این‌ها راز عرصه وجود بیرون نبرد، جسم این‌ها رفت، روح‌شان باقیست، فکر‌شان باقیست، راه‌شان ادامه دارد.

رهبر انقلاب  
۱۴۰۳/۹/۲۷

کتاب شهید سید حسن نصرالله\_ناصر کاوه

## والله هي اوهن من بيت العنكبوت...

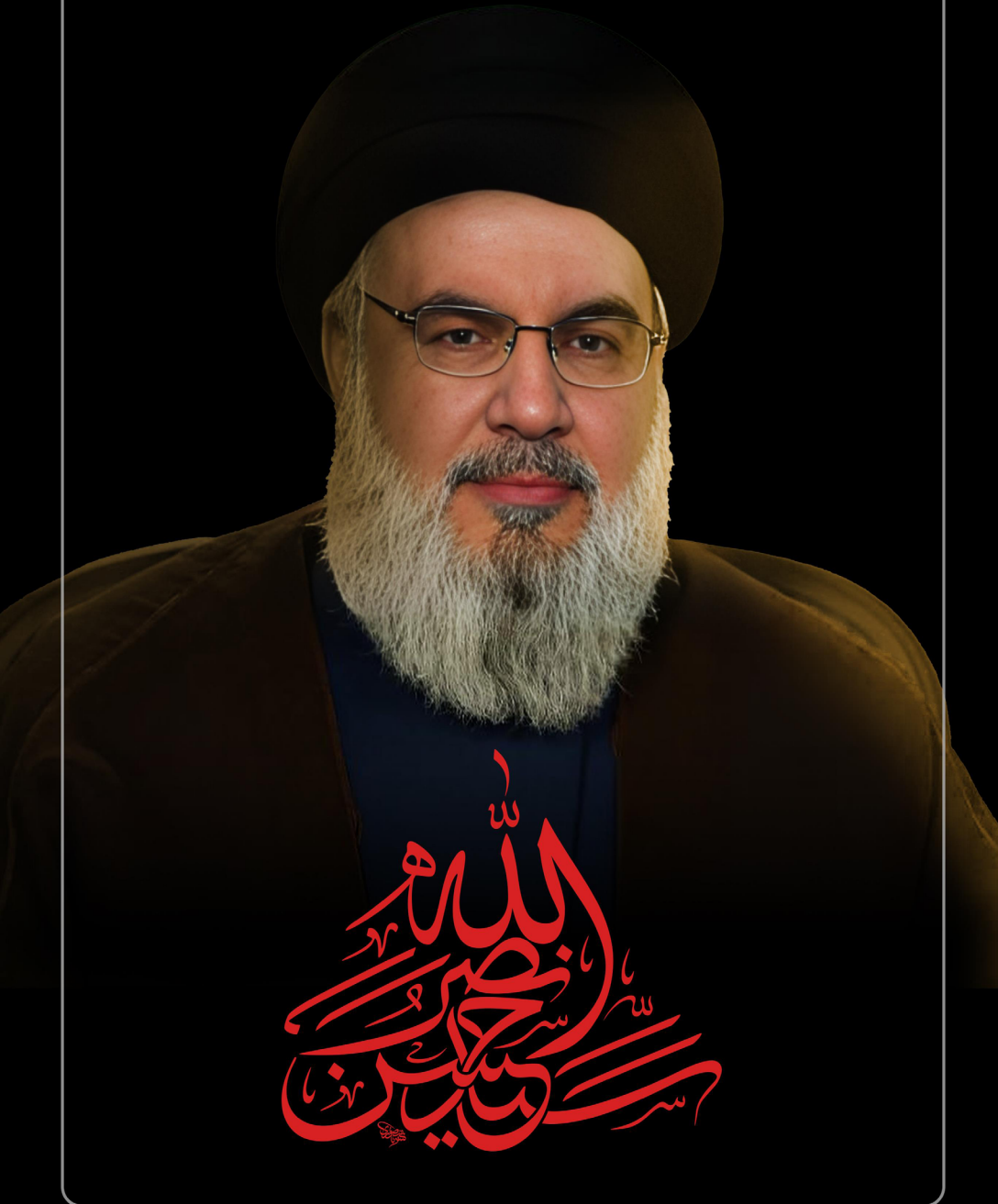
إن إسرائيل هذه التي تملك أسلحة نووية وأقوى سلاح جوي في المنطقة، والله هي أوهن من بيت العنكبوت. أي برادران و عزیزان مادر فلسطین به شما می گویم: این اسرائیلی که سلاح هسته ای و قوی ترین نیروی هوای در منطقه را در اختیار دارد به خدا سوگند از خانه عنكبوت سست تر است.

(از بیانات حضرت حجت الاسلام سید حسن نصرالله رحمه الله در تاریخ ۲۶ می ۲۰۰۰ به نقل از کتاب زیور مقامت ص ۱۳۱)

شهادت حضرت زوالله



إِنَّ اللَّهَ وَأَنَا لِيَوْمِ الْجَعُونَ



سُبْحَانَ اللَّهِ  
عَمَّا يُشْرِكُونَ  
إِنَّ اللَّهَ  
أَكْبَرُ

فرمانده آزادگان  
قائد الاجراء  
مجاهد بزرگ شهید اسماعیل هنیه



کتاب شهید سید حس

# بما انصناك من



# حزب الله لنا ليست

هر چیزی که مایه‌ی شناخت و تکریم بیشتر آن سید عزیز شود، خوب و برای من مطلوب است

کتاب ریشه‌ی عظمت‌ها تا خلسه‌ی سینه‌ی علی‌الغیا من احر کاوه

فان نصر الله العظيم

شهادت سید حسن نصرالله

نتیجه مقاومت جبری جز آزادی فلسطین  
از اشغال صهیونیست‌ها و آزادسازی  
کل منطقه ما از سلطه و استبداد  
آمریکا نخواهد بود.

